

# در باره ترجمه

۵

گاهنامه علمی، فرهنگی، خبری

سال سوم، شماره ۵، پاییز و زمستان ۸۶

به همت دانشجویان و فارغ التحصیلان  
کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی  
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات

## مقالات

مقدمه مترجم

تاریخچه ترجمه آثار شکسپیر در ادبیات فارسی  
خطاهای مترجم  
و...

کتابشناسی ترجمه  
و...

## مصاحبه با استادان ترجمه

این شماره: هوشنگ توانگر

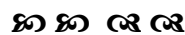
مکته ما و ناکفته های ترجمه



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درباره ترجمه بر آن است تا وسیله‌ای باشد برای

- آشنایی با رشته‌های دانشگاهی ترجمه و حوزه‌های تحقیق و پژوهش در ترجمه
  - تعامل بهتر و بیشتر با استادان رشته‌های ترجمه
  - انعکاس مقالات، یافته‌ها و دیدگاه‌های علمی استادان، دانشجویان و علاقه‌مندان رشته‌های مرتبط با ترجمه در حوزه مطالعات ترجمه
  - اطلاع‌رسانی در زمینه مسائل مربوط به ترجمه: کتابها، نشریه‌ها، پایان‌نامه‌ها و ...
- هزینه چاپ و تکثیر این شماره از نشریه از محل یارانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به نشریات دانشجویی تأمین شده است. در اینجا از همکاری، همیاری و پشتگرمی جناب آقای دکتر خلیل علیمحمدزاده معاون محترم فرهنگی این دانشگاه و نیز ریاست محترم دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی سپاسگزاری می‌شود.



- درباره ترجمه کلیه نظرات و پیشنهادهای شما را درباره خود به دیده منت می‌پذیرد و آماده انعکاس دیدگاهها و مقالات علاقه‌مندان به ترجمه و حوزه‌های مرتبط با ترجمه و زبان است.
- شیوه خط به کاررفته در این نشریه براساس آخرین ویرایش کتاب دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.
- خواهشمند است در صورت دسترسی به هرگونه خبر قابل توجه مرتبط با ترجمه، آن را جهت انعکاس در نشریه یا تهیه خبر تکمیلی برای ما ارسال کنید. از طریق نشانی پستی، نشانی پست الکترونیکی یا تلفن با ما در ارتباط باشید.
- نظرات مطرح شده در نوشته‌ها و مقالات لزوماً نظر درباره ترجمه نیست.
- نقل مطالب درباره ترجمه با ذکر مأخذ مانعی ندارد.

## درباره ترجمه

فصلنامه علمی، فرهنگی، خبری

(در حال حاضر هر شش ماه یکبار منتشر می‌شود.)

سال سوم، شماره پنجم

پائیز و زمستان ۱۳۸۶

صاحب امتیاز: بهروز کروی

مدیر مسئول و سردبیر: سید حسین حیدریان

سرپرست هیئت تحریریه و ویراستار: سلما رضوان جو

طراح جلد: سید مجید مطهری

مدیر اجرایی: علی معتمدی

وبگاه معاونت فرهنگی دانشگاه (جهت دریافت نسخه pdf نشریه):

[www.vccans.ir](http://www.vccans.ir)

وب‌نوشت نشریه: [about-translation.blogspot.com](http://about-translation.blogspot.com)

پست الکترونیکی: [Abouttranslation@gmail.com](mailto:Abouttranslation@gmail.com)

نشانی: تهران، صندوق پستی ۴۶۳-۱۹۵۷۵

تلفن ارتباط با نشریه: ۱۶۸۷ ۲۲۷ - ۰۹۱۲

## فهرست

۳	.....	♦ یادداشت
		♦ مصاحبه با استادان ترجمه
۴	.....	این شماره: هوشنگ توانگر
<hr/>		
		♦ مقالات
۹	.....	بحثی در مقدمه مترجم / سمانه قرایی
		تاریخچه ترجمه آثار شکسپیر در ادبیات فارسی (از آغاز تا سال ۱۳۸۱) /
۱۴	.....	دکتر ناصر ملکی، مریم نویدی
۲۰	.....	خطاهای مترجم / آزاده علائینی
۳۳	.....	♦ نکته‌ها و ناگفته‌های ترجمه / حسن هاشمی میناباد
۴۲	.....	♦ آشنایی با اندیشمندان ترجمه / فاطمه مهدی‌برزی
<hr/>		
۴۶	.....	♦ ناگفته‌هایی از ترجمه فیلم در گفتگویی با دکتر دیاز سینتاس / فاطمه جبارزاده
<hr/>		
		♦ کتابشناسی ترجمه
۵۲	.....	کتابشناسی آثار فارسی درباره ترجمه / سید حسین حیدریان
		♦ فهرست معادله‌های اصطلاحات مطالعات ترجمه
۵۶	.....	برگرفته از کتاب «فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعه ترجمه»
<hr/>		
۶۵	.....	♦ نشریه‌ها و خبرها
		سخنرانی
		دکتر حسین ملانظر و مرکز پژوهشهای ترجمه
		شورای عالی ترجمه تشکیل شد
		شماره دوم فصلنامه آستانه منتشر شد
		همایش فرهنگ و سنتهای ترجمه
		شماره‌های ۴۵ و ۴۶ فصلنامه مترجم منتشر شد
		مترجمان آمریکایی واژه‌های مذهبی را از شعر مولانا حذف کرده‌اند

از استادان بزرگوار این رشته خانم دکتر فرزانه فرحزاد، آقای دکتر غلامرضا تجویدی، آقای دکتر حسین ملانظر، آقای دکتر کامبیز محمودزاده و آقای حسن هاشمی میناباد به دلیل پشتگرمیها و راهنماییهای ارزنده‌شان در انتشار این مجله قدردانی می‌شود.



از سروران عزیزی که نامشان در زیر می‌آید و در تهیه و تنظیم مطالب این شماره با ما همراه بوده‌اند سپاسگزاری می‌شود: دانشجویان کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات: آقای حمید امینی و خانمها فرح مدنی و محبوبه دهقانی. دانشجویان کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رودهن: آقای هادی حاجی‌علی و خانمها مهدیه مشهدی علی بابایی، مهدیه عرفاتی، آزاده ظهوریان، سمیه عدلی‌فر و آریتا محسنی. این نشریه همچنین مراتب امتنان خود را از آقایان امید رنجبر و خانمها آسیه بهاری‌نیا و حبیبه سیحانی به دلیل همکاری در تنظیم برخی از مطالب این شماره اعلام می‌دارد.

انتشار درباره ترجمه هر شش ماه یکبار تازه‌ترین خبری است که در ابتدای این یادداشت به اطلاع خوانندگان عزیزی که همیشه با تماس و ارسال نامه، پیگیر نشر مجله بوده‌اند می‌رسانیم. امیدواریم با این تصمیم، بتوانیم حضور پیوسته‌مان را در کنار شما حفظ کنیم. هر چند امیدواریم امکانات و شرایط آینده امکان انتشار مجله را در فواصل زمانی کوتاه‌تر فراهم کند.

در شماره حاضر علاوه بر بخشهای همیشگی، کتابشناسی فارسی ترجمه و نیز بخش نخست از مجموعه معرفی واژگان فرهنگ توصیفی مطالعات ترجمه درج شده است.

لازم به ذکر است هم اکنون از طریق صفحه اصلی وبگاه معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، امکان دسترسی به فایل الکترونیکی (نسخه pdf) همه شماره‌های مجله فراهم آمده است. طریقه به دست آوردن نسخه‌های الکترونیکی مجله به شرح زیر است:

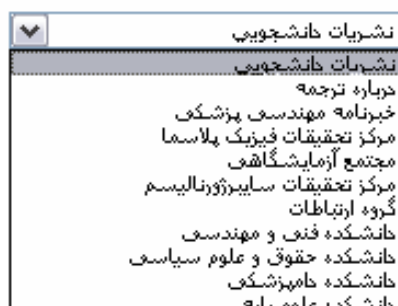
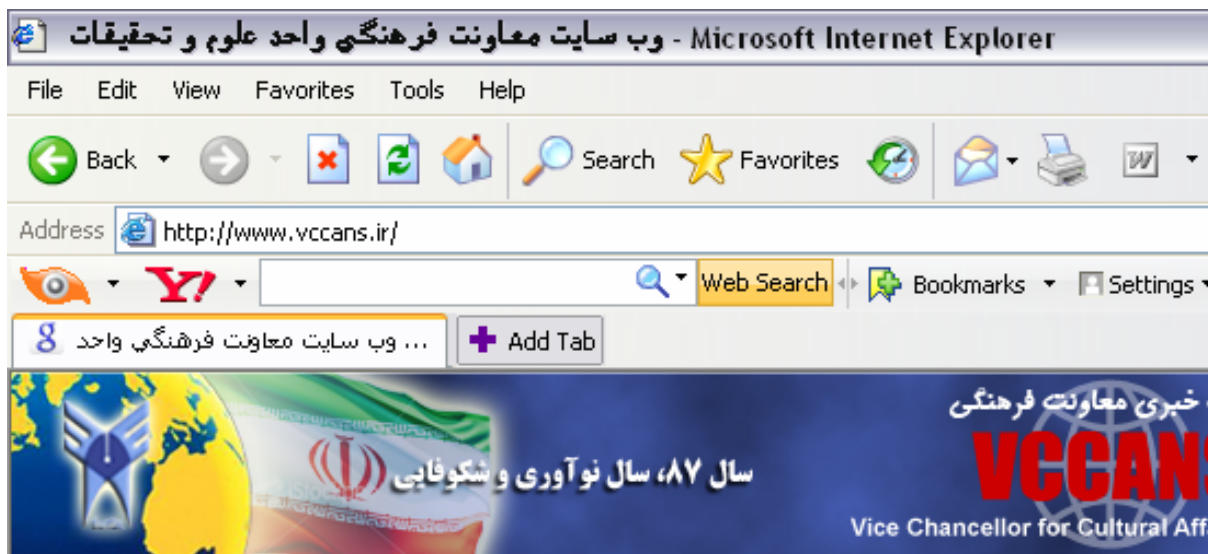
۱. مراجعه به وبگاه <http://www.vccans.ir>

۲. مراجعه به قسمت «جستجوی بانک نشریات و مجلات» و کلیک بر روی نام نشریه،

۳. کلیک بر روی شماره مورد نظر از مجله.

پایدار باشید

سردبیر



# مصاحبه با استادان ترجمه

درباره ترجمه

## این شماره: هوشنگ توانگر

سید حسین حیدریان

هوشنگ توانگر، استاد شوخ‌طبع و مهربان ترجمه مکاتبات و اسناد، خوش‌روترین استادی است که می‌توان با او مصاحبه کرد. او در هفتاد و یک سالگی با نشاط و علاقه پشت میز کارش در دارالترجمه رسمی شماره ۹۵ خیابان هدایت منطقه دروس تهران با دقت و اشتیاق مشغول ترجمه یا بررسی و ویرایش متنهای حقوقی است. مهمتر از کار ترجمه، هم اوست که توانست با تألیف و انتشار دو جلد کتاب آموزشی ترجمه مکاتبات و اسناد، تلخی ترجمه اصطلاحات و عبارات اسناد را برای دانشجویان مشتاق این رشته شیرین کند.

استاد توانگر در لابه‌لای حرفهایی صمیمی و با صراحت، به مشکلات و مسائلی که در مقابل مترجمان رسمی و حرفه ترجمه قرار می‌گیرد می‌پردازد و ما را با ضرورت جدی گرفتن ترجمه تخصصی به‌ویژه شاخه حقوقی به‌عنوان شاخه‌ای مستقل از آموزش ترجمه در ایران آشنا و به این رشته علاقه‌مند می‌کند.

او علاوه بر عضویت و فعالیت در جامعه مترجمان رسمی ایران، عضو انجمن مترجمان هم‌زمان و مکتوب آستین تگزاس نیز هست و مطالبی خواندنی از او در شماره اخیر فصلنامه مترجمان رسمی به چاپ رسیده است.

### \* در ابتدا، لطفاً کمی درباره خودتان بفرمائید و اینکه آشنایی شما با ترجمه چگونه بوده است؟

- من از ۱۴ سالگی در مجله کیهان بچه‌ها شروع به ترجمه کردم. آن زمان از زبان روسی که مادرم به من آموخته بود به فارسی ترجمه می‌کردم و کارهایم بیشتر شامل داستانهای فولکوریک روسی بود. ترجمه‌ها را شادروان عباس یمینی شریف ویراستاری می‌کردند. من هم ترجمه‌های ایشان را از نظر ساختاری، لغوی و غیره مقابله می‌کردم که در مجله کیهان بچه‌ها چاپ می‌شد. در سنین نوجوانی تجارب زیادی در ترجمه به دست آوردم. ضمن مقابله ترجمه‌های مذکور بتدریج در زبان فارسی راه افتادم. پس از اخذ دیپلم ادبی وارد دانشگاه شدم و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهران تحصیل و هم‌زمان شروع به ترجمه انگلیسی-فارسی و بالعکس کردم و ترجمه‌هایی از من در مطبوعات چاپ شد و رفته رفته وارد این حرفه شدم. با مرحوم جعفر بدیعی، صاحب امتیاز کیهان بچه‌ها نیز همکاری داشتم.

در دوره لیسانس در دانشگاه تهران در محضر اساتیدی چون شادروان دکتر صورتگر، شادروان دکتر بازارگادی، شادروان دکتر سپهبدی و شادروان دکتر سید صادق گوهرین تلمذ کردم. در زمان دانشجویی با یک شرکت انگلیسی به نام CJB همکاری داشتم و مکالمه با همکاران انگلیسی زبان به من دریادگیری انگلیسی بسیار کمک کرد. ما در دانشگاه بیشتر به صورت مکتوب درس می‌خواندیم و در سایت کارخانه CJB هم به زبان انگلیسی حرف می‌زدیم. پس از فارغ التحصیلی در سازمانی در شیراز کار می‌کردم و بعد از آن در امتحانات شرکت نفت قبول شدم. در آن جا تجارب زیادی کسب کردم و سرپرست ارشد اداره آموزش پتروشیمی آبادان بودم و مسئول قسمتی در آموزش و پرورش شرکت ملی نفت در آبادان بودم. تجربه‌های زیادی را که طی این دوران به دست آوردم بسیار به من کمک کرد.

زبان حقوقی هیچگاه نمی‌تواند آنطور که مردم انتظار دارند به زبان آنان نزدیک شود و اگر هم قرار باشد این موضوع تحقق یابد، کار حقوق دانان بزرگ و فرهنگستان است. در این خصوص پیش از انقلاب اسلامی کارهایی صورت گرفت. مثلاً به جای استیناف، واژه پژوهش‌خواهی را جایگزین کردند. ولی این کار ادامه نیافت.

از سال ۱۳۴۳ به بعد همچنان در شرکت نفت بودم و مؤسسه‌ای تأسیس کردم به نام مکتب زبان آبادان که در آن هنگام نخستین مؤسسه‌ای بود که در آبادان به آخرین وسائل سمعی و بصری و تلویزیون رنگی مجهز بود و چون ناچار بودم پیوسته برای کسب تجارب بیشتر در امر تدریس زبان به انگلستان سفر کنم، از شرکت نفت استعفا دادم. بعد از اینکه جنگ تحمیلی آغاز شد ناگزیر به مهاجرت به تهران شدم.

**\* در چه سالهایی به فعالیت در خصوص ترجمه حقوقی روی آوردید؟**

- بعد از اینکه به تهران آمدم در دارالترجمه روزولت شروع به کار کردم. مدت زیادی در آنجا کارآموز بودم و در امتحان مترجمی شرکت کردم و نفر سوم شدم پس از اخذ پروانه مترجمی رسمی، کار ترجمه رسمی خود را شروع کردم و در چندین دوره، عضو هیئت مدیره جامعه مترجمان رسمی بودم که هنوز هم این عضویت ادامه دارد. برای جامعه مترجمان رسمی خیلی کارها انجام دادیم و همواره فعالیت داریم، ولی مشکلات فراوان است که در حال رفع آنها هستیم.



**\* جامعه مترجمان رسمی در چه زمانی تأسیس شد؟ و شما از کی تدریس ترجمه را آغاز کردید؟**

- جامعه مترجمان رسمی دو دوره فعالیت داشت. دوره قبل را وزارت کشور بنا به دلائلی منحل کرد و ما با یک سری ضوابط جدید فعالیت مجدد خود را شروع کردیم. ریاست دوره نخست را مرحوم دکتر مصاحب بر عهده داشت. کار تدریس ترجمه را در حالی که مترجم رسمی بودم در سال ۱۳۶۵ در دانشگاه علامه طباطبائی شروع کردم و درس ترجمه مکاتبات و اسناد را در زمان ریاست آقایان دکتر بیرجندی و دکتر میرعمادی تدریس می‌کردم. بعد به تدریج در دانشگاه آزاد اسلامی کار را ادامه دادم. دروس ترجمه اسناد و چند درس ترجمه دیگر را تدریس می‌کردم و در حقیقت، پایه ترجمه اسناد را بنا نهادم. از افتخارات من این است که بسیاری از دانشجویانم در حال حاضر پروانه مترجمی رسمی را اخذ کرده‌اند و در این رشته فعالیت می‌کنند.

**\* کتاب ترجمه مکاتبات و اسناد شما به اقرار استادان این رشته کاملترین کتاب آموزشی در موضوع ترجمه مکاتبات و اسناد بوده است. در مورد روند تألیف این کتاب توضیح دهید.**

- اگرچه من دانش‌آموخته رشته ادبیات زبان انگلیسی دانشگاه تهران هستم، ولی بتدریج به ترجمه حقوقی گرایش یافتم و بخصوص در کار حقوقی ترجمه های زیادی انجام می‌دادم. در آن زمان که من در دانشگاه تدریس می‌کردم درس ترجمه اسناد تازه ارائه شده بود و من شروع به آماده ساختن جزواتی در این خصوص کردم که دانشگاه پیام نور اولین جلد آن را در سال ۱۳۷۵ با تغییرات و بازنگری به صورت کتاب منتشر کرد. یک سال بعد هم جلد دوم به چاپ رسید و تاکنون ۵ بار تجدید چاپ شده است هنوز هم در حال بازنگری مطالب آن هستم. این کتابها حاصل یک دوره ده ساله یادداشت برداری و تلاش است که برای اولین بار در ارتباط با درس ترجمه مکاتبات و اسناد به چاپ رسیده است. تألیف این جانب، یک کتاب کاملاً خودخوان است و با کتابهای دیگر که بعداً در این زمینه چاپ شده است تفاوتهایی دارد.

من در مقدمه این کتاب از قول جاحظ نوشته‌ام: « مترجم باید در آنچه ترجمه می کند توانا بوده و خود نیز صاحب همان دانشی باشد که مؤلف دارد و به زبانی هم که ترجمه می کند باید اشراف داشته باشد، به قسمی که

هر دو زبان را به یک اندازه بدانند.» ما از لحاظ زبان مبدأ هر چه قدر بخوانیم باز هم کم خوانده‌ایم و همچنین در مورد زبان مقصد. کاری که من در این کتاب انجام دادم این بود که نخست اشراف کلی از نوع سند مورد ترجمه را به دانشجویان ارائه دادم. یعنی گفتم اگر می‌خواهید سند ازدواج را ترجمه کنید باید بر قانون مدنی ایران اشراف داشته باشید. این کار را من در مورد کلاس درس خودم نیز پیاده می‌کردم، یعنی هم قانون را درس می‌دادم و هم سندهای مربوط به آن را. من به دانشجویان گفتم: تا متوجه نباشید ماهیت متن مورد ترجمه چیست، نمی‌توانید آن را ترجمه کنید.



**\* چرا ما هنوز جایگزینی برای کلمات حقوقی که در زبان فارسی بر ایمان نام‌انوس است پیدا نمی‌کنیم؟**

- بخشی به ماهیت متنهای حقوقی برمی‌گردد که باید تا حدودی با متنهای معمول از نظر ساختار و واژه متفاوت باشد و بخشی نیز به این دلیل است که تاکنون اقدامی جدی در این زمینه صورت نگرفته است. اقدام جدی هم صورت بگیرد باید زمان بگذرد تا جا بیفتد و همان معنا را افاده کند. در مورد

قانون مدنی ایران بسیاری از مسائل آن به قرآن و فقه اسلامی باز می‌گردد. قانون تجارت را که از اروپا گرفته شده است یک سری از مطالبش مربوط به فقه اسلامی است که از نظر تجاری خیلی فرق کرده است، مثلاً در سند ازدواج به جای کلمه «رجوع» چه چیزی را می‌توان جایگزین کرد؟ رجوع معنای خاص حقوقی خود را دارد. مثلاً وقتی می‌گویند «فلان زن و شوهر بعد از طلاق به هم رجوع کردند» بسیاری متوجه نمی‌شوند و اگر این کلمه را غلط ترجمه کنیم دچار مشکل می‌شویم.

زبان حقوقی هیچ‌گاه نمی‌تواند آن‌طور که مردم انتظار دارند به زبان آنان نزدیک شود و اگر هم قرار باشد این موضوع تحقق یابد، کار حقوق دانان بزرگ و فرهنگستان است. در این خصوص پیش از انقلاب اسلامی کارهایی صورت گرفت. مثلاً به جای استیناف، واژه پژوهش‌خواهی را جایگزین کردند. ولی این کار دچار وقفه شد، هرچند دوباره از سر گرفته شد. این کار بدون مطالعه محقق نخواهد شد. به نظر من مقاله آقای دکتر حسن حبیبی در شماره اول نامه فرهنگستان بهترین راهنما در خصوص زبان حقوقی است.

فرهنگ اصطلاحات حقوقی، تهیه شده در دیوان دعاوی لاهه، شامل معادلهای خوبی برای اصطلاحات حقوقی است و من در تدوین کتابم به این منابع اشاره و از آن استفاده کرده‌ام. باید از هر تلاشی که در این زمینه به عمل می‌آید استقبال کرد.

**\* حتی در زبان انگلیسی واژه‌هایی که در اساسنامه‌های امروزی‌تر دیده می‌شود، واژه‌های کهن را رفته رفته کنار می‌گذارند. درباره واژه‌ای که برای خود اساسنامه به کار برده می‌شود چه نظری دارید؟**

- اساسنامه‌ها بیشتر مربوط به قانون تجارت است و این قانون چندان ارتباطی با فقه اسلامی ندارد و بیشتر آن در زبان حقوقی انگلیسی به صورت لاتین است و این لغات لاتین را به صورت ایتالیک می‌نویسند. اساسنامه تجاری در واقع Articles of Association است. ولی اساسنامه دانشگاه آزاد Statute ترجمه می‌شود.

متأسفانه تعرفه پرداخت حق‌الت ترجمه که در آئین‌نامه مترجمان رسمی تعیین شده است، تفاوت چندانی بین نوع ترجمه قائل نمی‌شود و فقط بر اساس شمارش واژگان تعیین شده است.

Charter of United Nation و Constitution (منشور سازمان ملل) هم نوعی اساسنامه است. با کمال تأسف، در حال حاضر بیشتر افراد بدون اشراف به متون حقوقی و آگاهی کلی از مفاد قانونی زبان مبدأ و مقصد به تدریس ترجمه اسناد مشغول می‌شود. وقتی کسی ترجمه اسناد تدریس می‌کند باید مدت مدیدی در زمینه اسناد کار کرده باشد. من خود زمانی که قصد داشتم نخستین بار ترجمه اسناد را انجام دهم، با وجود اینکه تجربه زیادی داشتم، دچار ترس شده بودم. در آن زمان بود که تجربیات فراوانی را در کار ترجمه حقوقی از آقای ابراهیمی، مترجم رسمی و حقوقی دارالت ترجمه روزولت، فراگرفتم. چطور می‌شود کسی در دوره لیسانس دو یا چهار واحد درسی گذرانده و در دوره کارشناسی ارشد و غیره هم هیچ کار عملی کارگاهی و تجربه در مورد آن صورت نمی‌گیرد بخواهد درس ترجمه اسناد را در دانشگاه تدریس کند؟ درسی را باید تدریس کند که خود اشراف کافی به آن ندارد! من خودم در کلاس ترجمه اسناد بدون کتاب آقای جعفری لنگرودی وارد نمی‌شدم. ایشان در کتابشان تمام مسائل حقوقی را مو به مو شکافته و به بررسی آنها پرداخته‌اند. و حال نزدیک به ۳۰ سال است که به تدریس ترجمه مکاتبات و اسناد مشغول هستم.

\* در مورد ترجمه رسمی در تمام زبانهای دنیا چه نظری دارید؟

- در مورد ترجمه رسمی در ایران آن اهمیتی که باید به آن داده شود هنوز داده نشده است، زیرا در اکثر دانشگاهها در سرفصل دروس انتخابی دانشگاه، هم می‌توان ترجمه مکاتبات و اسناد را انتخاب کرد و هم زبان دوم را؛ و بیشتر دانشجویان به دلیل مشکل بودن متون حقوقی تمایل به گزینش زبان دوم دارند. این نشان می‌دهد که این رشته درسی هنوز آن‌طور که باید، جدی گرفته نشده است. در حالی که در هر مملکتی باید مترجمان حقوقی وجود داشته باشند که در دعاوی بین‌المللی شرکت کنند و برای نیل به هدف، می‌بایستی دوره‌های مستقل ترجمه حقوقی با تأکید بر جنبه عملی آن ایجاد شود. در متون حقوقی جایجایی ویرگول هم می‌تواند کل معنا را عوض کند. در این خصوص شما را ارجاع می‌دهم به مقاله دکتر اردلان در شماره اخیر فصلنامه پیام مترجمان رسمی.

\* هم اکنون چه تعداد مترجم حقوقی کارآمد در سطح کشور موجود است؟

- در حال حاضر تعداد اندکی از مترجمان رسمی این رشته به طور حرفه‌ای در بخش ترجمه حقوقی مشغول به فعالیت هستند، به دلیل آنکه الآن دو نوع ترجمه رسمی در سراسر کشور وجود دارد: یکی ادبیات ویزایی و مهاجرتی است که می‌توان گفت کلیشه‌ای هستند و دیگری ترجمه حقوقی البته نوع سومی هم وجود دارد که همکاران من باید از آن اجتناب کنند و همانا ترجمه کارهای کلاسی دانشجویان (term paper) است که دانشجویان به علت بی‌حوصلگی در انجام تکالیف، آنها را جهت ترجمه تحویل دارالت ترجمه‌ها می‌دهند. اکنون بیش از ۲۲ سال است که ترجمه یکی از بانکها به عهده این‌جانب است و ترجمه‌های حقوقی آن را انجام می‌دهم. اما ادبیات ویزایی از نوع دیگری است یا به عبارت دیگر کلیشه‌ای است. کار ساده‌تری است که بخش اعظم آن نیازی به اشراف به مطالب حقوقی ندارد.

متأسفانه تعرفه پرداخت حق‌الت ترجمه که در آئین‌نامه مترجمان رسمی تعیین شده است، تفاوت چندانی بین نوع ترجمه قائل نمی‌شود و فقط بر اساس شمارش واژگان (word count) تعیین شده است. و بعضاً هم ارباب رجوع تفاوت دوغ و دوشاب را اصلاً نمی‌داند.



من اساساً مترجم امضایی نیستم و سعی می‌کنم در فرایند ترجمه نقش داشته باشم. بسیاری از کارهای جدی را هنوز خودم به‌تنهایی ترجمه می‌کنم. و اکثر ترجمه‌های انجام گرفته را برای مقابله و صحت کار به کارآموزان محول می‌کنم.

\* چند درصد کارتان انگلیسی به فارسی و چند درصد برعکس است و آیا به زبانهای دیگر نیز ترجمه می‌کنید؟ بستگی به متن مورد نظر دارد ولی بیشتر ترجمه از زبان فارسی به انگلیسی است و زبانهای دیگر را اعم از آلمانی، فرانسه و غیره را به مترجم رسمی همان زبانها محول می‌کنیم

\* در مورد مرجع‌شناسی و استفاده از منابع چه نظری دارید؟ به نظر شما اکنون منابع مهم این رشته کدامند؟ یک مترجم رسمی به علت گستردگی کارش باید منابع مختلفی را در اختیار داشته باشد. خصوصاً نکته‌ای را که لازم می‌دانم در مجله‌تان به آن اشاره کنید، لزوم ایجاد حس تعاون و همکاری بین مترجمان است. مترجمان باید در تعامل با یکدیگر باشند یا کار به صورت تیمی انجام شود. و این کار گروهی (team work) چیزی است که ما از آن به دلایل گوناگون فاصله بسیاری داریم.

علاوه بر فرهنگهای نام برده شده در کتاب ترجمه مکاتبات و اسناد این جانب، برخی از فرهنگهای تخصصی از جمله Chambers Dictionary of Science and Technology و فرهنگ McGrahill یا فرهنگ اصطلاحات کشتیرانی (نوشته گیو آقاسی) واژه‌های نفت و گاز و فرهنگ کوچه (انگلیسی-فارسی) جهانگیر افشاری و غیره نیز وجود دارد. باید از نشر هر فرهنگ در این زمینه چه کار فردی باشد یا گروهی استقبال کنیم و با بی‌نظری و نه به قصد کوبیدن و خودنمایی به غنای آن بیفزاییم.

\* درباره صحت ترجمه و امانت‌داری چه نظری دارید؟

- هر مترجم رسمی سوگند نامه‌ای دارد که باید تابع آن باشد. مترجم باید هم امانت ترجمه را نگه دارد و هم اسرار مردم را. مثلاً سند حقوقی دارای موارد بسیاری است که می‌بایست نسبت به آنها امانت‌داری شود. ما ناچاریم امانت را به طور کامل رعایت کنیم و کاملاً معنای فارسی و برابر واژه را پیدا کنیم. اما متأسفانه بیشتر دانشجویان ترجیح می‌دهند به ترجمه ویزایی بپردازند تا ترجمه حقوقی.

\* رشته تدریس شما مکاتبات و اسناد بوده است. در ترجمه چه فرقی میان مکاتبات و اسناد است؟

- مکاتبات بر خلاف اسناد هم جنبه اداری دارد و هم حقوقی. شاخه‌ای در کنار آن به نام نامه‌نگاری نیز داریم. برخی از شرکتها، نامه هم برای ترجمه می‌آورند. بعضی از نامه‌ها در حوزه‌های تخصصی از جمله کشتیرانی است یا ترجمه کارهای بانکی مثل گزارشهای شعب خارج از کشور یا موارد دیگر. کسی که می‌خواهد مترجم حقوقی خوبی شود باید کارهای زیادی انجام دهد زیرا صحبت از حق است و بار معنای دقیق واژگان؛ که اشتباه در برداشت ممکن است جابجایی حقوق افراد را موجب شود.

\* روزی چند ساعت کار می‌کنید؟ و برای دانشجویانی که آرزوی تأسیس یا کار در دارالترجمه را دارند چه توصیه‌هایی دارید؟

- من به دلیل علاقه به کار ترجمه حقوقی، با وجودی که در این سن به نظر نمی‌آید، از ساعت ۴ یا ۶ صبح شروع و گاهی تا ساعت ۱۲ شب کار می‌کنم. من اساساً مترجم امضایی نیستم و سعی می‌کنم در فرایند ترجمه نقش داشته باشم. بسیاری از کارهای جدی را هنوز خودم به‌تنهایی ترجمه می‌کنم. اکثر ترجمه‌های انجام گرفته را برای مقابله و صحت کار به کارآموزان محول می‌کنم. این کار موجب می‌شود آنها بتوانند در امر ترجمه، بخصوص ترجمه حقوقی، تمرین و ممارست و اشراف کافی را کسب نمایند. برای دانشجویان عزیز متقاضی ترجمه رسمی پیشنهاد می‌کنم که با دقت و حوصله و امانت‌داری بسیار کار ترجمه را نزد اساتید با تجربه فراگیرند و دمی غافل از مطالعه و آموختن بهتر زبان مبدأ و زبان مقصد بخصوص مطالب حقوقی نباشند.

\* با تشکر فراوان از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.

## بحثی در مقدمه مترجم

سمانه قرایی\*

دانشجوی مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبایی

آیا ترجمه (این برگردان متن مبدأ به زبان مقصد با حفظ معنی) به مقدمه نیاز دارد؟ البته در اینجا منظور از ترجمه، ترجمه متون ادبی است که معمولاً فاقد مقدمه‌ای به زبان خود نویسنده در متن مبدأ هستند. نویسندگان متون غیرداستانی اغلب توضیحات مبسوطی درباره خود کتاب، انگیزه نوشتن آن، تحقیقات به کار رفته برای انجام آن، روشهای به کار رفته در انجام تحقیقات، بخشها و فصول کتاب، و چکیده هر کدام از آنها را در مقدمه مبسوط خود می آورند و زحمت مترجم را (جز در موارد اندکی از قبیل تبیین جایگاه علمی کتاب، دیگر کارهای نویسنده، مزایا و معایب احتمالی آن و توضیح مواردی که ممکن است در نظر خواننده مهم باشند) کم می کنند. اما در مورد متون داستانی، احتمالاً صفحه تقدیم نامه تنها جایی در خود کتاب است که می توان پیش از ورود به داستان چند جمله‌ای از زبان خود نویسنده در آن یافت. نویسندگان ادبی ترجیح می دهند خوانندگان را بدون هیچ پیش فرض و زمینه‌ای به وادی داستان خود بکشانند. اغلب خصوصاً در کشورهای غربی این احتمال را می دهند که اصلاً دلیل انتخاب اثرشان توسط خواننده، مطالعه مصاحبه‌های آنها یا نقدهای منتقدان ادبی در روزنامه‌ها، مجلات و سایت‌های مختلف بوده و خواننده بی خبر از همه جا و به صرف زیبا بودن جلد کتاب وارد داستانشان نشده است. پس چرا با اینکه احتمال این گونه آشنایی خواننده با ترجمه یک اثر ادبی وجود دارد خواننده همچنان به مقدمه مترجم نیازمند است و آنچه مترجم نیاز به اشاره به آن را در ابتدای کتاب حس می کند، می تواند راهگشای فهم و لذت مضاعف خواننده شود؟

## مقدمه ترجمه

نیومارک (۱۹۸۸: ۱۰۱) معتقد است که اولین وظیفه مترجم ترجمه متن است و چنانچه پس از آن ترجمه خود را ناقص یافت، به خواننده کمک می کند که به معنی نزدیک تر شود. این کمک مترجم در قالب توضیحاتی ظاهر می شوند که باید به حاشیه منتقل شوند و برای مترجم یکی از این حاشیه‌ها مقدمه است. تقسیم بندی که او از این اطلاعات اضافی یا کمکی ارائه می کند به صورت اطلاعات درون متنی، پانوشتی، پی نوشتی و نمایه‌ای است. گرچه او درجایی دیگر جداگانه از مقدمه مترجم نام می برد، اما مقدمه را، که در بسیاری از موارد اطلاعات پی نوشتی و حتی پانوشتی را در خود جای می دهد، در این تقسیم بندی نمی گنجانند. معصومی همدانی (۱۳۷۳) نیز حاشیه را یا مطالبی می داند که نویسنده به دلایلی به جای آوردن در متن اصلی در ذیل صفحات، آخر فصل یا آخر کتاب جای می دهد (و مثلاً شاعر انگلیسی تی. اس. الیوت شخصاً به منظومه سرزمین هرز

\* sama.gharaei@gmail.com

خود حاشیه زده است) و یا مطالبی که مترجم کتاب یا مقاله در توضیح منظور نویسنده جدای از متن می آورد. مقدمه مترجم هیچ چارچوب نظری جداگانه‌ای نیست و با اینکه هم می توان آن را جزء حاشیه‌های ترجمه (annotations) محسوب کرد و از این طریق به آن پرداخت و هم می دانیم که برای انجام چه نوع پژوهشهایی می توان به آن مراجعه کرد. ویلیامز و چسترمن (۱۰: ۲۰۰۲) مقدمه مترجم را یکی از حوزه‌هایی می دانند که می توان به منظور پژوهش درباره مترجمان به آنها مراجعه کرد و در صورت بود نبود آنها به نحوه کار مترجم بیشتر پی برد. در مورد مطالبی که باید در آن گنجانده شود و اطلاعات زایدی که باید از آنها پرهیز شود و نوع و تقسیم بندی این اطلاعات به طور خاص کاری انجام نشده است و تنها نیومارک (۱۹۸۸) به طور گذرا به آن اشاره کرده است. حسن هاشمی میناباد (۱۳۷۹: ۳۱۳) اعتقاد دارد مقدمه ترجمه، در صورتی که مفید و اطلاع رسان باشد، کلید کارآمدی است برای درک نویسنده و آنچه در کتاب آمده است.

### محتوای مقدمه

نیومارک (۱۹۸۸) معتقد است که مترجم باید اهمیت احتمالی اثر در فرهنگ زبان مقصد را ارزیابی کند و مشخص سازد که آیا این اثر ارزش ترجمه شدن دارد یا نه. حال که اثری ترجمه شده، چه اثری بر زبان مقصد، ادبیات آن و ایده‌های جدید مطرح شده در سطح آن خواهد گذاشت. نیومارک معتقد است که پاسخ به این سؤالات را باید در مقدمه مترجم یافت و البته تصریح می کند که سنت بی نام و نشان بودن مترجم در اروپا به راحتی منسوخ نمی شود تا از مترجم انتظار طرح چنین مطالبی را داشت.

با توجه به نظر نیومارک، مترجم باید در مقدمه خود به نکات زیر اشاره کند:

۱. جایگاه و اهمیت اثر در فرهنگ زبان مقصد (و البته در زبان مبدأ) و اینکه آیا جای خالی چنین ترجمه‌ای حس می شده یا نه (در این مورد می توان به ترجمه دکتر فریده مهدوی دامغانی از «بهشت گمشده» میلتن اشاره کرد).
۲. این اثر ترجمه شده چه تأثیری بر زبان مقصد در تمام سطوح خواهد گذاشت (به طور مثال می توان به آشنایی خوانندگان و نویسندگان ایرانی با آثار ریموند کارور از طریق ترجمه آنها و تأثیر سبک داستان نویسی او بر بسیاری از نویسندگان جوان اشاره کرد).

اما موارد بالا کلی و در عین حال برای یک مقدمه ناکافی اند و بسیاری از نکات دیگر هستند که جای طرح آنها در مقدمه مترجم است. در تحقیقی که نگارنده (۲۰۰۸) بر روی مقدمه‌های ترجمه‌های ادبی انتشارات فرانکلین (۱۳۵۶-۱۳۳۲) انجام داده، نکات ذیل را با تعیین بسامد و وقوعشان در این ترجمه‌ها مشخص ساخته است:

زندگینامه نویسنده کتاب به همراه فهرستی از آثار او و مکتب و ژانری که در آن فعال بوده (۸۰٪)، ادعای مترجم مبنی بر وفادار بودن به اصل (۷۰٪)، خلاصه‌ای از داستان کتاب (۷۰٪)، نظر شخصی مترجم درباره درونمایه داستان و اهمیت آن (۵۰٪)، اعتراف مترجم مبنی بر حذف قسمتهایی از داستان (۵۰٪)، دلایل خاص مترجم برای انتخاب یک معادل (۴۰٪)، دشواری‌های زبانی و معنایی ترجمه (۳۰٪)، اظهار فروتنی مترجم (۳۰٪)، پانوش (اسامی خاص، نام اصلی کتابهای نام برده شده در مقدمه) (۲۰٪)، دلایل مترجم برای ترجمه کتاب (۲۰٪)، تقدیم ترجمه کتاب به کسی (۲۰٪)، تاریخچه کوتاهی از کشور محل زندگی نویسنده (۱۰٪) و تشکر از دوست یا استادی که مترجم را در ترجمه کتاب همراهی کرده است (۱۰٪).

البته تنها ۵۵/۵ درصد از این ترجمه‌ها دارای مقدمه مترجم بودند و ۱۶/۶ درصد از آنها مقدمه‌ای از نویسنده یا منتقدی غیرایرانی را داشتند و ۲۷/۷ درصد نیز فاقد هرگونه مقدمه‌ای بودند که همین نبود مقدمه مترجم که ملانظر (۲۰۰۱) هم به آن اشاره می کند و بیشتر ترجمه‌های پیش از انقلاب را فاقد آن می داند خود حاوی تلویحاتی است که به آنها خواهیم پرداخت.

حسن هاشمی میناباد (۱۳۷۹:۳۱۳) محتوای مقدمه مترجمان را به شرح زیر خلاصه می‌کند: زندگانی و شرح حال نویسنده، زندگانی هنری و ادبی او، تأثیر و تأثرهای او، آثار و ویژگیها و نقش و جایگاه آنها در خلاقیت ادبی نویسنده، ویژگیها و جایگاه اثر مورد ترجمه، اشاره به ترجمه‌های قبلی اثر (اگر وجود داشته باشد)، و مسائل و مشکلات ترجمه آثار نویسنده و یا متن مورد ترجمه.

معصومی همدانی (۱۳۷۳) حاشیه‌های مترجم را بیشتر از نوع «اطلاعی» می‌داند. زیرا «مترجم نه مأمور یافتن منابع مؤلف است و نه موظف به تکمیل و توضیح نظر او.» (ص ۱۳۶) او حاشیه‌های مترجم را (که بیشتر منظور پی‌نوشتها و پانوشهاست، اما در بسیاری موارد با اطلاعات مطرح شده در مقدمه‌های همخوانی دارد) به سه دسته تقسیم می‌کند: معادلهای اصطلاحات (که در این مورد در مقدمه‌های ترجمه‌های فارسی توضیحات گاه مبسوطی به خواننده داده می‌شود و در تحقیق فوق چهل درصد از مقدمه‌ها ترجمه حاوی اصطلاحاتی از این دست بودند)، ضبط اعلام بیگانه، و توضیحات. در واقع برای تعیین دقیق محتوای مقدمه‌ها و رسیدن به مواردی کلی که در اکثر مقدمه‌ها یافت می‌شوند و تشخیص ضروری بودن، زاید بودن و حتی گاه گمراه کننده بودنشان برای خواننده، باید به خود مقدمه رجوع کرد و تا این تحقیقات بر روی مقدمه‌های بسیاری از ترجمه‌ها در زبانها و فرهنگهای متفاوت صورت نگیرد نمی‌توان به نتیجه‌ای قابل قبول دست یافت. مشابه پژوهش فوق را باید برای کتابهای داستانی دیگری در برهه‌های زمانی دیگر و در زبانها و فرهنگهای متفاوت نیز انجام دهیم تا هم به چارچوبی کلی برای مقدمه‌ها برسیم و هم تلویحات تاریخی و ایدئولوژیکی گفتمانهای دوره‌های مختلف تاریخی را مشخص سازیم.

#### مقدمه: ابزاری برای تسهیل درک متن

این کارکرد مقدمه در راستای همان کمکی است که نیومارک برای نزدیک‌تر شدن خواننده به متن از مترجم خواسته است. مترجم برای تصریح، ساده‌سازی، و رفع ابهام متن اطلاعاتی اضافی به خواننده می‌دهد که می‌توانند آنرا در بدنه ترجمه، پانوش، مؤخره، یا مقدمه ارائه کند. توضیحات مترجم در مقدمه معمولاً کلی و مربوط به تمام داستان است و مگر در مواردی که مترجم به حذف، تغییر، و یا انتخاب معادلی خاص در متن اشاره می‌کند، موردی نمی‌شوند. هدف مترجم از گنجاندن این اطلاعات (زندگینامه نویسنده، آثار او، کسانی که از آنها تأثیر گرفته یا بر آنها تأثیر گذاشته، نقد آثارش و خلاصه‌ای از داستان) تسهیل ورود خواننده به یک فضای فرهنگی متفاوت و ناآشنا و بر طبق نظر نیومارک (۱۹۸۸) برای مقابله با همان فاصله فرهنگی است که ترجمه متنی وابسته به فرهنگ را برای مترجم دشوار کرده است. مترجم نه تنها درباره اختلافات فرهنگی توضیح می‌دهد (آقایی، ۷۴)، بلکه در برخی موارد سبکی را نشان می‌دهد که ممکن است در فرهنگ مبدأ پیشینه و تعریفی داشته باشد، لیکن برای خواننده زبان مقصد کاملاً تازه و دست نیافتنی است (نمونه چنین مقدمه‌ای مقدمه صالح حسینی بر خشم و هیاهوست که در آن برای ساده‌تر خواندن متن پیچیده و چند روایتی فاخر به خواننده سرنخ می‌دهد). فرامکینا (۲۰۰۶) نیز تصریح می‌کند که برخی منتقدین اروپایی مقدمه مترجمان آثار فرهنگی و سیاسی اوایل قرن بیستم اروپا و امریکا را در درک این متون دشوار بسیار راهگشا قلمداد کرده‌اند.

#### مقدمه: ابزاری برای تسهیل نشر متن

در هر جامعه‌ای نهادهای حاکم با استفاده از ابزار قدرت ایدئولوژی‌هایی را در مرکز و ایدئولوژی‌هایی را در حاشیه نگاه می‌دارند. در نتیجه تنها تفکراتی فرصت و امکان طرح می‌یابند که خود را با خوانش نهادینه این نهاد حاکم سازگار کنند. ناشر یا مترجم به عنوان عوامل معرفی تفکرات نو تنها هنگامی امکان عرضه این تفکرات را می‌یابد که آن را در قالبهای از پیش تعریف شده ایدئولوژی مسلط جای دهد و مقدمه مترجم بهترین جا برای آرایش و پیرایش تفکرات نو بر طبق پارامترهای حاکم است. ملا نظر (۲۰۰۱) نیز در مثالی که از مقدمه ترجمه پیش از انقلاب *دل تاریکی* (جوزف کنراد) توسط محمدعلی

سفریان می آورد به این هدف مقدمه در مطمئن ساختن سانسورچی ها در مورد آریستوکرات بودن کنراد و عناد او با روسیه و چین اشاره می کند.

### رویکرد ترجمه‌ای مترجم در مقدمه

ویلیامز و چسترمن (۲۵-۲۴: ۲۰۰۲) همان طور که بودو نبود مقدمه مترجم را نشانه ای برای شناخت بیشتر او می دانند، خود مقدمه را، در کنار عواملی دیگر، منبعی غنی از اطلاعاتی در مورد نگرش مترجمان به شغلشان، الگوی ذهنی آنها، همخوانی دیدگاهها با شرایط کاری و کیفیت ترجمه‌شان و کسانی که تحسین‌شان می کنند و تحت تاثیرشان هستند، معرفی می کنند. آنها (همان: ۹۱) همچنین مقدمه را در کنار جلد کتاب جزء پیرامتن‌ها (paratext) می دانند که برای جمع آوری داده‌های پژوهش‌های تاریخی می توان از آنها سود جست. ماندلی (۲۴: ۲۰۰۱) نیز به مترجمانی چون کاولی و درایدن اشاره می کند که به سیاق سایر مترجمان هم عصر خود رویکرد آزاد، تحت اللفظی یا اقتباسی خود را در مقدمه‌ها شرح می دادند. بسیاری از مترجمان، بدون اینکه برای خود نظریه ترجمه‌ای قائل باشند، با توضیحاتی در مورد سعی‌شان برای حفظ هر چه بیشتر سبک نویسنده، یا به عکس پابندی به ساختار و هنجار نگارشی و ذهنی زبان مقصد، نظریه ترجمه‌ای خود را در مقدمه‌ها فرمول بندی می کنند. گاهی نیز مقدمه مترجم و که نظریات او در باب زبان و مدل و رویکرد ترجمه‌اش را در برمی گیرد به بخشی جداگانه از کتاب تبدیل می شود (مقدمه منوچهر انور بر نمایشنامه *خانه عروسک ایبسن*).

### مقدمه مترجم از دیدگاه تحلیل انتقادی گفتمان

فرحزاد (۱۳۸۶) در نقد ترجمه از دیدگاه تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه را متن پسینی (metatext) می داند (در برابر متن پیشین (prototext) که می توان آن را در دو سطح خرد (دستور، واژگان، استعاره‌ها، اصطلاحات ایدئولوژیکی) و کلان تحلیل کرد و در نتیجه این تحلیل، به موضع متن و عواقب این موضع گیری در رابطه با مناسبات قدرت دست یافت. تحلیل متن در سطح کلان به دسته بندی‌های مترجم، نمودهای هویتی، عناصر قدرت، عقاید ایدئولوژیکی و نظرات و قضاوت‌های مترجم در مقدمه، مؤخره، پانوش و پی نوشت و تلویحاتی که به همراه دارند می پردازد. مقدمه فیتزجرالد بر ترجمه اشعار خیام و مؤخره نیکلسون بر ترجمه اشعار مولوی و تقسیم بندی‌های آنها، نگاه از بالای آنها به ادبیات شرق به طور کلی و ایران به طور خاص و بیان جرح و تعدیلهایی که در آثار آنها کرده اند، بیانگر نگاهی است که فرهنگ غربی را در صدر و مرکز و فرهنگ و ادب قسمتی از شرق را که هیچ گاه هم مستعمره‌شان نبوده، در حاشیه می بیند. نگاهی که فرهنگ در حاشیه را تنها هنگامی معرفی می کند که آن را به تمامی در دسته بندی‌های از پیش مقرر شده جای داده باشد.

در تحقیقی که بر روی مقدمه‌های ترجمه‌های داستانی مؤسسه فرانکلین صورت گرفت، زندگینامه نویسنده و فهرست آثار او در هشتاد درصد مقدمه‌ها آمده بود که علاوه بر اعتقاد به این اصل که خواننده همه چیز را باید بداند (معصومی همدانی، ۱۳۷۷) نشان دهنده باور آگاهانه یا ناآگاهانه ناشر و یا مترجم به رویکرد تاریخی-زندگینامه‌ای در نقد ادبی است. در این رویکرد که تی. اچ. تین، منتقد فرانسوی برای اولین بار آن را مطرح کرده، اثر ادبی به عنوان بازتابی از زندگی نویسنده و دوره تاریخی که در آن می زیسته و یا زندگینامه شخصیت‌های اثر ادبی دیده می شود (گوثرین و دیگران ۲۰۰۰).

دومین موردی که در هفتاد درصد این مقدمه‌ها دیده می شد، خلاصه‌ای از داستان کتاب بود. این مسأله را نیز می توان از چند جنبه تحلیل کرد. اول اینکه آشنایی با فرهنگی کاملاً بیگانه به آن اندازه دشواری داشت که خواننده ناآشنا را از صرافت فهم داستان بیندازد، به خصوص داستانهای پیچیده‌ای از نویسندگانی چون فاکتر یا وولف که از تکنیک جریان سیال ذهن استفاده کرده بودند. در نتیجه مترجم از همان ابتدا خلاصه‌ای از داستان را در اختیار خواننده می گذاشت. دوم اینکه در این خلاصه داستانها، مترجم می توانست به توصیه ناشر و یا به صلاحدید خود، برای رهایی از قید سانسوری که پیش از این

نیز آمد، داستانی ساده و بی خطر را تعریف کند و همه تلویحات سیاسی و ایدئولوژیکی آن را کنار بگذارد. مثلاً در پنجاه درصد این مقدمه‌ها مترجم عنوان کرده بود که قسمتهایی از داستان را به دلایل مختلف فرهنگی، اخلاقی یا صرفاً عدم اهمیت آن قسمت (دلیلی که پرویز داریوش برای حذف قسمتهایی از زندگی بر روی می‌سی‌سی‌پی اثر مارک تواین عنوان می‌کند) حذف کرده است در تمامی این موارد (حتی در همین مورد اخیر که مترجم کاملاً سلیقه‌ای عمل کرده) قسمت حذف شده را بی‌اهمیت و بدون تأثیر در کلیت داستان دانسته بودند. این نوع برخورد مترجم خود نشان از مناسبات قدرتی جدای از مناسبات بین حکومت و مردم دارد. مناسباتی که در آن مترجم (به عنوان تنها مجرای ارتباط با غرب در جامعه‌ای که بیشتر وارد کننده فرهنگ است تا صادر کننده) اعتباری هم سنگ نویسندگان می‌یابد و با نخبه خواندن خود و عوام دانستن مخاطبان، در جایگاه تصمیم گیرنده برای آنها قرار می‌گیرد.

### تغییر محتوای مقدمه

چارچوب مقدمه و موارد قابل ذکر در آن هیچ‌گاه مشخص و ثابت نبوده است، اما با مقایسه مقدمه‌هایی که در دهه‌های سی، چهل، و پنجاه بر ترجمه‌ها نگاشته می‌شده و مقدمه‌های کنونی، این نتیجه به دست می‌آید که با گذشت سریع زمان، پیشرفت فناوری، و تغییر نیاز مخاطب بسیاری از مطالبی که تا چند سال قبل گنجانده‌شان در مقدمه مترجم ضروری به نظر می‌رسید، موضوعیت خود را از دست داده‌اند (قرایی، ۲۰۰۸). در مقدمه‌های امروزی تاریخ کشور نویسنده، زندگینامه او فهرست بلند بالایی از آثارش کمتر دیده می‌شود، زیرا خواننده‌ای که سطح دانش و معلوماتش بالاتر رفته و اغلب با شناختی قبلی کتاب را برمی‌گزیند، در صورت عدم شناخت هم می‌تواند با یک جستجوی اینترنتی ساده به اطلاعاتی به مراتب کامل‌تر از اطلاعات مقدمه مترجم دست یابد. در نتیجه، مترجمان در انتخاب محتوای مقدمه‌شان گزیده‌تر عمل می‌کنند و گاه اقدام به یک تحقیق کتابخانه‌ای کامل می‌کنند که حتی خواننده آگاه با امکانات پیشرفته امروزی نیز بی‌نیاز از مراجعه به آن نیست.

### منابع:

- Framkina, R. (2006). «Walter Lipmann: Free Collectivism.» *Social Reality* (4). Retrieved november 5<sup>th</sup> 2007,  
 Gharaei, S. (2008). Features of the Translators' prefaces to Fiction Translations of Franklin Publications. [forthcoming]  
 Guerin, W. L., Labor, E. G., Morgan, L., & Willingham, J. R. (2000). *A Handbook of Critical Approach to Literature*. New York: Harper & Row.  
 Mollanazar, H. (2001). *Naturalness in Translation of Novels from English to Persian*. (unpublished doctoral dissertation), University of Warwick, Center for British and comparative cultural studies.  
 Munday, J. (2001). *Introducing Translation Studies: theories and applications*. London and New York: Routledge.  
 Newmark, p. (1988). *A Textbook of Translation*. New York and London: Prentice-Hall.  
 Williams, J. & Chesterman, A. (2002). *Map: A Beginner's Guide to Doing Research in Translation Studies*. Manchester: St. Jerome Publishing.

آقای، م. (۱۳۷۵). ماهیت و شیوه ارائه پانوشت در ترجمه. مترجم، ۵ (۲۰).

فرح‌زاد، ف. (۱۳۸۶). نقد ترجمه. بخارا.

معصومی همدانی، ح. (۱۳۷۳). در حاشیه. ن. پورجوادی (تدوین)، *درباره ویرایش* (ص. ۱۴۵-۱۲۳). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ایسن هنریک

هاشمی میناباد، حسن (۱۳۷۹). «معیارهای نقد و بررسی ترجمه آثار داستانی»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در*

*ایران*، به اهتمام علی خزاعی فر. مشهد: نشر بنفشه. صص ۳۰۴-۲۲.

# تاریخچه ترجمه آثار شکسپیر در ادبیات فارسی

## (از آغاز تا سال ۱۳۸۱)

دکتر ناصر ملکی - استادیار دانشگاه رازی

مریم نویدی - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

### چکیده

ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶) شاعر و نویسنده‌ای است که آوازه‌اش دیرتر به گوش ایرانیان رسید. نخستین کسی که او را به جامعه ادبی ایران معرفی کرد، لطفعلی صورتگر بود. بعد از او مترجمان بسیاری نمایشنامه‌های او را دوباره و چندباره ترجمه و چاپ کردند، اما تنها در دوران اخیر بود که ترجمه اشعارش نیز انجام شد. در این مقاله ترجمه آثار شکسپیر به پنج مرحله تقسیم شده است: نخستین ترجمه‌های آثار شکسپیر، ترجمه آثار شکسپیر در دهه ۳۰، ترجمه آثار شکسپیر در دهه ۴۰، ترجمه آثار شکسپیر در دهه ۵۰، ترجمه آثار شکسپیر پس از انقلاب اسلامی.

### مقدمه

نثر فارسی در ایران طی یک قرن اخیر، تحول و دگرگونیهای بسیاری را شاهد بوده است که مترجمان زیادی را به کار ترجمه آثار نویسندگان و شاعران خارجی واداشته است. کمتر کسی است که از میان این نویسندگان و شاعران با نام ویلیام شکسپیر آشنایی نداشته باشد. شکسپیر در سال ۱۵۶۴ در شهر استراتفورد به دنیا آمد و سال ۱۶۱۶ وفات یافت. آثارش در زمان حیاتش شهرت بسیاری را برای او کسب کرد و در میان هم عصرانش چهره درخشانی بود، اما در ایران به سبب نگرشی که مردم نسبت به کار ترجمه آثار غربی داشتند، مدت زیادی طول کشید تا آثار شکسپیر به مردم شناسانده شود. در دوره‌های اولیه (۱۲۵۰ تا ۱۳۰۰) هرچند که مترجمان شهیری چون محمد قزوینی و سید حسن تقی‌زاده مدت زیادی را در کشورهای خارجی و از جمله دانشگاه‌های پاریس به کسب علم و دانش گذراندند، ولی گویا اولین کسی که آثار شکسپیر را به ایرانیان معرفی و ترجمه کرد، لطفعلی صورتگر بود. پایه ترجمه در این دوره بر سادگی و بی‌پیرایگی گذاشته شده بود. پیشرو نخستین این سبک را می‌توان مرحوم محمد قزوینی دانست که به وجود چنین عارضه‌ای در نثر جدید فارسی پی برده بود. نویسندگان این گونه نثر حتی بدون آن که با زبانی غیر از زبان فارسی آشنا باشند، چنان می‌نویسند که گویی نوشته آنان ترجمه‌ای ناهموار از یک زبان فرنگی است (دهقانی، ۱۳۸۰، ۸۱) در صدر فهرست آثار مترجمان کتابهای تاریخی، فلسفی و اجتماعی و تربیتی و علمی جای دارند و تنها در پایان فهرست است که مترجمان از برخی آثار صرفاً ادبی فرنگ یاد می‌کنند. آنان می‌خواستند که ایرانیان از طریق زبان فارسی با این آثار آشنا شوند و هیچ‌گاه ایرانیان را به آموختن زبانهای فرنگی ترغیب نکردند و بر عزت نفس ملی و سنن ملی تأکید داشتند (دهقانی، ۱۳۸۰، ۱۰۲) چنین بود که در این دوران بر آثار شکسپیر که جزء آثار ادبی بود اجحاف بسیاری روا داشته شد و سادگی و بی‌پیرایگی این مترجمان با بیان پر ابهام و ژرف شکسپیر سازگاری نداشت.

### ۱. نخستین ترجمه‌های آثار شکسپیر

علی‌رغم وجود مترجمان بزرگی چون تقی زاده و قزوینی که دستاوردی عظیم در کار ترجمه داشتند، این طور که به نظر می‌رسد اولین کسی که در ایران این شاعر و نویسنده را به جامعه ادبی معرفی کرد لطفعلی صورتگر بودا که نمایشنامه «ونوس و آدونیس» را قبل از سال ۱۳۰۴ از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد و در نشریه سپیده‌دم چاپ شیراز به چاپ رسانید. وی فرزند آقا خان شیرازی از ادیبان مشهور و توانا و شاعران کلاسیک ایران بود. دکتر صورتگر استاد زبان ادبیات

فارسی و انگلیسی و پیش از بازنشستگی رئیس گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران بود. صورتگر اگرچه اهل فارس بود، اما تمایل فراوانی به شعر سبک خراسانی داشت و آثارش از بهترین نمونه‌های شعر معاصر است. تاریخ ادبیات/انگلیس و سخن سنجی از تألیف‌های مهم اوست. (نژند، ۱۳۶۳، ۳۶۱) بعد از او میرزا محمدخان بهادر جولیوس قیصر و شرح شکسپیر را در سال ۱۳۰۴ از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد و در انتشارات بصره به چاپ رسانید. (شهریاری، ۱۳۵۶، ۱۷۸).

سه سال بعد از او سلطان حمید امیر سلیمانی نمایشنامه‌های شکسپیر، با عنوان شاهکارهای شکسپیر، هملت، رومئو و ژولیت و مکبث را در سال ۱۳۰۷ از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد و در انتشارات خاور در تهران به چاپ رسانید. (شهریاری، ۱۳۵۶، ۱۷۸). از برجستگان سال‌های پیش از ۱۳۱۱ می‌توان به احمد کسروی اشاره کرد. او که صرفاً سرگرم پژوهش‌های تاریخی و زبانشناسی بود و به مسایل سیاسی و اجتماعی نمی‌پرداخت، ادبیات را به دیدهٔ بدبینی نمی‌نگریست و در نقد و معرفی ترجمه‌ای از ژولیوس سزار شکسپیر، شاعران و نویسندگان بزرگ را از جمله نوابغ می‌شمرد و از میان همه آثار شکسپیر برای روایت‌های تاریخی او مقام خاصی قائل بود. (دهقانی، ۱۳۸۰، ۱۷۶) شش سال پس از او عزیز الله سامان نمایشنامهٔ رومئو و ژولیت یا لیلی و مجنون غرب را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد و آن را در تهران در انتشارات مروج به چاپ رسانید (شهریاری، ۱۳۵۶، ۱۷۸). دوسال بعد از او عبدالحسین نوشین نمایشنامهٔ اتللو را در سال ۱۳۱۹ در چاپخانهٔ سپهر به چاپ رسانید. بتدریج ترجمه آثار ادبی رونق گرفت. در همان سال مسعود فرزاد نمایشنامهٔ هملت را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد و در مجلهٔ موسیقی به چاپ رسانید. او که اکنون به تبحری در کار ترجمه دست یافته بود یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۲۰ نمایشنامهٔ رؤیا در نیمه شب تابستان را ترجمه کرد و در بنگاه ترجمه و نشر کتاب به چاپ رسانید و ترجمه، مسیر تازه‌ای را آغاز کرد، به طوری که علی اصغر حکمت در سال ۱۳۲۲ پنج حکایت از شکسپیر و در سال ۱۳۲۶ پنج درام از شکسپیر را در تهران به چاپ رسانید. سه سال بعد از او یعنی در سال ۱۳۲۹ عبدالحسین نوشین که قبلاً اتللو را ترجمه کرده بود هیاهوی بسیار برای هیچ را ترجمه کرد. (شهریاری، ۱۳۵۶، ۱۷۹).

## ۲. ترجمه آثار شکسپیر در دههٔ ۳۰

در این دوره ترجمه آثار شکسپیر رونق بسیاری پیدا کرد و بعضی از مترجمان به تجدید ترجمه پرداختند از این اشخاص می‌توان به نوذر اشاره کرد که در سال ۱۳۳۰ پنج حکایت شکسپیر را که قبلاً توسط علی اصغر حکمت ترجمه شده بود ویرایش و دوباره ترجمه کرد. البته ترجمهٔ علی اصغر حکمت مجدداً در سال ۱۳۳۳ در تهران به چاپ رسید. یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۳۴ فرنگیس شادمان (نمازی) تراژدی قیصر (نمایشنامه در پنج پرده) را در بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران به چاپ رسانید (شهریاری، ۱۳۵۶، ۱۷۹). بعد از او عبدالکریم احمدی نمایشنامهٔ مکبث را در سال ۱۳۳۶ در نشر اندیشهٔ تهران به چاپ رسانید (شهریاری، ۱۳۵۶، ۱۷۷). او در ترجمهٔ این اثر با مشکلات بسیاری روبرو شد، چون شکسپیر در مکبث بیش از تمام آثارش به استعاره سخن گفته بود و یافتن معادل‌هایی برای تعبیرها و ترکیبها و کلمات بدیع و خیره کنندهٔ شکسپیر که آفرینش هنرمندانهٔ شاعر را تباه نکند کار دشواری بود، بنابراین، احمدی از گنجینهٔ ادبیات کلاسیک ایران بهره گرفت تا استعارات مستور گفته‌های شکسپیر در کلماتش زنده بماند (مترلینگ، ۱۳۸۰، ۸). یک سال بعد از او محمود اعتماد زاده (به آذین) اتللو را در سال ۱۳۳۷ ترجمه کرد و در نشر اندیشه تهران به چاپ رسانید (شهریاری، ۱۳۵۶، ۱۷۸). او نیز در کار ترجمهٔ این اثر با ایهامات بیان شکسپیر روبرو شد. ایهاماتی که انتقال آن را به ترجمهٔ اثر متعذر می‌نمود. (به آذین، ۱۳۸۱، ۱۱) در همان سال بود که فریده قراچه داغی هفت داستان رویای نیمه شب تابستان، استباهات مضحک، جنجال زیاد برای هیچ، دلدادگان، تاجر ونیزی و شب دوازدهم را در بنگاه ترجمه و نشر تهران به چاپ رسانید (شهریاری، ۱۳۵۶، ۱۷۷). آنچه مشهود شد عدم نگرانی مترجمان به ترجمهٔ مجدد آثار می‌باشد. این روند استقبال مردم از ترجمه آثار خارجی بخصوص شکسپیر را نشان می‌دهد. بنابراین، مکبث از عبدالرحیم احمدی در سال ۱۳۳۷ دوباره به چاپ رسید.



## ۳. ترجمه آثار شکسپیر در دهه ۴۰

در این دوره ترجمه آثار شکسپیر به رونق بسیاری دست یافت و مترجمان بسیاری به ترجمه دوباره و سه‌باره آثار شکسپیر پرداختند، به عنوان نمونه جواد پیمان، لیرشاه را در سال ۱۳۴۰ ترجمه کرد و در بنگاه ترجمه و نشر کتاب، به چاپ رسانید. در همان سال فرنگیس شادمان تراژدی مکبث را ترجمه کرد و در انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رسانید. او در حین ترجمه این اثر فرق انگلیسی امروز و انگلیسی آن ایام را دریافت و اینکه زبان چیزی نیست، مگر وسیله‌ای برای بیان فکر و در هر دوره تحول که افکار جدید به وجود می‌آید برای بیان کامل آنها خواه به نظم و خواه به نثر ناچار باید به مهم‌ترین و مناسبترین لفظ یا عبارت لازم توسل جست. تألیفات مهجور و متروک آثار شکسپیر گویای بلاغت و شیوایی بیان او هستند. (شادمان، ۱۳۵۱، ۲۳) در سال ۱۳۴۲ *نمایشنامه هملت* در پنج پرده ترجمه مسعود فرزاد مجدداً به چاپ رسید بقیه آثار ترجمه شده از شکسپیر عبارتند از:

- تراژدی ریچارد سوم، رضا براهنی ۱۳۴۳، تهران، امیرکبیر.
- رومئو و ژولیت، جواد پیمان، ۱۳۴۴.
- *اتللو*، داریوش شاهین، ۱۳۴۴، تهران، مهرگان، چاپ اول بارانی.
- نمایشنامه غم انگیز *آنتونی و کلئوپاترا*، علاء الدین بازارگادی، ۱۳۴۴، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- *هملت*، داریوش شاهین، ۱۳۴۴، تهران، فخر رازی.
- *هملت*، محمود اعتماد زاده (به آذین)، ۱۳۴۴، تهران، نشر اندیشه.
- *داستان غم انگیز اتلوی مغربی در ونдіک*، ابوالقاسم ناصرالملک (قراگوزلو)، ۱۳۴۷، تهران، زمان، زیر نظر حسینعلی قراگوزلو.
- *کور یولانوس*، علاء الدین بازارگادی، ۱۳۴۷، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- *لیرشاه*، جواد پیمان، ۱۳۴۷، چاپ مجدد تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- *هملت*، مسعود فرزاد، ۱۳۴۸، چاپ مجدد تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- *اتللو*، محمود اعتماد زاده (به آذین)، ۱۳۴۹، چاپ مجدد تهران، نشر اندیشه.
- *تاجر ونیزی*، علاء الدین بازارگادی، ۱۳۵۰، تهران، بنگاه ترجمه و نشر.

## ۴. ترجمه آثار شکسپیر در دهه ۵۰

در این دوران کتابهایی که قبلاً ترجمه و چاپ شده بود تجدید ترجمه و چاپ شد. کتابهایی که در این دوران برای اولین بار ترجمه شدند عبارتند از:

- طوفان، ابراهیم یونسی، تهران، نشر اندیشه ۱۳۵۱.
- رومئو و ژولیت، علاء الدین بازارگادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱.
- تیمون آتن، رضی معظمی، تهران، آسیا، ۱۳۵۱.
- شب دوازدهم، افضل وثوقی، تهران، رادیو تلویزیون ملی ایران، ۱۳۵۴.
- *نمایشنامه خنده آور شب دوازدهم*، علاء الدین بازارگادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر، ۱۳۵۴.
- رومئو و ژولیت، هدایت کاظمی، تهران، هنر، ۱۳۵۶.
- *تلاش بیهوده عشق*، علاء الدین بازارگادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.
- *افسانه لیر*، یوسف اعتصام الملک، دکتر مهدی حمیدی، تهران، ۱۳۵۷، امیرکبیر.
- *ای محبوبه من!* یوسف اعتصام الملک، ۱۳۵۷.
- *اتللو*، لطفعلی صورتگر، ۱۳۵۷.
- *آنطور که بخواهی*، حسن شهباز، ۱۳۵۷.

## ۵. ترجمه آثار شکسپیر پس از انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب کار مترجمان مدتی دچار رکود شد ولی دوباره تجدید چاپ آثار مترجمان قبلی آغاز گردید وعده‌ای نیز شروع به گردآوری مجموعه آثار و نمایشنامه‌های شکسپیر کردند که از آنها می‌توان علاءالدین بازارگادی را نام برد. وی این مجموعه را در سال ۱۳۷۵ به چاپ رسانید. او نیز که با بیان ابهام آمیز شکسپیر در کمدها و قسمت‌های مضحک با مشکل روبرو شده بود گفت: «شکسپیر در بسیاری از موارد از سبک بازی با کلمات و استفاده از واژه‌های دوپهلوی و چند پهلوی پیروی می‌کند و چون در دو زبان مختلف تساوی کاملی از لحاظ مفهوم و دو پهلوی بودن کلمات جز به صورت تصادفی و استثنایی وجود ندارد، مترجم این نوع نمایشنامه‌ها ناچار است واژه‌ای را برگزیند که تنها یک مفهوم را می‌رساند و مفهوم یا مفاهیم دیگر را در پاورقی آن صفحه توضیح دهد و علت تغییر جهت گفتگوها را به این صورت بیان کند» (بازارگادی، ۱۳۷۵، ۱۳) و این عین امانت داری در ترجمه است.

حال به ذکر آثاری که در این دوران ترجمه شده‌اند می‌پردازیم:

- جولیوس سزار، خسرو همایون پور، ۱۳۶۸.

- مکبث، داریوش آشوری، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۱.

- مجموعه آثار نمایشی ویلیام شکسپیر، دکتر علاء الدین بازارگادی، سروش، ۱۳۷۵.

- هیاهوی بسیار برای هیچ، فریده مهدوی دامغانی، ۷۶-۷۷ مؤسسه نشر تیر.

- رام کردن زن سرکش، فریده مهدوی دامغانی، ۷۶-۷۷ مؤسسه نشر تیر.

- رنج بیهوده عشق، فریده مهدوی دامغانی، ۷۶-۷۷ مؤسسه نشر تیر.

- نیک آن باشد که انجامش نکوست، فریده مهدوی دامغانی، ۷۶-۷۷ مؤسسه نشر تیر.

- هر طول میل شماس، فریده مهدوی دامغانی، ۷۶-۷۷ مؤسسه نشر تیر.

- دو نجیب زاده ورونا، فریده مهدوی دامغانی، ۷۶-۷۷ مؤسسه نشر تیر.

- غزلهای شکسپیر، بهنام مقدم (م.رها) شرح اشعار محمود همایون وش، چاپ آرین، ۱۳۷۹.

- مکبث موریس مترلیگ، دکتر عبدالرحیم احمدی، نشر پژوهش دادار، ۱۳۸۰.

با وجود ترجمه چند باره نمایشنامه‌های شکسپیر کمتر کسی دست به ترجمه اشعار شکسپیر زده بود. تنها در این دوره است که مترجمان به اشعار شکسپیر هم نگاهی داشته‌اند، چون غزلواره‌های شکسپیر با زبان پر ابهام و گاه طنزآمیز احساسات و اندیشه‌های ژرف را درباره پدیده‌های ملموس این جهانی بیان می‌کند. پدیده‌هایی چون فنا و میرایی، گذشت بی امان زمان، فریبه‌ها و پیچیدگی‌های عشق. بنابراین زبان غزلواره صریح و مشخص است و معانی را با آفریدن تصاویر منتقل می‌کند و اگر هم ابهامی در کار باشد به دلیل کاربرد کنایه و ابهام است نه به خاطر تعابیر سمبولیک و استعاره‌های پیچیده. (سعیدپور، ۱۳۷۸، ۲۲).

## نتیجه:

نگرش و تعصبی که ایرانیان به فرهنگ و تربیت و سنن ملی داشتند باعث وقفه‌ای در ترجمه ادبی آثار ادبی شد و این نقیصه فقدان را در معرفی اولین مترجم آثار شکسپیر به وجود آورد. سیر ترجمه آثار شکسپیر مترجمان بی‌نام و نشانی را در دوران مختلف معرفی کرد که آثارشان تنها در یک دوره چاپ شدند. همین‌طور کسانی را می‌بینیم که آثارشان در زمان ما هم به چاپ می‌رسند. بیشتر از همه اتللو (با ۷ ترجمه و ۱۰ بار چاپ)، مکبث (با ۵ ترجمه و ۸ بار چاپ)، هملت (با ۳ ترجمه و ۶ بار چاپ) در بین خوانندگان فارسی زبان مخاطبان بسیاری پیدا کرده است. از برخی نمایشنامه‌ها نظیر ونوس و آدونیس، آنتونی و کلوپاترا و کوریولانوس، تیون آتن تنها یک ترجمه انجام گرفته است و از ترجمه اشعار شکسپیر جز در دهه اخیر چیزی دیده نشد. بعضی از شاعران چون ایرج میرزا جلال الملک، یکی از شاعران قبل از سال ۱۳۰۴ براساس درونمایه ونوس و آدونیس شکسپیر، منظومه زهره و منوچهر را سرود که ترجمه‌ای آزاد با روح ایرانی بود. در این منظومه اوج زیبایی اسلوب شعر ایرج در روانی و سادگی او جلوه‌گرست (یوسفی، پاییز ۱۳۶۹، ۳۶۲).

در این حیطة ترجمه، آثاری نیز پیدا شد که بدون سال چاپ بودند.

- دو جوان در شهر ورونا، ابوالفتح اوژن بختیاری، تهران.
- قصه زمستانی، ابوالفتح اوژن بختیاری، تهران.
- کمدهی / شتابهات، عباس آریان پور کاشانی، تهران.
- همان که دلت می‌خواهد، ابوالفتح اوژن بختیاری، تهران.
- ونوس و آدونیس، لطفعلی صورتگر، نشریه سپیده دم چاپ شیراز.
- رومئو و ژولیت، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن.
- کلوخ انداز را یاداش سنگ است، لطفعلی صورتگر.

### منابع و مآخذ

- پازارگادی، علاءالدین (۱۳۸۰). مجموعه آثار نمایشی شکسپیر، تهران، سروش انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- سعیدپور، سعید (۱۳۸۰). از شکسپیر تا البوت، تهران، نشر آتیه.
- شکسپیر، ویلیام (۱۳۶۷). تراژدی مکبث، ترجمه فرنگیس شادمانی (نمازی)، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- (۱۳۷۹). هملت، ترجمه م. ا. به آذین، تهران، نشر آتیه.
- (۱۳۸۰). مکبث، ترجمه داریوش آشوری، تهران، انتشارات آگاه.
- (۱۳۸۱). اتللو، ترجمه م. ا. به آذین، تهران، نشر آتیه.
- شهریاری، خسرو (۱۳۵۶). کتاب نمایش: فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات و سبکها و جریانهای نمایش، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- حمیدی، مهدی (۱۳۵۶). دریای گوهر، تهران، امیرکبیر.
- دهقانی، محمود (۱۳۸۰). پیشگامان نقد ادبی در ایران، تهران، انتشارات سخن.
- مترلینگ، موریس (۱۳۸۰). مکبث، ترجمه عبدالرحیم احمدی، تهران، نشریه پژوهش دادار.
- نژند، محمد (۱۳۶۳). جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، تهران، انتشارات بنیاد.
- هریسن، ج. بی (۱۳۶۷). آشنایی با شکسپیر، ترجمه منوچهر امیری، تهران، سروش انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۹). چشمه روشن، تهران، انتشارات پاییز.

### ذیلی بر مقاله تاریخچه ترجمه آثار شکسپیر

حسن هاشمی میناباد

در مقاله «تاریخچه ترجمه آثار شکسپیر در ادبیات فارسی» موارد مهمی از ترجمه آثار این شاعر نامدار انگلیسی ذکر شده است، ولی نوشتار مذکور اشکالات مهمی را در بردارد. آغاز ترجمه آثار شکسپیر، بر خلاف اعتقاد ناصر ملکی و مریم نویدی، به دوران قاجار و بسیار پیشتر از لطفعلی صورتگر می‌رسد. دردوران قاجار اتللو را ابوالقاسم خان قره‌گوزلو همدانی (ناصرالملک) ترجمه کرد. در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی پنج سال پس از مرگ ناصرالملک، پاپازیان، هنرپیشه روسی، این نمایشنامه را در تهران به روی صحنه برد. جالب این است که پاپازیان که فارسی نمی‌دانست و نقش اتللو را به عهده داشت نقش خود را به زبان فرانسوی اجرا کرد و بقیه بازیگران به فارسی. ناصرالملک بازرگان ونیزی را نیز ترجمه کرده است. نشر اسپادا اتللو را در ۱۳۷۰ چاپ کرده است.

داستان عم/انگیز/تلولوی مغربی که در این مقاله جزو آثار مترجم دهه ۴۰ قلمداد شده از همین مترجم و متعلق به دوره قاجار است. این اثر نخستین بار در ۱۹۶۱ در پاریس چاپ شده است. دو اثر شکسپیر به ترجمه یوسف اعتصام‌الملک که جزو آثار مترجم دهه ۵۰ آمده یعنی *افسانه لیر* و *ای محبوبه من* باز هم در دوره قبل از لطفعلی صورتگر ترجمه شده است.

حسینقلی میرزا عمادالسلطنه در دوره قاجار به تربیت آوردن دختر تند خوی را ترجمه کرده که در جمادی الاولی سنه ۱۳۱۸ هجری قمری چاپ شده است. حسینقلی میرزا سالور ملقب به عمادالسلطنه فرزند ارشد شاهزاده عبدالصمد میرزاعزالدوله فرزند محمدشاه قاجار در ۱۲۴۷ شمسی در تهران به دنیا آمد و در ۱۳۱۱ درگذشت. او در اعتراض به ریاست میلسیبو بر مالیه ایران گفت: «این کلاه لگنی‌ها ایران را به باد خواهند داد.» و در نتیجه، مجبور به استعفا از مشاغل دولتی شد. «مجلس تماشاخانه» به تربیت آوردن دختر تندخوی» در سال ۱۳۶۳ به کوشش دکتر محمد علی صوتی در نشر قطره باز چاپ شده است. نسخه خطی این اثر در کتابخانه ملی محفوظ است.

ایرانیان دوره قاجار با شکسپیر آشنا بوده‌اند. به گفته شیرین بزرگمهر (۱۳۷۹:۷۷) مقالات متعددی درباره این نمایشنامه‌نویس انگلیسی در نشریات مختلف این دوره به چاپ رسیده بوده، از جمله بهار (شماره ۴، سال اول، ۱۳۲۸ هجری قمری)، روزنامه رعد (۱۲۸۷ هجری شمسی) و *مجله ادبی* (شماره ۱، سال ۱، ۱۳۳۶ هجری قمری).

منبع موثق در این مورد، که قطعاً اطلاعاتی بسیار بیشتر از حافظه قاصر من دارد، اثر زیر است:

جمشید ملک پور، *ادبیات نمایشی در ایران*، ج ۲. تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۳.

محمدعلی اسلامی ندوشن ترجمه مستقلی از *رومئو و جولیت* ندارد، بلکه بخشهایی از آن را ترجمه کرده که آخرین بار در کتاب *نوشته‌های بی‌سرنوشت* او آمده است.

ترجمه تقی تفضلی از *غزلهای شکسپیر* با عنوان *غزلهای عاشقانه شکسپیر* (تهران: نشر ویدا، چاپ سوم، ۱۳۸۱) در سال ۱۳۷۷ کتاب برگزیده سال شناخته شد (که البته ترجمه خوبی در خور نام این بزرگمرد ادبیات جهان نیست!).

نویسندگان مقاله از منابع اصلی و دست اول استفاده نکرده‌اند. در پژوهشی این چنین منابع زیر را باید حتماً

بررسی کرد:

— *از صبا تا نیما*، یحیی آرین پور،

— *تاریخ ادبیات ایران*، ج ۴، ادوارد براون،

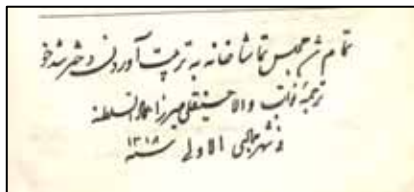
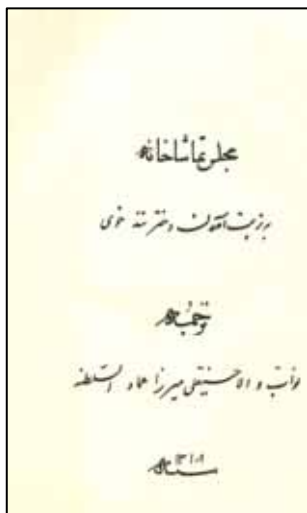
— *بنیاد نمایش در ایران*، ابوالقاسم جنتی عطایی،

— *تاریخ نمایش در ایران*، بهرام بیضایی

بگذریم از پژوهشی در *تاریخ تئاتر ایران*، مصطفی اسکویی که در ۱۳۷۰ در مسکو چاپ شده و ممکن است برای همگان قابل دسترسی نباشد.

تاریخ ترجمه نمایشنامه از تاریخ تئاتر جدا نیست. *تاجر ونیزی* در ۱۳۰۸ در دارالفنون به روی صحنه رفته است. *تاج افتخار* (افسانه زمستان) در ۱۳۱۱ در تالار نکویی، و *تلولو* در ۱۳۱۶ به کارگردانی قسطنیان. *پنج حکایت از ویلیام شکسپیر* به ترجمه علی اصغر حکمت در ۱۳۲۲ در دو جلد زیبا به چاپ رسیده که خلاصه

نمایشنامه‌های این نویسنده است. (این اثر را می‌توانید در کتابخانه فرهنگستان زبان و ادب پیدا کنید.) حداقل از دو اثر برگردان علی اصغر حکمت می‌توان دریافت که برخی از آثار مترجم شکسپیر متن اصلی آنها نبوده، بلکه تلخیص یا ساده نوشته آنها بوده‌اند.



نکته‌ای جالب در مورد ضبط فارسی نام این نویسنده: نام دقیق او شکسپیر است. که در فارسی مصوت /ei/ در آغاز نام او به کسره تبدیل شده.

#### منبع:

بزرگمهر، شیرین (۱۳۷۹) *تأثیر ترجمه متون نمایشی بر تئاتر ایران*. تهران: مؤسسه فرهنگی-انتشاراتی تبیان.

## خطاهای مترجم



آزاده علائینی\*

دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی -

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس\*\*

### پیشگفتار

خطا در اصطلاح عام، به اشتباهی اطلاق می‌گردد که فرد سهواً و ناخودآگاه در گفتار یا کردار خویش مرتکب می‌شود. در زندگی روزمره، افراد در موقعیتهای مختلف به دلایل گوناگون دچار خطا و اشتباه می‌گردند. از این رو، واژه خطا طیف گسترده‌ای از اشخاص و شرایط را در برمی‌گیرد و در نتیجه، میزان اهمیت و تأثیرگذاری آن با توجه به شخص و موقعیت زمانی و مکانی معین می‌گردد. بنابراین، خطای گفتاری یک فرد عادی که در حین گفتگو با دیگری اتفاق می‌افتد، اهمیت چندانی ندارد و گاه با پوزش و تصحیح کلام نابجا از سوی متکلم قابل جبران خواهد بود. اما خطایی که از یک سخنران در جریان سخنرانی رسمی و یا یک استاد دانشگاه در جمع دانشجویان سر می‌زند، هرچند ناخودآگاه و تحت تأثیر محیط به وقوع می‌پیوندد، با توجه به موقعیت خاص گوینده و شنونده ممکن است اثرات ناخوشایندی بر جا بگذارد.

در مقایسه با خطاهای گفتاری، اشتباهاتی که در عملکرد افراد رخ می‌دهند از اهمیت بیشتری برخوردارند. چرا که همواره عمل تأثیر بیشتری بر بیننده دارد و هرچند می‌توان این دسته از خطاها را جبران کرد، اما از آنجا که اعمال از طریق چشم و حواس دیداری دریافت می‌شوند، به سرعت ذهن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حتی با تصحیح اشتباه نیز باز این امکان وجود دارد که آثار عملکرد نخست بر ذهن بیننده بر جای مانده باشد. در چنین موقعیتهاست که خطا و اشتباه جبران‌ناپذیر خواهد بود. از آن جمله می‌توان خطاهای عملی استاد کار در جریان آموزش نصب یک قطعه در کارگاه به کارآموزان را نام برد که ممکن است نتایج ناگواری به دنبال داشته باشد.

در زمینه نوشتار نیز از آنجا که ارتباط میان نویسنده و خواننده جریانی یک طرفه است، امکان جبران خطا اغلب به صفر می‌رسد. چرا که ممکن است حتی نگارنده یک مطلب نیز متوجه اشتباه خود نشده باشد. در این صورت است که تنها ذهن بیدار و چشمان تیزبین خواننده آن را درمی‌یابد و گاه آن را تصحیح می‌کند. از این رو و با توجه به اینکه چنین خوانندگانی تنها درصد کمی از مخاطبان نویسنده را شامل می‌شوند و اغلب افراد بدون توجه به صحت محتوا حتی به حفظ مطالب کتب درسی اقدام می‌نمایند، لازم است در تصحیح کتابها و مقالات پیش از انتشار دقت بیشتری شود و از درستی مندرجات آنها اطمینان کامل حاصل گردد. از جمله مواردی که به کرات با آنها برخورد می‌نماییم، اشتباهات واضح موجود در کتابهای درسی مقاطع مختلف از ابتدایی گرفته تا دانشگاه می‌باشد که صرف نظر از اشکالات چاپی، گاه اشتباهات نگارشی یا لغوی نیز در آنها مشهود است. بنابراین هرچه میزان اهمیت موضوع و تأثیرگذاری آن بر مخاطبان بیشتر باشد، لطمت وارد در روند انتقال مطالب نیز جبران‌ناپذیرتر و به مراتب عمیق‌تر خواهد بود.

در حوزه ترجمه نیز که یکی از ابزارهای ارتباطی است، اجتناب از خطا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چرا که در جریان ترجمه، مترجم ما بین دو ملت با دیدگاهها، فرهنگ، مذاهب، آداب و رسوم و باورهای متفاوت ارتباط برقرار

\* azadeh.alaeeny@yahoo.com

\*\* نویسنده مقاله وظیفه خود می‌داند مراتب سپاس خود را نسبت به استاد بزرگوار خود جناب آقای دکتر محمد مهدی مرتین اعلام دارد.

می‌کند و در این میان حافظ و امانت‌دار پیام نویسنده اصلی نیز هست. لذا چنانچه در ایفای یکی از نقشهای خود دچار اشتباه گردد، خسارات جبران‌ناپذیری به پیکره ترجمه وارد می‌آورد که غالباً نتایج سوئی در پی خواهد داشت. در حیطه ترجمه، خطا به اشتباه کلامی (در خصوص مترجمان شفاهی) یا نوشتاری اطلاق می‌گردد که ناخودآگاه و غیرعمدی تحت تأثیر عوامل مختلف به وقوع می‌پیوندد. گاه این خطاهای جزئی و بی‌اهمیت و قابل اغماض هستند، اما در مواردی نیز نتایج جبران‌ناپذیری را به بار می‌آورد. در این نوشتار، انواع خطاهای مترجم تحت دو گروه عمده یعنی خطاهای توانشی و خطاهای کنشی بررسی شده و برای هر یک از انواع آنها مثال‌هایی از نمونه‌های مستند و عینی که خود نگارنده در جریان زندگی روزمره با آنها برخورد داشته است، ارائه شده است. در پایان راهکارهایی جهت پیشگیری از بروز خطاهای مترجم پیشنهاد می‌شود تا وی را در انجام این مسئولیت خطیر یاری بخشد و چراغی باشد فرا راه آیندگان.

#### ۱- خطاهای توانشی

منظور از توانش در ترجمه، دانشی است که مترجم در زمینه ترجمه در ذهن خود دارد و مجموعه‌ای از اصول، قواعد و نظریه‌های مختلف این علم آمیخته با هنر را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، توانش همان علم بالقوه مترجم است که بسان بذری دردل ذهنیت او نهفته است و تحت تأثیر محیط شکوفا و بارور می‌گردد و از زیر لایه‌های ذهن او سر بر می‌آورد و به فعلیت می‌رسد. از این رو، دانش ترجمه از اهمیت بسیاری برخوردار است. هرچند گاه با مترجمانی برخورد می‌کنیم که بدون بهره‌مندی از تحصیلات دانشگاهی و تنها بر پایه استعداد و قریحه ذاتی به چنان مهارتی در فن ترجمه دست یافته‌اند که گوی سبقت را از تحصیل‌کردگان این رشته ربوده و به مدد تجربه خویش توانسته‌اند به موفقیت‌های چشمگیری نائل شوند، اما اصولاً در هر حیطه‌ای برخورداری از علم و آگاهی نیز در رسیدن به کامیابی نقش به‌سزایی دارد، ضامن سلامت و بقای آن است.

خطاهای توانشی به دسته‌ای از اشتباهات اطلاق می‌شود که به دلیل عدم آگاهی یا وقوف کافی نسبت به اصول، قواعد و نظریه‌های ترجمه رخ می‌دهد و فرد را از چارچوب یک کار اصولی و علمی منحرف سازد و نتایج غیر قابل‌تصور را برجای می‌گذارد. به عبارت ساده‌تر، این خطاها به علت عدم بهره‌مندی از دانش لازم در زمینه ترجمه به وجود می‌آیند. خطاهای توانشی بسیار گسترده‌اند و طیف وسیعی از لغت تا کلام را شامل می‌شوند. در اینجا و برای روشن‌تر شدن مطلب موارد مربوط را به تفکیک و اختصار با ذکر مثال شرح می‌دهیم.

#### الف- خطاهای لغوی

این گونه خطاها بیشترین درصد را به خود اختصاص می‌دهند و هنگام مقایسه ترجمه با متن اصلی بیش از انواع دیگر خطاها ظاهر می‌شوند. خطاهای لغوی به دلایل مختلف به وقوع می‌پیوندند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

**- عدم آگاهی مترجم از لغات تخصصی:** خطاهای مربوط به متون تخصصی از رایج‌ترین خطاها هستند که به ویژه در ترجمه کتابهای حقوق، معماری، کشاورزی، شیمی، فیزیک، پزشکی و دیگر رشته‌ها دیده می‌شوند. دلیل بروز چنین اشتباهاتی از سوی مترجم، عدم آگاهی کافی وی از معانی واژه‌های تخصصی و نحوه معادل‌یابی آنهاست. در صورتی که مترجم بدون داشتن پیش زمینه و اطلاع قبلی از رشته‌ای، متون تخصصی آن را ترجمه کند، طی روند ترجمه با مشکلات زیادی مواجه خواهد شد که یکی از آنها ناتوانی در یافتن معادل مناسب است. گاه مترجم در رویارویی با لغات و اصطلاحات متن تنها به معنای اولیه و آنچه در اذهان عموم وجود دارد اکتفا می‌نماید و بدون در نظر گرفتن بافت خاص، ترجمه می‌کند. در چنین مواردی که در کتب تخصصی به دفعات دیده می‌شود، نتیجه کار به صورت ترکیبی ناهمگون از کلمات و معادلهای غیرمتداول تظاهر می‌یابد و اغلب غیرقابل درک می‌شود. به عنوان مثال به نمونه زیر که از ترجمه یک کارآموز کارگاه ترجمه انتخاب شده است توجه کنید:

-To ask, demand, sue for, recover, collect and receive each and every sum of money, the attorney as an agent of the company has any capacity.

-وکیل به عنوان نماینده شرکت، هرگونه ظرفیتی اعم از درخواست، مطالبه، پیگرد قانونی، بهبودی، جمع‌آوری و دریافت هر نوع وجه را دارا می‌باشد.

در این ترجمه، مترجم بدون توجه به بافت تخصصی متن و تنها براساس دانش خود از معنای اولیه لغات ترجمه کرده و معادلهای نامتداول و ناهماهنگ با متن حقوقی را به کار برده است.

ترجمه صحیح جمله فوق به قرار زیر است:

-وکیل به عنوان نماینده شرکت، هرگونه اختیاراتی اعم از درخواست، مطالبه، پیگرد قانونی، مطالبه خسارت، وصول و دریافت هر نوع وجه را دارد.

در اینجا، معادلهای «اختیارات»، «مطالبه قانونی» و «وصول» به ترتیب برای واژگان، capacity, recover, collect, قرار داده شده‌اند.

-عدم آگاهی از ساختار کلمات مرکب: گاه مترجم در حیطه ترجمه کلمات مرکب دچار اشتباه می‌شود. دلیل این امر عدم آگاهی کافی از ساختار و ترکیب این گونه لغات است. در چنین مواردی وی ساختارهای مرکب را به صورت مجزا و کلمه به کلمه در نظر می‌گیرد و حاصل کار نیز ترجمه‌ای غلط و نامفهوم خواهد بود که با بافت کلی متن هماهنگی ندارد و اغلب نامأنوس است. به عنوان مثال:

-Albert saw the frogman who was sitting on the bench by the window.

-آلبرت آن مرد قورباغه‌ای را که روی نیمکت کنار پنجره نشسته بود، دید.

مترجم کلمه مرکب frogman را به صورت جدا از هم و به دو کلمه مستقل ترجمه کرده است. ترجمه صحیح جمله فوق چنین است:

-آلبرت آن غواص را که روی نیمکت کنار پنجره نشسته بود، دید.

-Dr. Witman works in a beautiful greenhouse in London.

-دکتر ویتمن در یک خانه سبز زیبا در لندن کار می‌کند.

در این ترجمه، «خانه سبز» به عنوان معادل greenhouse که کلمه‌ای مرکب است، به کار رفته. به ترجمه صحیح این جمله توجه نمایید:

-دکتر ویتمن در گلخانه‌ای زیبا در لندن کار می‌کند.

جملات فوق از ترجمه کارآموزان کارگاه ترجمه انتخاب شده‌اند.

-عدم آگاهی واژه‌های فریبکار<sup>۱</sup>: یکی از حوزه‌هایی که مترجم ممکن است در آن مرتکب اشتباه شود، مربوط به واژه‌های فریبکار است که بنا به تعریف عبارتند از کلمات یکسان و مشابه از لحاظ تلفظ و شکل نوشتاری با معانی کاملاً متفاوت و متعلق به دو زبان مختلف. گاه مترجم تصور می‌کند که این قبیل لغات علاوه بر شکل ظاهری از نقطه نظر معنایی نیز در دو زبان یکسانند. هرچند این مطلب در زبان فارسی به دلیل اختلافات زیاد زبانی دیده نمی‌شود، اما در ترجمه‌هایی که از زبان انگلیسی به آلمانی و فرانسه و بالعکس صورت می‌گیرند، مصداق دارند.

-عدم آگاهی از طیف معنایی معادله‌ها: در صورتی که مترجم از طیف معنایی لغاتی که به عنوان معادل بر می‌گزیند اطلاع چندانی نداشته باشد، ممکن است مرتکب خطا شود. منظور از طیف معنایی، محدوده‌ای است که واژه‌ای از نظر معنایی در بر می‌گیرد و نویسنده مفهوم مورد نظر خود را تحت پوشش آن انتقال می‌دهد. به عنوان مثال:

-Recent researches show that supplication has a significant effect on those patients who suffer from incurable diseases.

-تحقیقات اخیر نشان می‌دهند دعا در آن دسته از بیمارانی که از امراض غیر قابل درمان رنج می‌برند تأثیر بسزایی بر جا می‌گذارد.

در این جمله، supplication به «دعا» ترجمه شده است؛ حال آنکه طیف معنایی واژه مذکور از «دعا» وسیع‌تر است و ارتباطی دوطرفه میان خالق و مخلوق را در بر می‌گیرد. ترجمه صحیح جمله فوق عبارت است از:

-تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که مناجات در آن دسته از بیمارانی که دچار امراض غیرقابل درمان هستند تأثیر بسزایی بر جا می‌گذارد.

این مثال برگرفته از ترجمه مترجم دارالترجمه است.

-عدم آگاهی از میزان طبیعی بودن معادله‌ها: در مواردی دیده می‌شود که مترجم معادلی ابداع می‌کند و بر اساس ذوق و قریحه شخصی خود دست به ابتکار و نوآوری می‌زند. در چنین شرایطی هرچند ممکن است معادل ابداعی وی زیبا و بدیع به نظر برسد، در عین حال این احتمال نیز وجود دارد که برای خواننده فارسی‌زبان غیر طبیعی و نامأنوس باشد. مانند جمله زیر که با اندکی تغییر از ترجمه کتابی درباره ترجمه تحت عنوان دوره آموزش فنون ترجمه انتخاب شده است:

-These informative texts are also divided into three categories.

-این متون آگه‌نشی نیز به سه مقوله تقسیم می‌شوند.

در ترجمه فوق، معادل «آگه‌نشی» برای واژه informative مناسب نیست، چرا که برای خواننده فارسی زبان ناآشنا و غیرمتداول است. ترجمه درست:

-این دسته از متون که جنبه اطلاع رسانی دارند به سه مقوله تقسیم می‌شوند.

ب-خطاهای جمله‌ای

<sup>1</sup> false friends



در سطح جملات نیز این امکان وجود دارد که مترجم ناخودآگاه مرتکب خطا شود و ترجمه‌ای ناموزون و گاه غلط ارائه دهد. خطاهایی که در سطح جملات رخ می‌دهند نیز علل مختلفی دارند از جمله:

- ترجمه جمله به صورت یک واحد مستقل از کل بافت متن: چنانچه مترجم جمله را به صورت مجزا از کل متن ترجمه کند، احتمال اشتباه وجود دارد و درصد بروز خطا نیز بالا می‌رود. این قبیل خطاها اغلب در حوزه ترجمه داستان به وقوع می‌پیوندند. در این موارد مترجم بدون در نظر داشتن کل محتوای داستان و حال و هوای ذهن نویسنده، جملات را یک به یک ترجمه می‌کند و از فضای اصلی منحرف می‌شود. به نمونه زیر که برگرفته از ترجمه دانشجویان کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی است، توجه کنید:

-The woman in black knocked the door. Her face was pale and her hair was grey. She had a light in her hand.

-زن در تاریکی چند ضربه به در نواخت. صورتش رنگ پریده و موهایش خاکستری بود. در دستش چراغی داشت.

از آنجا که مترجم بدون توجه به جملات قبل اقدام به ترجمه کرده است، مسئله سوگواربودن زن به خاطر از دست دادن همسرش را که در ابتدای داستان نقل شده نادیده گرفته و با تکیه بر واژه light تصور کرده است که دلیل استفاده از چراغ، تاریکی اتاق است و بنابراین برای black معادل «تاریکی» را آورده که کاملاً اشتباه است. ترجمه صحیح جمله فوق چنین خواهد بود:

-زن سیاهپوش چند ضربه به در نواخت...

-عدم آگاهی مترجم از قواعد دستوری و ساختار جملات انگلیسی: گاه مترجم در انتخاب واژگان و معادل‌یابی از قدرت بالا و ذوق خاصی بهره‌مند است، اما به دلیل عدم تسلط بر دستور زبان مبدأ و اصول و قواعد آن دچار اشتباه می‌شود. چنین ترجمه‌هایی عمدتاً غلط و فاقد معنای اصلی و مورد نظر نویسنده است. به عنوان مثال:

-Had Tony offered the new version of his book, he would have been a formidable rival to Anderson in 1957.

-آیا او نسخه جدید کتابش را ارائه کرد او رقیبی اعجاب انگیز برای اندرسن در ۱۹۵۷ بوده است. مترجم بی‌توجه به ساختار جمله که شرطی نوع سوم است و اگر had در ابتدای جمله قرارگیرد if حذف می‌شود، آن را به صورت سؤالی ترجمه کرده است جالب اینکه هیچ گونه علامت پرسش نیز به کار نبرده است. ترجمه صحیح این جمله در زیر آمده است:

-چنانچه او نسخه جدید کتابش را ارائه داده بود، در سال ۱۹۵۷ رقیبی سرسخت برای اندرسن می‌شد.

نمونه فوق از ترجمه مترجم متون ادبی دارالترجمه رسمی انتخاب شده است.

-عدم شناخت و تشخیص ضرب المثلهای و اصطلاحات از جملات عادی: ضرب‌المثلهای و اصطلاحات بایستی به صورت بخشهایی منسجم و یکپارچه یا یک عبارت واحد ترجمه شوند. در نتیجه، ترجمه‌های لغت به لغت، معنایی کاملاً متفاوت خواهند داشت. در بعضی موارد، مترجم در تشخیص و تفکیک این قبیل جملات از دیگر قسمتهای متن دچار اشتباه می‌شود و در نتیجه، آنها را به شکل تحت‌اللفظی ترجمه می‌کند. حاصل این گونه ترجمه‌ها عمدتاً عبارات و

جملات غلط و غیرقابل درک است. نکتهٔ دیگری که در ترجمهٔ جملاتی از این دست باید مد نظر قرار گیرد، مسئله عناصر فرهنگی است که بایستی رعایت شود تا ترجمه از نظر خواننده کاملاً طبیعی شود و با فرهنگ زبان مادری‌اش نیز مطابقت داشته باشد. به مثالهای زیر توجه کنید:

-He eats like a pig!

-مثل خوک می‌خوره!

در این ترجمه هر چند تمام لغات معادل‌یابی شده‌اند، اما بار معنایی اصطلاح به زبان فارسی انتقال نیافته است. به عبارت دیگر، خوانندهٔ فارسی زبان به واسطهٔ فرهنگ خاص و باورهای مذهبی خود، تصور دیگری از "خوک" دارد و نمی‌تواند مفهوم مورد نظر نویسنده را دریابد، چرا که از نظر وی این حیوان نماد آلودگی است. حال آن که در این ترجمه به عنوان مظهر پرخوری بدون تعقل و تأمل به کار رفته است. از این رو بهتر است از معادلی استفاده شود که در زبان فارسی همان معنا را منتقل کند. مانند:

-مثل گاو می‌خوره!

-Cut your coat according to your cloth!

-کتت رو به اندازهٔ پارچه‌ات ببر!

این ترجمه حاصل عدم شناخت مترجم از جملهٔ فوق به عنوان ضرب‌المثل است و در نتیجه، مفهومی ناآشنا و غیرمتداول را به خواننده ارائه می‌کند. ترجمهٔ معادل این ضرب‌المثل در زیر آمده است:

-پاتو به اندازهٔ گلیمت دراز کن!

این مثالها عمدتاً از ترجمه‌های دانشجویان دانشگاه انتخاب شده‌اند.

### ج- خطاهای فرهنگی

این قبیل خطاها به دلیل در نظر نداشتن تفاوت‌های فرهنگی میان دو زبان اتفاق می‌افتند. گاه ممکن است مترجم برای نزدیک کردن زبان مبدأ به زبان مقصد و طبیعی نمودن ترجمه برای خوانندگان، تغییراتی را ایجاد نماید و از معادل‌هایی استفاده کند که هر چند در فرهنگ فارسی زبانان پسندیده و عادی است اما با توجه به بافت خاص و فضای متن اصلی ناهماهنگ و غیر معمول به نظر می‌رسند و یا به عبارت دیگر جایی در فرهنگ مقصد ندارند. نظیر چنین خطاهایی بیشتر در ترجمهٔ فیلم‌های سینمایی و رمان به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، به ترجمه‌ای که از یک فیلم سینمایی انتخاب شده است توجه کنید:

-John: "listen! Somebody knocked the door."

-Alen: "who is this?"

-The old man: "anybody at home?"

-جان: "گوش کن! یکی در زد."

-آلن: "کیه؟"

-پیرمرد: "یا الله!"

در این ترجمه، مترجم از "یا الله" جهت هر چه نزدیکتر شدن دو زبان به یکدیگر و نیز طبیعی جلوه نمودن ترجمه برای خواننده استفاده کرده و این در حالی است که این معادل با سایر بخشها و کل بافت داستان و شخصیتها هیچگونه هماهنگی ندارد. در واقع چنین عبارتی خاص گویندگان فارسی زبان و فرهنگ آنهاست. از این رو بهتر است از ترجمه‌ای نظیر نمونه زیر استفاده کرد:

-جان: "گوش کن! یکی در زد."

-آلن: "کیه؟"

-پیرمرد: "کسی خونه هس؟"

نمونه فوق از مثالهای استاد کارگاه ترجمه مقطع کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی در توضیح تفاوت‌های فرهنگی در ترجمه انتخاب شده است.

#### د- خطاهای همنشینی

حفظ روابط همنشینی میان کلمات یک متن از جمله وظایفی است که بر عهده مترجم است. این گونه روابط که از آنها به هم‌آیی<sup>۱</sup> نیز تعبیر می‌شود، به ارتباط موجود میان لغاتی اطلاق می‌شود که همواره در کنار یکدیگر ظاهر می‌شوند و در صورت تعویض یا جایگزینی یکی از آنها، توازن موجود در مجموعه نیز دستخوش تغییر می‌شود و این گونه هماهنگی تنها مختص کلمات نیست و در سطوح بزرگتر نظیر جمله و یا حتی کل بافت متن نیز بایستی میان اجزا همخوانی وجود داشته باشد.

عدم حفظ روابط همنشینی در ترجمه در مواردی بیشتر به چشم می‌خورد که مترجم برای رعایت اصول اخلاقی و احترام به عقاید مذهبی خوانندگان، بدون توجه به سایر قسمتهای متن تغییراتی را در برخی از معادلها ایجاد می‌نماید و ترجمه‌ای ناهماهنگ و مغایر با دیگر بخشها ارائه می‌دهد. به عنوان مثال به جمله زیر که برگرفته از ترجمه مترجم دارالترجمه است، توجه کنید:

-The old man drank a glass of red wine and left the bar immediately.

-پیرمرد لیوان شیر را سرکشید و فوراً بار را ترک کرد.

در اینجا، مترجم به جای red wine از معادل "شیر" استفاده کرده است که در جای خود مناسب است و به حفظ اصول اخلاقی نیز می‌پردازد. اما در ادامه لغت "بار" را همچنان به کار برده و در نتیجه ترجمه‌ای را در اختیار خواننده قرار می‌دهد که از نظر روابط همنشینی فاقد هماهنگی و اعتبار است. به دیگر سخن "بار" با "شیر" هم‌آیی ندارد. لذا بهتر است که به جای واژه "بار" از "کافه" استفاده شود که با "شیر" سازگاری بیشتری دارد و یا به جای "شیر" معادل "نوشیدنی" جایگزین شود:

۱-پیرمرد لیوان شیر را سر کشید و فوراً کافه را ترک کرد.

۲-پیرمرد لیوان نوشیدنی را سر کشید و فوراً بار را ترک کرد.

#### د- خطاهای حوزه فرازبانی

<sup>1</sup> collocation

این دسته از خطاها به دلیل وجود تفاوت‌های فرازبانی<sup>۱</sup> نظیر عدم تشابه سرزمینها، آب وهوا، شرایط اقلیمی، جغرافیایی و غیره مابین زبان مبدأ و مقصد به وجود می‌آیند. برای روشن تر شدن مطلب به مثال زیر که از ترجمه شعر شکسپیر و از سوی استاد نقد ادبی مقطع کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی عنوان گردیده است توجه کنید:

-Shall I compare thee to a summer's day?  
Thou art more lovely and more temperate

-آیا خواهم توانست تو را با یک روز تابستان مقایسه کنم؟

آه! هرگز. تو به مراتب زیباتر و ملایم‌تری!

مترجم بدون توجه به تفاوت موجود میان وضعیت آب و هوایی محل زندگی شاعر و نیز موقعیت اقلیمی خوانندگان S a summer's day را به «یک روز تابستان» ترجمه کرده؛ حال آنکه فصل تابستان در لندن، معادل فصل بهار ایران است و تمام خصوصیات ذکر شده در شعر کاملاً با فصل بهار منطبق است. لذا انتخاب واژه «تابستان» مناسب نیست. ترجمه پیشنهادی نگارنده به قرار زیر است:

آیا خواهم توانست تو را با یک روز بهاری مقایسه کنم؟

آه! هرگز. تو به مراتب زیباتر و ملایم‌تری!

#### ه- خطاهای رویکردی

چنانکه می‌دانیم پیش از اقدام به ترجمه لازم است با توجه به نوع متن و هدف نویسنده از نگارش آن، رویکرد متناسب انتخاب شده و بر این اساس روش ترجمه نیز برگزیده شود. به عنوان مثال، در متون علمی که هدف ارائه اطلاعات به خوانندگان و ارتقاء سطح علمی آنان است، رویکرد عمدتاً خواننده-محور بوده و لذا روش نیز ارتباطی یا معنا-محور انتخاب می‌شود. حال چنانچه مترجم در روند ترجمه در یکی از مراحل فوق مرتکب اشتباه شده و رویکردی نامناسب به کار گیرد، ساختاری غیرمنطقی و ناهمگن ره‌آورد ترجمه بوده و هدف اصلی نویسنده را تأمین نخواهد کرد. این قبیل خطاها بیشتر در متونی نظیر دستورالعملها که جنبه اطلاع رسانی دارند، مشهود بوده و اثرات نامطلوبی نیز بر جا خواهند گذاشت. خصوصاً در مواردی که از ترجمه جهت تأمین مقاصد نظیر آموزش، طرز تهیه غذا، روش استفاده از دارو، طرز به‌کارگیری وسایل برقی و غیره استفاده می‌شود، در صورت عدم انتخاب رویکرد و روش مناسب ممکن است خطرات جانی و مالی بی‌شماری به بار بیاید. به عنوان مثال در ترجمه زیر که نحوه استفاده از دوربین عکاسی را آموزش می‌دهد، مترجم با نادیده گرفتن نوع متن که از جمله متون آموزشی می‌باشد و همچنین بدون توجه به رویکرد مورد نیاز یعنی خواننده-محور بودن ترجمه، به جای استفاده از روش ارتباطی اقدام به ترجمه لغت به لغت نموده و خواننده را دچار سردرگمی کرده است.

-If the blinking low-battery signal appears together with other displays, battery power is low. The battery should be replaced soon.

-در صورتی که چشمک‌زن نشانه پایین بودن باتری آشکار شود همراه با سایر تظاهرات قدرت باتری پایین است. باتری باید زود جایگزین شود.

با در نظر داشتن سه رکن اساسی یعنی نوع متن، رویکرد و روش، ترجمه جملات بالا به قرار زیر خواهد بود:

<sup>1</sup> extralinguistic

در صورتی که نشانگر باتری به همراه دیگر علائم شروع به چشمک زدن کند، این اخطار حاکی از این است که باتری در حال خالی شدن است، لذا هرچه سریعتر نسبت به تعویض آن اقدام کنید.  
این جملات از ترجمه دانشجوی کارگاه ترجمه انتخاب شده است.  
۲- خطاهای کنشی:

کنش در ترجمه به فعلیت رساندن دانشی است که به صورت بالقوه در ذهن مترجم وجود دارد. تا زمانی که محفوظات وی نظیر اصول و قواعد، نظریه‌ها، ساختارهای دستوری و غیره به مرحله ظهور نرسیده و در عمل و قالب اعمال و کردار او نمود نیابند، فاقد ارزش و اعتبار خواهند بود. منظور از خطاهای کنشی در این قسمت از بحث آن دسته از خطاهایی است که طی روند ترجمه رخ داده و زاییده شرایط محیطی و نیز تحت تأثیر مستقیم حالات روانی، شرایط فیزیکی، وضعیت جسمانی و غیره قرار دارند. این قبیل اشتباهات ناخودآگاه بوده و برخلاف خطاهای توانشی که از کمبود آگاهی مترجم در حوزه علم ترجمه سرچشمه می‌گیرند، ماحصل شرایط و موقعیتهای خاص هستند که در مقطعی از زمان ذهن مترجم را درگیر کرده، قدرت تمرکز و یادآوری محفوظات و دانسته‌ها را از وی سلب می‌کند و چنانکه به تجربه ثابت شده است، اغلب با گذشت زمان و خارج شدن فرد از شرایط بحرانی خاص زمینه‌های بروز این گونه خطاها از بین می‌روند. به عبارت دیگر، مترجم در موقعیتهای عادی هرگز مرتکب چنین اشتباهاتی نخواهد شد! از عوامل ایجاد خطاهای کنشی، استرس، خستگی، سروصدا، درجه حرارت و نور محیط کار، بیماریهای جسمی، عوامل تنش‌زا و بسیاری دیگر را می‌توان نام برد. خطاهای کنشی خود به گروههای زیر تقسیم می‌شوند:

- 1- approach 2- method 3- reader-oriented  
4- communicative 5- meaning-based 6- performance

#### الف- خطاهای دیداری:

این دسته از خطاها، اغلب به دلیل خستگی زیاد مترجم، کمبود نور کافی و حتی نامناسب بودن متن از لحاظ املائی اتفاق می‌افتند. هر چند مترجم در شرایط عادی معنای تمام کلمات و معادلهای آنها را به طور کامل می‌داند و قادر به ارائه ترجمه‌ای یکدست و منسجم نیز هست، اما با قرار گرفتن در موقعیتهای خاص از میزان دقت و توانایی وی کاسته شده ممکن است به دلیل خطای دید به جای کلمه‌ای که در متن وجود دارد، کلمه مشابهش را که از نظر املا و شکل نوشتاری با آن شباهت دارد ببیند. به عنوان مثال:

taught, thought-concert, concrete-rule, role

و بسیاری از موارد دیگر نمونه‌هایی از خطاهای دیداری به شمار می‌روند. به مثال جالبی از این قبیل اشتباهات توجه کنید:

-This far out, he must be huge in this month, he thought.

-وی با خود اندیشید، در این فاصله باید قلاب از دهان ماهی آویخته باشد.

در این ترجمه، مترجم به جای hung, huge و به جای mouth, month را در نظر گرفته و در نتیجه دچار اشتباه شده است.

حوزه خطاهای دیداری تنها محدود به کلمات مشابه از نظر شکل نوشتاری نیست. چنانکه در مواردی نیز مشاهده شده است، این امکان وجود دارد که مترجم کلمات نامتشابه را به جای یکدیگر ببیند مانند:

Jody could see the great black kettle under the cypress tree.

-جودی می‌توانست خالهای سیاهی را که همان گله‌های گوسفند بود، زیر درخت سر و در حال چرا ببیند.

در این نمونه جالب، هر چند میان دولغت kettle (کتری) و cattle (گله) شباهت نوشتاری و ظاهری چندانی وجود ندارد، مترجم در نگاه اول مرتکب اشتباه شده و به دلیل همین خطا نیز به کل بافت جمله و حال و هوای داستان را دستخوش تغییر کرده است. حال آنکه ترجمه صحیح جمله فوق عبارتست از:  
این مثالها از کتاب درآمدهی به اصول و روش ترجمه اثر آقای کاظم لطفی پورساعدی ارائه شده‌اند.  
-جودی می توانست کتری بزرگ سیاه را زیر درخت سرو ببیند.

-Two of these were contemporaries of Emerson two his followers in the succeeding generation.

-۲ تا از آنها معاصر امرسن بودند و ۲ تا هم پیروانش در نسل موفق بودند.

در این جمله نیز چنانکه مشاهده می‌شود، مترجم به اشتباه succeeding را successful دیده و به‌غلط آن را ترجمه کرده است. حال آنکه ترجمه صحیح این جمله عبارت است از:

-دو تن از این نویسندگان معاصر امرسن بوده و دو تن دیگر نیز از پیروان وی در نسل بعد به شمار می‌رفتند.

مثال فوق از ترجمه مترجم متون ادبی دارالترجمه رسمی انتخاب شده است. گاه مترجم کلمات دارای معانی متفاوت و شکل نوشتاری یکسان را بدون توجه به ادامه جمله و کل متن ترجمه می‌کند. هر چند ممکن است چنین خطایی حاصل عدم آگاهی از تفاوت‌های معنایی لغات و مربوط به خطاهای توانشی باشد، اما عمدتاً در اثر اشتباه دیداری اتفاق می‌افتد. یعنی به علت محدودیت زمان یا دیگر عوامل محیطی این احتمال وجود دارد که مترجم در نگاه اول و با دیدن یک کلمه، سایر لغات مجاور آن را نیز به شکل واژه‌های مرتبط با آن ببیند و تصور کند آنچه در ذهن وی شکل گرفته، کاملاً صحیح است. مانند نمونه زیر که از کتاب درآمدهی به اصول و روش ترجمه نوشته آقای کاظم لطفی پورساعدی ارائه شده:

-Turkey, I said, was our national bird.

-گفتم ترکیه مرغ صلح است.

در اینجا کاملاً مشهود است که مترجم با بی‌دقتی جمله را خوانده و تنها با دیدن لغت turkey، تصور کرده است که منظور کشور ترکیه بوده و واژه national نیز با آن هماهنگی دارد. وی بی‌توجه به کلمه bird و بدون در نظر داشتن اینکه مراد از turkey، «بوقلمون» است، اقدام به ترجمه کرده است.

ترجمه صحیح:

-گفتم بوقلمون پرنده ملی ماست.

ب-خطاهای شنیداری:

این قبیل خطاها در حوزه ترجمه شفاهی مصداق می‌یابند و مترجم بر اثر شرایط محیطی ممکن است لغات را اشتباه شنیده و در نتیجه به غلط به ترجمه آنها مبادرت ورزد. در ادامه به نمونه‌هایی از این گونه اشتباهات اشاره می‌کنیم.

-The sail was patched with flour sacks.

-بادبان قایقش با گونیهای گل وصله شده بود.

در اینجا مترجم شفاهی به دلیل شباهت flour با flower از لحاظ تلفظ، مرتکب خطا شده و به جای «آرد»، از معادل «گل» استفاده کرده است.

ترجمه صحیح:

-بادبان قایقش با گونیهای آرد وصله شده بود.

He bent over the worm wood of the bow.

-او روی چوب گرم قایق خم شد.

مترجم در ترجمه این جمله، به دلیل تشابه تلفظ worm و warm اشتباهاً به جای «چوب فرسوده» از معادل «چوب گرم» استفاده کرده است.

مثالهای فوق با اندکی تغییر از کتاب درآمدی به اصول و روش ترجمه تألیف آقای کاظم لطفی پورساعدی انتخاب شده‌اند.

ج-خطاهای حاصل از اعتماد به نفس:

در مواردی دیده شده است که مترجمان با سابقه علیرغم تجربه زیاد در امر ترجمه، مرتکب خطاهای فاحش می‌شوند. این قبیل خطاها صرفاً به دلیل اعتماد به نفس فرد و عدم احساس نیاز به منابع اطلاعاتی به وقوع می‌پیوندند. اغلب اوقات مترجم، بدون بهره‌گیری از نسخه‌های جدید واژه‌نامه‌ها، اینترنت و نشریات تخصصی اقدام به ترجمه متون مختلف نموده و لذا در انتخاب واژگان و معادلها مرتکب اشتباه می‌شود. نمونه‌های بسیاری در دست است که مترجم تنها به آنچه در ذهن خود و گنجینه محفوظاتش گردآوری کرده، بسنده کرده و ترجمه‌هایی را ارائه داده است که غلط یا غیرمعقول به نظر می‌رسند و از لحاظ زمانی نیز عقب مانده و یا بیگانه با پیشرفت روز دنیا هستند. به مثال زیر که نمونه مستند ترجمه دانشجویان درس کاربرد رایانه در ترجمه مقطع کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی است، توجه کنید:

-The chairman sent the updated versions of the software to the company.

-رئیس جدیدترین نسخه‌های نرم افزار را به شرکت فرستاد.

در مثال فوق، مترجم به دلیل عدم مراجعه به نسخ جدید کتابهای لغت و یا سایر ابزار اطلاعاتی، واژه «جدیدترین» را معادل updated قرار داده است. حال آنکه اخیراً واژه «روزآمد» معادل مناسب‌تری است. چراکه «جدیدترین» بارمعنایی «روزآمد» را نداشته و مفهوم آنرا انتقال نمی‌دهد.

د-خطاهای حاصل از ترجمه‌های تولیدی:

ترجمه‌های تولیدی به آن دسته از ترجمه‌هایی اطلاق می‌شوند که به وسیله مترجمان حرفه‌ای و به سفارش شرکتها و مؤسسات در راستای تأمین مقاصد اقتصادی و تجاری صورت می‌گیرند. این قبیل ترجمه‌ها عمدتاً طیف وسیعی را شامل می‌شوند. ترجمه عناوین کالاهای مختلف نظیر محصولات بهداشتی، مواد غذایی، داروها، وسایل صوتی و تصویری و نیز نحوه استفاده از آنها در حوزه کاری این دسته از مترجمان قرار می‌گیرند. با توجه به پیشرفت روزافزون علم و فناوری و نیاز مبرم بشر امروز به بهره‌مندی از جدیدترین اختراعات و اکتشافات جهان، روزانه خیل عظیمی از فرآورده‌ها و ابزار گوناگون وارد بازار شده و موجب کثرت کار مترجمان تولیدی می‌گردند. لذا با افزایش میزان کار و محدودیت زمانی، دقت و فرصت به کارگیری منابع جهت یافتن معادل‌های مناسب تا حد زیادی کاهش یافته، از این رو

ترجمه‌های حاصل، فاقد اصول و استانداردهای لازم هستند. به عبارت دیگر، چنین ترجمه‌هایی صرفاً برای افزایش سود اقتصادی بوده و هدف اصلی یعنی ایجاد ارتباط میان افراد و ملل مختلف به دست فراموشی سپرده شده است. نمونه بارز این گونه ترجمه‌ها که روزانه با آن سرو کار داریم ترجمه کاربردهای تلفن همراه است که به منظور پاسخ گویی به نیاز مشترکان در انواع مختلف گوشیها قرارداد شده است. درگاه مادون قرمز، میانبر، تم و غیره از جمله ترجمه‌هایی هستند که خواننده در مواجهه با آنها قادر به استفاده از بخش مربوط نبوده و دچار سردرگمی خواهد شد.

ه- خطاهای حاصل از عدم علاقه به موضوع ترجمه:

چنانکه به تجربه ثابت شده است، گاه مترجم از دانش کافی و آگاهی لازم برای ترجمه برخوردار است اما به دلیل بی‌علاقگی نسبت به موضوع و حوزه‌ای که باید در آن به ترجمه بپردازد، مرتکب خطا می‌شود. در چنین مواقعی توانش فرد نیز ممکن است تحت تأثیر شرایط روانی واقع گردیده و وی را در جریان ترجمه ناتوان و با مشکل مواجه نماید. نتیجه فشارهای روانی ارائه ترجمه‌های نامفهوم و کاهش بازده و کارایی مترجم خواهد بود. نمونه‌هایی از این قبیل ترجمه‌ها اغلب در آثار مترجمان دارالترجمه‌ها که به صورت حرفه‌ای به این امر می‌پردازند و خود در انتخاب موضوع و متن دخالتی ندارند، دیده می‌شود.

و- خطاهای حاصل از محدودیت زمان:

هنگامی که مترجم زمانی محدود برای ترجمه در اختیار دارد، به دلیل افزایش میزان استرس و تنش تمرکز خود را از دست داده و حتی در ترجمه ساده‌ترین عبارات و جملات نیز مرتکب خطا می‌شود. محدودیت زمان مهمترین عامل بازدارنده فرد به هنگام ترجمه شفاهی بوده و در صورت عدم آمادگی کافی وی را گرفتار تشویش و حتی انصراف از ادامه کار خواهد نمود.

در اینجا و پس از نگاه اجمالی به انواع خطاهای مترجم، به ارائه راهکارهایی جهت رفع عوامل زمینه ساز خطا و اشتباه در روند ترجمه می‌پردازیم. بسیاری از راه‌حلهای پیشنهادی به صورت تجربی به کار گرفته شده و نتایج سودمندی نیز به بار آورده‌اند. امید است عمل به موارد ذیل راهگشایی باشد جهت رفع برخی از مشکلات و ارتقا سطح کیفی ترجمه‌ها برای نسل آینده!

### راهکارها:

- مطالعه کتابها و منابع تخصصی در زبان فارسی جهت آشنایی با اصطلاحات خاص متون رشته‌های مختلف
- برگزاری کارگاههای آموزشی در راستای ارتقای سطح علمی مترجمان و به کارگیری روشهای ویژه در ترجمه متون تخصصی
- استفاده از ابزار اطلاع‌رسانی نظیر اینترنت جهت دستیابی به پیشرفتهای روز دنیا در زمینه علم و فناوری
- استفاده از نشریات تخصصی مترجمی جهت همسو نمودن روند ترجمه با دستاوردها و نظریات جدید ارائه شده از سوی صاحب نظران
- برگزاری آزمونهای مرتب و پیوسته از سوی مؤسسات آموزش عالی و دارالترجمه‌ها در جهت سنجش میزان اطلاع مترجمان از دانش ترجمه و آگاهی آنها از پیشرفتهای حاصل در این رشته
- فراهم آوردن امکان برقراری ارتباط با مترجمان با سابقه و استفاده از تجارب آنها
- برگزاری کلاسها و دوره‌هایی با حضور همزمان مترجمان تجربی و تحصیلکرده برای مبادله افکار و نظریات
- مطالعه کتب مختلف در زمینه‌های گوناگون به زبان فارسی برای آشنایی بیشتر با ساخت این زبان و تسلط به زبان مقصد جهت برآوردن نیاز خوانندگان



- آگاهی از ضرب‌المثلها و اصطلاحات خاص زبان فارسی با بهره‌گیری از منابع موجود نظیر لغت‌نامه، فرهنگ مردم و غیره

- آشنایی با زندگی نامه نویسندگان و مترجمان موفق و به کارگیری شیوه‌های آنها  
- ارائه ترجمه به مخاطبان و جمع‌آوری آرا و نظرات خوانندگان در خصوص میزان طبیعی بودن آنها و به‌ویژه قابل درک بودن لغات ابداعی مترجم

- انتخاب واحد ترجمه، رویکرد، روش کار پس از مطالعه متن و پیش از اقدام به ترجمه  
- مطالعه قواعد و دستور زبان مبدأ جهت دستیابی به تسلط نسبی  
- شناخت تفاوت‌های فرهنگی میان دو زبان از طریق مطالعه کتب تاریخی و قوم‌شناسی  
- مرور و بازخوانی ترجمه جهت اطمینان از هماهنگی جملات با یکدیگر و کل متن  
- توجه به تفاوت‌های فرازبانی و کسب اطلاع از این قبیل تفاوتها با مطالعه کتب جغرافیا، دائرةالمعارف، مشاهده نقشه‌ها و غیره

- پرهیز از ترجمه در شرایط نامساعد روانی و جسمانی در صورت امکان  
- قرار دادن فواصل زمانی معین جهت استراحت و انجام کارهای متفاوت نظیر پیاده‌روی، حل جدول یا خواب کوتاه  
- ضبط کردن صدا هنگام خواندن متن برای نخستین بار و استفاده از آن برای مطابقت جهت پرهیز از خطاهای دیداری  
- قراردادن یک برگ کاغذ رنگی زیر هر سطر برای متمایز نمودن سطرها  
- قراردادن نوک مداد روی هر لغت برای جلوگیری از اشتباهات مربوط به کلمات مشابه هنگام مطالعه متن و کشیدن دایره با رنگهای متفاوت دور برخی از آنها  
- انجام تمرینهای شنیداری با استفاده از نوار، فیلم، حضور در جلسات سخنرانی به زبان انگلیسی جهت تقویت حس شنوایی

- خواندن متن دارای کلمات مشابه از نظر تلفظ و ضبط صدا به طور همزمان و گوش دادن به نوار پس از گذشت یک هفته برای تمرین ایجاد تمایز میان لغات مشابه  
- احساس نیاز به کتاب لغت و سایر منابع اطلاعاتی در حین حفظ اعتماد به نفس  
- انتخاب موضوع براساس علاقه (در صورت امکان)  
- تفکیک متون براساس تخصص و میزان علاقه مترجمان از سوی دارالترجمه‌ها (در صورت امکان)  
- انجام تمرینات ترجمه با محدودیت زمانی جهت تنظیم وقت مترجم

آنچه در این مجال کوتاه عنوان گردید، تنها چکیده‌ای بود از خطاهایی که مترجم در جریان ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی مرتکب می‌شود، حال آنکه هنگام ترجمه از فارسی به انگلیسی نیز موارد بسیاری از انواع اشتباهات مشاهده می‌شود که تحقیق و مطالعه در این خصوص را به عهده اساتید و دانشجویان علاقه‌مند و اگذار می‌کنیم چراکه این حکایت همچنان باقی است!

#### منابع:

- اسلان‌زاده، رحیم (۱۳۸۰)، *نمونه‌های عملی ترجمه اسناد و مدارک*، تهران: انتشارات سمت.
- الهی قمشه ای، حسین (۱۳۷۹)، *بررسی ترجمه انگلیسی متون اسلامی (۲)*، تهران: انتشارات سمت.
- لطفی پورساعدی، کاظم (۱۳۷۱)، *درآمدی به اصول و روش ترجمه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نیومارک، پیتر (۱۹۸۶)، *ترجمه سعید سبزیان، منصورفهم (۱۳۸۲)*، *دوره آموزش فنون ترجمه*، تهران: انتشارات رهنما.

# نکته‌ها و ناگفته‌های ترجمه



حسن هاشمی میناباد\*

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

(بخش چهارم)

## The fact that, the fact is that

مترجمان ناشی یا راحت‌طلبی که نه به فرهنگ تک‌زبانه یا دوزبانه مراجعه می‌کنند و نه به متن اصلی و زبان فارسی اعتنایی دارند، غالباً *the fact that* و *the fact is that* را به «حقیقت این است»، «این حقیقت که» و مانند آن برمی‌گردانند. اما این عبارت معادله‌های درستِ گوناگون دیگری در فارسی دارد. جالب است بدانید که عده‌ای از دستورنویسانِ انگلیسی عبارتِ *the fact that* را حشو می‌دانند و پیشنهاد می‌کنند که فقط از *that* استفاده شود.

I'm surprised by the fact that the report is incomplete  $\Rightarrow$  I'm surprised that the report is incomplete.

(N. Foster 2004: 84)

این عبارت را، به جز هنگامی که در اول جمله می‌آید، معمولاً می‌توان به *that* تقلیل داد.

We were not certain of the fact that he was coming.

بهتر آن است که چنین بنویسید:

... that he was coming.

He should have been told of the fact that deductions can be made for medical expenses.

بهتر آن است که چنین بنویسید:

... told that deductions ...

\* h\_hashemi\_mi@yahoo.com

(M. Nurnberg 1972: 118)

معادلهای زیر را از منابع گوناگونی که نام برخی از آنها آمده است به دست آورده‌ام.

the fact is that

قدر مسلم این است که، قدر مسلم این که، حقیقت امر این است که، چیزی که هست، این که، این امر که

(شاپور اردشیرجی ۴۰۰: ۱۳۵)

despite the fact that

با وجود این که، با این که

In view of the fact that

نظر به این که، با توجه به این که

not mention the fact that

حالا بگذریم از این که

(شاپور اردشیرجی ۴۳۷: ۱۳۵)

The fact of the matter is that

حقیقت مطلب/ امر این است که

The fact that I've got to return to the office in the middle of my holiday takes the gilt off the gingerbread.

همین که مجبورم در نیمه تعطیلاتم به اداره‌ام برگردم، تعطیلات را کوفتم می‌کند.

(محمد تقی فرامرزی ۲۰-۱۱۹: ۱۳۶۳)

We may take heart from the fact that the illness isn't getting any worse.

به این علت می‌توانیم امیدوار باشیم که بیماری وخیم‌تر نمی‌شود.

(همو ۱۴۰)

This tradition, combined with the fact that its trade was with the East, gave it an independence of Rome...

این سنت، به اضافه این امر که تجارت ونیس با شرق صورت می‌گرفت، به این شهر استقلالی داده بود که...

(B. Russel 1961: 484 ; ۱۳۷۳: ۶۸۶ در یابندری)

Is it not a fact that we are all human beings?

مگر نه این است که ما همه انسانیم؟

(شاپور اردشیرجی ۴۸۲: ۱۳۵۱)

بنابراین، با توجه به معادلهای و مثالهای بالا the fact is that و the fact that را می‌توان به دو گونه ترجمه کرد: (۱) با استفاده از معادلهایی که در این جا و در فرهنگها آمده، و (۲) با توجه و دقت در متن و بافت و موقعیت جمله که در هر مورد معادل خاص خود را می‌طلبد.

## Happy, happiness

happiness, happy نیز از مواردی است که مترجمان را افسون‌زده معنای اول می‌کند. از آن‌جا که اولین معنای happy «شاد و خوشحال» است، برخی از مترجمان نیز به همین مفهوم و مترادفهای آن بسنده می‌کنند و به بافت و متن توجه نمی‌کنند تا ببینند آیا می‌توان از معانی دیگری نیز استفاده کرد یا نه. در فیلم‌های دوبله شده می‌بینیم که کسی از دوستش می‌پرسد: «با زنت خوشحال هستی؟» در حالی که منظورش این است که «آیا از ازدواجت راضی هستی و خوشبخت و سعادت‌مندی یا نه» اگر مخاطب زن باشد حتی می‌توان از او پرسید: «آیا سفیدبخت هستی؟» بنابراین، این واژه‌ها در مواردی به معنای خوشبخت و سعادت‌مند و سفیدبختی و خوشبختی و سعادت و دلخوشی است.

He thought that happiness consisted in a state of modest prosperity...

(A. Hauser 1962: 117-8)

سعادت را در رفاهِ بالنسبه مکفی... می‌دید...

(ابراهیم یونسی ۱۰۶۱: ۱۳۷۷)

فکر می‌کرد که خوشبختی عبارت است از مختصری رفاه...

(امین مؤید ۲۸۰: ۱۳۷۲)

گرید و [ارتقای اداری را] می‌خوام واسه سرِ قبرِ بابام؟ آخه وقتی دلخوشی نیست، به چه درد می‌خوره؟

What earth do I need a promotion for? When I'm not happy, what good would a promotion do me?

(C. Amir-Mokri and P. Losensky 1997: 388; ۱۳۵۶: ۳۱ فریدون تنکابنی)

The island had the air of a little paradise, newly created, all fresh and dewy in the dawn, stocked with everything needful for the comfort and happiness of man.

جزیره حال و هوای بهشت کوچکی را داشت که تازه خلق شده بود؛ در سحرگاهانش همه‌چیز تر و تازه و شبنم‌پوش بود، و سرشار بود از هر چیز لازم برای راحتی و سعادت انسان.

## Hyphenated America

هر فردی می‌تواند هم ملیت خود را حفظ کند و چون به امریکا مهاجرت می‌کند می‌تواند ملیت امریکایی را هم بپذیرد. لفظ Amer-, American, Americo, با اسم دیگری می‌آید و تعلق آن اسم را به امریکا و نیز آن اسم می‌رساند. معمولاً در این ترکیب American و مترادفهای آن در آغاز می‌آیند. این ترکیب صفت می‌سازد. صفتی که بدین ترتیب به دست می‌آید بر کسی یا چیزی دلالت می‌کند که به آن دو سرزمین متعلق است و نشانی از آنها در خود دارد. اگر این صفت به شخص دلالت کند، «-تبار» به نام دوم اضافه می‌شود و در غیر این صورت، از پسوند نسبی «-ی» استفاده می‌شود.

Amerasian

امریکایی آسیایی-تبار؛ امریکایی-آسیایی

Amerasian-Spanish	امریکایی اسپانیایی تبار، امریکایی اسپانیول، امریکایی اسپانیایی، امریکایی اسپانیولی
American-Iranian	امریکایی ایرانی تبار؛ امریکایی-ایرانی
Americo-German	امریکایی آلمانی تبار؛ امریکایی-آلمانی
African-American	امریکایی آفریقایی تبار؛ امریکایی-آفریقایی
Russian-American	امریکایی روسی تبار؛ امریکایی-روسی

### Keep doing something, continue to do something

فعل‌های *continue to do something, keep doing something* به این معناست که کاری بارها و بارها انجام می‌گیرد و غالباً شخص نمی‌تواند نقشی در تداوم آن داشته باشد. اولین معادلی که به ذهن می‌رسد «کاری را ادامه دادن» است:  
حتی اگر کسی مرا نچیند، من پزمرده می‌شوم؛ تو شکوفه دادن خود را ادامه می‌دهی.

(علی اصغر حلبی، افسانه‌های ازوپ ۱۹۶: ۱۳۷۳)

اگر مترجم از معادلهای فراوان این افعال استفاده کند، دچار فقر واژگانی و یکنواختی واژگان نمی‌شود. به جای «کاری را ادامه دادن» می‌توان از فعل‌های دیگر، ساختارهای زبانی دیگر مثلاً قید و فرایندهایی مانند تکرار استفاده کرد.

– دنبال چیزی را گرفتن = ادامه دادن چیزی را: اگر دنبال درس را گرفته بود حالا کار من لنگ نبود، مس‌مس می‌کردم که شاید مادرم دنبال حرفش را بگیرد و پا در میانی کند.

(ابوالحسن نجفی ۱۳۷۸)

– دنباله چیزی را کشیدن = چیزی را ادامه دادن، دنبال کردن: پاشوکاری بکن. باز دنباله حرف را می‌کشد و بدتر می‌شود.

(همو)

– گرم چیزی بودن

Night and day I kept singing–humming and thrumming.

شبانه‌روز گرم آوازم، می‌نوازم و زمزمه می‌کنم.

(سعید سعیدپور، کارل سندبرگ ۲۲۰۱: ۱۳۸۴)

– بودن (زبان گفتاری و عامیانه) = همچنان ادامه داشتن: این قضایا بود تا بی‌حجابی شروع شد. (در این معنی گاهی فعل به صورت مکرر به کار می‌رود): این قضایا بود و بود و بود تا داستان وین و آن مرد که پیش آمد.

– حالا+فعل نهی+کی+فعل امر (نوعی ساخت کلام که دلالت بر تکرارِ پیایی می‌کند) = دستِ مرا گرفت و حالا نبوس کی ببوس، این را گفت و حالا نزن کی بزن، خوب از پس دزده برآمد.

– فعل استمراری

کوکب هم غر می‌زد و خودش را می‌خورد و رحمت، پای پریموس، روی یک زانو نشسته بود و گوش به زنگ داشت و از زیرچشم، نوبتی‌ها را می‌پایید.

Kawkab continued grumbling and fretting...

(محمود دولت‌آبادی ۱۷: ۱۳۵۷، ۴۵۹ P.Losensky 1997: 459)

– فرآیند تکرار فعل = تکرارِ فعل استمرار و تداوم عمل را می‌رساند.

I kept running till...

دویدم و دویدم تا

نیز نگاه کنید به بودن.

آن قدر، این قدر

Don't keep on asking silly questions.

این قدر سؤالهای احمقانه نپرس.

I kept saying it till I was blue in the face.

آن قدر گفتم تا زبانم مو درآورد.

در بیشتر موارد فعل continue, keep در ترجمه به قید تبدیل می‌شود. این کار نمونه‌ای از تغییرِ مقولهٔ دستوری در ترجمه است.

– همین‌طور، همین‌جور همراه با فعل استمراری

I kept going and thinking

همین‌طور می‌رفتم و فکر می‌کردم.

– همچنان

بنای مدرسه از جنس عالی و سافل خراب گشت و خرابات همچنان معمور (امیدی تهرانی)

The college buildings, high and low, were destroyed, while the taverns continued to flourish just the same.

(E. J. Browne 1969: 4: 232)

Unfortunately, later measurements showed that the unit designated was not exactly that fraction, but they continued to use it.

متأسفانه در اندازه‌گیری‌های بعدی ثابت شد که این واحد تعیین شده دقیقاً معادل با این کسر نبود، اما همچنان از آن استفاده کردند.

– هی

She kept on saying.

هی می‌گفت، هی می‌گفت.

اما امان ازین امریکایی‌ها! می‌خواستند سر از هر چیز دربیارند. هی می‌آمدند سؤال پیچم می‌کردند.

...They kept coming and asking me all sorts of questions.

(J. Wilks 1997: 160 ; ۷۳: ۱۳۵۶)

اراذلِ شهر هم هی به‌به می‌کنند و شیرش می‌کنند.

And our ruffians keep praising her and egging her on.

(سیمین دانشور ۲۹۰: ۱۳۷۷; R. Zand 1991: 263)

— مرتباً، مرتب، دائماً

He keeps on bothering me.

مرتب مزاحم من است.

(شاپور اردشیرجی ۴۷۲: ۱۳۵۱)

Worry is like a rocking chair, keep you going but gets you nowhere.

جوش زدن به صندلی گهواره‌ای می‌ماند. دائم شما را حرکت می‌دهد، اما به جایی نمی‌رساند.

(رضی خدادادی ۲۷۹: ۱۳۸۴)

— همه‌اش

I'm so sorry to keep on caughing.

خیلی عذر می‌خواهم همه‌اش سرفه می‌کنم.

— یک‌سر، یک‌ریز، یک‌روند، پی‌درپی

Why does everybody keep asking me that [are you happy]? No, I'm not happy ...

چرا همه یک‌سر این‌را از من می‌پرسند [که شما خوش‌بختید]؟ خیر، خوش‌بخت نیستم....

(رضی خدادادی ۱۸۴: ۱۳۸۴)

در مواردی با کاربرد مضاعف یا چندگانه معادله‌ها سروکار داریم. به عبارت دیگر، مترجم از دو یا چند معادل از معادله‌های گوناگون keep و continue سود می‌برد. یکی از این معادله‌ها غالباً فرایند تکرار است. در «هی می‌گفت، هی می‌گفت» از سه معادل استفاده شده است: (۱) هی، (۲) فعل استمراری و (۳) فرایند تکرار و در «این قضایا بود و بود و بود تا ...» از دو معادل «بودن» و فرایند تکرار.

گاهی با معادله‌های منفردی نیز سروکار داریم. منظور از معادل منفرد معادلی است که تنها در مورد یک عمل و فعل صادق باشد. از «دهن کسی نیفتادن» یعنی پیوسته بر زبان کسی جاری شدن و پیوسته از زبان کسی شنیدن.

### Mac, Mc, M'

برخی از اسم‌هایی که اصالتاً اسکاتلندی‌اند با «مک» شروع می‌شوند و Mac، Mc و M' نوشته می‌شوند. مورد اخیر را گاهی مترجمان خوب هم درست ترجمه نمی‌کنند.

M' Quillian                      مک کوئیلیان

M' Dougal                        مک دوگال

-S

نشانهٔ جمع S- به نام خانوادگی انگلیسی افزوده می‌شود و به کلّ خانواده دلالت می‌کند. مثلاً Sinclairs یعنی خانوادهٔ سینکلر. در زبان رسمی می‌توان به راحتی از معادل «خانواده» استفاده کرد؛ مانند سریال کارتونی خانوادهٔ رابینسون که بارها از تلویزیون پخش شده است. اما در زبان غیررسمی نمی‌توان این معادل را به کار برد. در زبان گفتاری همین مفهوم با «-اینها» بیان می‌شود که تلفظ آن «-اینا» است. در فارسی گسترهٔ -اینا بیشتر از همتای انگلیسی‌اش است. این عنصر به موارد زیر اضافه می‌شود و از واژه پایه، اسم مجموعه می‌سازد:

۱. نام کوچک فرد: فرشته‌اینا، منوچهراینا؛

۲. نام خانوادگی: شریفی‌اینا، محسنی‌پوراینا؛

۳. نام رابطهٔ خانوادگی: مادرم‌اینا، خاله‌م‌اینا.

نام رابطه خانوادگی	نام کوچک	نام خانوادگی	
+	+	+	- اینا
-	-	+	-S

## Wonder

فعل wonder از جمله واژه‌های انگلیسی ددرساز برای مترجمان است. تشخیص معنی دقیق آن گاهی ساده نیست. عده‌ای آن را نادرست ترجمه می‌کنند و برخی هم که معنای آن را درست درک می‌کنند، از واژهٔ متناسب با سبک گفتار یا نوشتار استفاده نمی‌کنند. مثلاً کودکی در یک فیلم دوبله شده می‌گوید: «در عجبم که...» Wonder معمولاً برای بیان این امر به کار می‌رود که کسی دربارهٔ موضوعی فکر می‌کند و تلاش می‌کند دربارهٔ آن حدسی بزند یا از آن بیشتر سر در بیاورد. کاربرد دیگر wonder هنگامی است که گوینده یا نویسنده از وقوع امری یا صحت چیزی مطمئن نیست و نگران آن است و سعی می‌کند از صحت و سقم آن سر در بیاورد. شگفتی و تردید دو مؤلفهٔ معنایی اصلی این فعل است. نویسنده یا گوینده از خود می‌پرسد، در فکر فرو می‌رود و شگفت‌زده می‌شود که چرا چنین کاری انجام گرفته است.

اشاره شد که تشخیص معنای دقیق wonder گاهی سخت است. به یک فرهنگ انگلیسی و نیز به فرهنگ هزاره و فرهنگ پویا مراجعه کنید و معانی گوناگون و نزدیک این فعل را بدقت بررسی کنید. در این جا معانی اصلی این کلمه را به همراه مثال می‌آوریم.

در عجب بودن، عجب داشتن (قدیمی)

عجب داری ار بار آمرش برَم که دائم به احسان و فضلش درَم

How do you wonder if I bear the burden of his command...

(G.M. wickens 2004:974-5)

حیران بودن

I wonder where I'm gonna die  
Being neither white nor black?

حیروم که خودم کجا می‌میرم  
من که نه سیاهم نه سفید.



(سعید سعیدپور، لنگستون هیوز ۹-۳۰۸: ۱۳۸۴)

از خود پرسیدن، در حیرت بودن

He wondered from which window Hamilton Rowan has thrown his hat on the ha-ha.

(J. Joyce 1975:6)

از خود می پرسید که «همیلتون روان» کلاهش را از کدام پنجره روی پرچین انداخته.

( : )

در حیرت بود که همیلتون روان کلاهش را از کدام دریچه به روی پرچین پرتاب کرده بود.

(داریوش شاهین ؟ :)

هیچ ندانستن

من هیچ ندانم که مرا آن که سرشت از اهل بهشت کرده یا دوزخ زشت

I wonder if he who made me so well,

Has destined me to paradise or hell?

(A. and M. Aryanpour (Kashani) 1971: No. CVII عمرخيام)

در مواردی که مترجم مقوله دستوری واژه‌ها را تغییر دهد و مثلاً جمله‌واره را به قید تبدیل کند، می‌تواند از قیدهایی تعجب مانند عجا، شگفتا، ای عجب، ای شگفت، یاللعجب در مقابل wonder سود ببرد.

ندانستن، مطمئن نبودن

I wonder whether they will arrive on time.

نمی‌دانم (=مطمئن نیستم) به موقع می‌آیند یا نه.

شک داشتن (برای رساندن این نکته که نباید چنین باشد)

- Does she mean it?

منظورش این بود؟

- I wonder (about that).

شک دارم/ نباید این طور باشد/ گمان کنم این طور نباشد.

دو دل بودن

Occasionally, glancing up through the rain, wondering which of the buggers to blame.

... و دو دل بودیم که کدام حرام‌زاده را لعنت کنیم.

(م. آزاد و فرخ تمیمی ۵-۴۴: ۱۳۸۰)

فکری بودن، فکری ماندن (زبان گفتار).

He was wondering what to do.

فکری مانده بود که چه کند.

(شاپور اردشیرجی ۳۹۴: ۱۳۵۱)

– معطل ماندن که

I am wondering what to answer.

مانده‌ام معطل که چه بگویم.

یکی از روش‌های دعوت غیر رسمی و غیر تأکیدی دوستانه استفاده از ساختار I wonder if/wether است.

I wonder if you'd care to come over next weekend.

نمی‌دانم دوست داری آخر هفته بعد بیایی یا نه؟

I was wondering you're free for lunch.

وقت داری برای ناهار با من بیایی؟

**Write a poem, to**

در فارسی شعر می‌گویند یا می‌سرایند و در انگلیسی شعر را می‌نویسند. امروز برخی حتی در نشر تألیفی و گفتار فارسی عبارت گرت‌برداری شده «شعر نوشتن» را به کار می‌برند؛ انگار برای شاعران جدید فوق‌پسامدرن بر زبان آوردن «شعر نوشتن» فضیلتی است و ایشان را از شاعران دیگری که «شعر می‌گویند» متمایز و برتر می‌کند.

اگر ما به یک سردار امر کنیم مثل پروانه از این گل به آن گل بپرد یا یک منظومه بنویسد... کدام یکی مان مقصریم، ما یا او.

(احمد شاملو ۴۲: ۱۳۸۴)

منظومه «شعر» است و شاعران فارسی آن را می‌سرایند یا می‌گویند.

## آشنایی با اندیشمندان ترجمه

درباره ترجمه



فاطمه مهدی‌برزی\*

دانش آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی

(قسمت دوم)

تاریخ ترجمه تاریخی طولانی است که با مفاهیم و نظریه‌های ساده شروع شده و تا پیچیده‌ترین نظریه‌ها رشد کرده است. برای آشنایی بیشتر با رشته مطالعات ترجمه، دانشجویان این رشته می‌بایست از این نظریه‌ها و نیز نقاط ضعف و قوت آنها آگاهی داشته و از موقعیتی که این مفاهیم در آن ایجاد شده، علت گسترش یا محدود شدن آنها به دوره‌های خاص و در نتیجه میزان اهمیت آنها آگاهی داشته باشند.

به همین منظور، در مجموعه مقالاتی که با عنوان «اندیشمندان ترجمه» در این مجله به چاپ می‌رسد، دوران ترجمه را از لحاظ زمانی به بخشهای متفاوت تقسیم می‌کنیم و مشهورترین اندیشمندان و نظریه‌پردازان هر دوره را نام می‌بریم و با رویکردهای آنها آشنا می‌شویم.

## دوره سوم:

## قرون ۱۶ و ۱۷ (عصر پسا رنسانسی)

عصر احیای ارزشها و سبکهای هنری کلاسیک. اتفاقات بسیار مهمی که بین سالهای ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ روی داد منجر به پدیدار شدن عصر روشنفکری، تغییر استانداردهای زندگی و پایان قرون وسطی گردید. رنسانس کلمه‌ای است فرانسوی به معنای «تولد مجدد» و اصولاً به احیای ارزشها و سبکهای هنری منسوب می‌شود. در دوره رنسانس آثار قدیمی مورد توجه قرار گرفت و برای مردمی که در آن زمان در آثار فلسفی و مذهبی بدنبال ترجمه‌ای فراتر از ترجمه تحت‌اللفظی بوده و خواستار شنیدن معنای واقعی کلام عیسی بودند، ترجمه ارزش بیشتری پیدا کرد و بنابراین مترجمان دست به ترجمه دوباره بسیاری از متون کلاسیک زدند. به طور خلاصه در این دوره نسخه‌های لاتین متون مقدس به زبانهای دیگر ترجمه و چاپ شد؛ ضعیف شدن موقعیت کلیسا به دلیل ترجمه متون مقدس به انگلیسی و فرانسه و آلمانی منجر به ممنوعیت ترجمه این متون در قرن ۱۶ از طرف کلیسا گردید؛ مترجمان از روشی که در پیش گرفته بودند تا متون مذهبی را به زبان خود مردم ترجمه کنند، دفاع می‌کردند؛ ترجمه لوتر از انجیل در سال ۱۵۳۴ بدلیل قابل فهم بودن آن مورد توجه قرار گرفت و گرایش مترجمان به سوی ترجمه شعرگونه متون مقدس نسبت به ترجمه نثرگونه آن فزونی یافت. در آثار هنری و ادبی، مترجمان با توجه به دیدگاههای جدید تلاش می‌کردند نه تنها به هدف متن اصلی بلکه به زیبایی آن نیز

\* f\_mehdibarzi@yahoo.com

بیندیشند؛ علیرغم پیشرفتهای زیادی که در ترجمه صورت گرفت، نظریه‌های ترجمه رشد زیادی نکرد و کسی عملاً به آنها نپرداخت؛ وفاداری به متن در قرن ۱۶ محدود به کلمات نمی‌شد بلکه از آن فراتر می‌رفت؛ ترجمه تحت اللفظی به کلی رد شد؛ افراد زیادی از شغلها و موقعیتهای اجتماعی متفاوت به ترجمه روی آوردند؛ اختراع صنعت چاپ باعث گسترش ترجمه و بالارفتن علاقه مردم به فن ترجمه شد؛ ترجمه آزاد مورد تأیید مترجمان و نظریه‌پردازانی مانند کاولی و درایدن قرار گرفت؛ شخصیت نویسنده و دیگر آثار هنری وی مورد توجه قرار گرفت و مترجم می‌بایست نه تنها به متن اصلی وفادار باشد بلکه تلاش کند تا سبک و لحن گفتاری‌اش مانند سبک و لحن نویسنده باشد و در نهایت اینکه وام‌گیری رواج یافت و مترجمان معتقد بودند این عمل باعث زایایی زبان مقصد می‌شود، هرچند که در این میان عده‌ای مانند دوله با این عمل مخالف بودند و معتقد بودند بدون وام‌گیری نیز می‌توان ترجمه‌ای کامل ارائه داد.

از جمله اندیشمندان برجسته‌ای که در این دوره نقش مهمی در رشد نظریه ترجمه داشتند، می‌توان از مارتین لوتر، اتینه دوله، جورج چپمن، ایبرهم کاولی و جان درایدن نام برد.

مارتین لوتر<sup>۱</sup> (م ۱۵۴۶-۱۴۸۳)

کشیش آلمانی و بنیانگذار پروتستان در مسیحیت، که هم زبانشناسی می‌دانست و هم مطالعات زیادی در زمینه کتاب مقدس داشت. ترجمه وی از انجیل در سال ۱۵۳۴ به چاپ رسید. از دیدگاه لوتر برای آنکه کتاب مقدس برای مردم قابل فهم باشد، باید آنرا به زبان خود آنها ترجمه کرد و هدف اصلی ترجمه نیز باید قابل فهم بودن متن مقصد باشد. ترجمه وی از انجیل به زبان آلمانی، آغازی بود برای پدیدارشدن دیدگاه‌های جدید برای معادل‌سازی در ترجمه متون مقدس. وی در مواجهه با کلماتی که در زبان مقصد معادلی نداشتند، از روش‌های ذیل بهره می‌برد:



۱. ترتیب کلمات را تغییر می‌داد.
۲. از افعال معین استفاده می‌کرد.
۳. از کلمات ربط استفاده می‌کرد.
۴. واژگان عبری و یونانی را که در آلمانی معادل توجیه‌پذیری نداشتند، حذف می‌کرد.
۵. در صورت ضرورت، از عبارت به جای کلمه استفاده می‌کرد.
۶. استعاره را به غیراستعاره تبدیل می‌کرد و در صورت لزوم، عکس آنرا انجام می‌داد.
۷. به متغیرهای متنی توجه بسیار داشت.

از دلایل موفقیت وی در ترجمه انجیل می‌توان از مشورت وی با مترجمانی نام برد که با الهیات، زبان و رسومات آشنا بودند. وی از مخالفان ترجمه تحت‌اللفظی بود اگرچه تعدادی از نظریه‌پردازان قرن ۲۰ معتقدند که توجه بیش از اندازه وی به معنا باعث شده تا شکل متن مبدأ به کلی فراموش شود و تاثیری که متن انجیل به زبان عبری و یونانی داشت، در ترجمه آن به زبان آلمانی نامشهود باشد.

اتینه دوله<sup>۲</sup> (م ۱۵۴۶-۱۵۰۹)

اندیشمند فرانسوی و اولین شهید رنسانس بود. وی آثار بسیاری از نویسندگان کلاسیک را ترجمه کرد و یکی از مترجمان انجیل نیز به شمار می‌رفت. وی از اولین کسانی بود که معتقد بود ترجمه زمانی موفقیت‌آمیز خواهد بود که مستقیماً از زبان مبدأ ترجمه شود. دوله به دلیل افزودن عبارت «ابداً هیچ» به آنچه که درباره دنیای پس از مرگ در یکی از متون افلاطون نوشته شده بود، به کفر محکوم و همراه با کتابهایش در آتش سوزانده شد.



دوله اولین نظریه‌پرداز ترجمه به شمار می‌رود که بیان کرد چگونه می‌توان ترجمه خوبی از یک زبان به زبان دیگر ارائه داد. اصول وی در ترجمه به شرح ذیل است:

<sup>1</sup> Martin Luther

<sup>2</sup> Etienne Dolet

۱. مترجم باید پیش از ترجمه، از قصد نویسنده و متن کاملاً آگاهی پیدا کند.
  ۲. مترجم باید در زبان مبدأ و مقصد از دانش کامل بهره‌مند باشد.
  ۳. مترجم باید از ترجمه کلمه به کلمه بپرهیزد.
  ۴. مترجم باید از کلمات رایج در سخنان مردم عادی استفاده کند.
  ۵. مترجم باید در ترجمه اثر با استفاده از همان لحن نویسنده بتواند همان تأثیر را در خواننده ایجاد نماید.
- از دیدگاه دوله، در ترجمه می‌بایست معنا را به واژه ارجحیت داد.

### جورج چپمن<sup>۱</sup> (م ۱۶۳۴-۱۵۵۹)

شاعر و نمایشنامه‌نویس انگلیسی که «ایلیاد و اودیسه» هومر را در سال ۱۶۱۱ ترجمه کرد. نظریه ترجمه در دوره رنسانس در انگلستان مورد توجه قرار نگرفت و با وجودی که در این دوران هیچ نظریه ترجمه‌ای صراحتاً ظهور پیدا نکرد، نشانه‌هایی از رشد نظریه‌های جدید مشهود بود. از دیدگاه چپمن مترجم موفق می‌بایست اثر هنری نویسنده را عمیقاً درک کند و حتی جملات و شکل ظاهری کار وی را حفظ نماید. گرچه براساس این دیدگاه وی در ابتدا طرفدار ترجمه تحت‌اللفظی بود، یک دهه بعد دیدگاه وی تغییر کرد و ترجمه ادبی تحت‌اللفظی را مورد انتقاد قرارداد. وی تأکید کرد که زبانها ماهیت‌های متفاوتی دارند و استدلال آورد که پیدا کردن معادل برای تمامی کلمات زبان مبدأ در مقصد کاری تقریباً غیرممکن است. وی به معنا بیشتر از فرم و شکل ظاهری اهمیت می‌داد و تنها خصیصه‌ای که وی را از دیگر معاصرانش متفاوت می‌ساخت آن بود که به اعتقاد وی ترجمه زمانی امکان پذیر است که مترجم از اثر هنری متن مورد نظر و حتی از دنیای هنری نویسنده فراتر رود. دیدگاه وی را درباره ترجمه می‌توان به موارد ذیل خلاصه کرد:



۱. مترجم می‌بایست از ترجمه بسیار آزاد و یا بسیار تحت‌اللفظی اجتناب کند.
۲. ترجمه تحت‌اللفظی غیرقابل قبول است.
۳. مترجم برای ترجمه هرمتنی می‌بایست سبکی معادل سبک نویسنده انتخاب و تا حد امکان سعی کند که ظاهر متن مقصد با ظاهر متن مبدأ تطابق داشته باشد.

### آبراهام کاولی<sup>۲</sup> (م ۱۶۶۸-۱۶۱۸)

شاعر انگلیسی. وی معتقد بود که در ترجمه شعر، شکافهای معنایی بین دو زبان باعث از بین رفتن معنا می‌شود؛ بنابراین مترجم باید زیبایی‌های جدیدی به متن بیفزاید تا معانی از دست رفته را جبران کند. از دیدگاه وی مترجم می‌بایست آزادی کافی داشته باشد تا هر چه را که لازم می‌بیند، برای تصریح مواردی که در متن اصلی بصورت ضمنی آمده به متن بیفزاید. وی می‌گفت که زبانها از لحاظ دستوری و معنایی متفاوتند و بنابراین مترجم می‌بایست از معرفی هر چیزی که عجیب و نامانوس است به خواننده بپرهیزد و آنچه که باید برمتون ترجمه حاکم باشد، روح زبان مقصد و فصاحت و شیوایی آن است.



ترجمه موفق از دیدگاه کاولی ترجمه‌ای است که مفهوم مورد نظر نویسنده را برساند، تنوع اصطلاحات در آن حفظ شود و تصویر ذهنی نویسنده را حفظ کند. وی معتقد بود که زبانها از لحاظ ارزشهای فرهنگی و اجتماعی متفاوت از یکدیگرند و زمانی که دو اجتماع از لحاظ زمانی با یکدیگر متفاوتند، ترجمه از طریق یک تکنیک ساده امکان پذیر نیست و مترجم باید از تکنیکهای پویا در کار خود بهره‌مند شود.

<sup>1</sup> George Chapman

<sup>2</sup> Abraham Cowley

شاعر، نمایشنامه‌نویس و منتقد ادبی. از آثار وی می‌توان از ترجمهٔ Virgil و مقدمه‌ای بر Ovid نام برد. وی در آثار ترجمه شده خود از اصول ذیل پیروی می‌کرد:



۱. مترجم باید از زبان نویسنده آگاهی کامل داشته باشد.
  ۲. مترجم باید با افکار نویسنده آشنا باشد.
  ۳. مترجم باید با شخصیت فردی نویسنده آشنا باشد.
  ۴. مترجم باید در ترجمه، خود را با نویسنده آن اثر هماهنگ کند.
  ۵. در صورتی که اندیشه‌ها و مفاهیم در زبان مبدأ و مقصد یکسان باشد، ترجمه به راحتی صورت می‌پذیرد.
  ۶. در صورتی که اندیشه‌ها و مفاهیم در زبان مبدأ و مقصد یکسان نباشد، مترجم باید این شکاف را پر کند.
- مشخصه درایدن، اصرار به حفظ شخصیت نویسنده است تا بتوان از اثر هنری وی لذت برد و از آن تقدیر کرد. در ترجمه شعر نیز، وی معتقد بود که مترجم باید شاعر باشد.

وی ترجمه را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. ترجمهٔ لفظی (لفظ گردانی) (Metaphrase): "برگردان واژه به واژه و سطر به سطر [اثر] یک نویسنده از زبانی به زبان دیگر"<sup>۲</sup>.
  ۲. دگرگویی (Paraphrase): "ترجمه‌ای که با آزادی عمل انجام می‌شود و در آن مترجم همواره نویسنده را در نظر دارد تا هرگز محو نشود، اما آن قدر که به مفهوم مورد نظر نویسنده وفادار است از واژه‌های او متابعت نمی‌کند"<sup>۳</sup>.
  ۳. تقلید (Imitation): رویکردی که در آن مترجم "خود را آزاد می‌داند نه تنها دست به تغییر واژگان و مفاهیم بزند، بلکه هر جا مناسب می‌بیند هر دو را به کنار نهد"<sup>۴</sup>.
- واز میان این سه نوع ترجمه، وی «دگرگویی» را به «ترجمه لفظی» و «تقلید» ترجیح می‌دهد.

#### منابع:

فرحزاد، فرزانه، غلامرضا تجویدی و مزدک بلوری. فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه. شاتلورت و کاوی. تهران: یلدا قلم. ۱۳۸۵.

Ellis, R. and L. Oakley-Brawn. (1998). British Tradition. In: M. Baker. ed. *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*. London and New York: Routledge, p.p.333-347  
[http://en.wikipedia.org/wiki/George\\_Chapman](http://en.wikipedia.org/wiki/George_Chapman)

Kittel, H. and Poltermann, A. (1998). German Tradition. In: M. Baker. ed. *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*. London and New York: Routledge, p.p.418-428

Miremadi, A. (2003). *Theories of Translation and Interpretation*. Tehran: SAMT.

Munday, J. (2001). *Introducing Translation Studies: The Theories and Applications*. London and New York: Routledge.

Nida, E. (1998). Bible Translation. In: M. Baker. ed. *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*. London and New York: Routledge, p.p.22-28

<sup>۱</sup> John Dryden

## نا گفته‌هایی از ترجمه فیلم در گفتگویی با دکتر دیاز سینتاس



مصاحبه و ترجمه از: فاطمه جبارزاده

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی - دانشگاه تربیت معلم

دکتر خورخه دیاز سینتاس (Jorje Diaz-Cintas) استاد دانشگاه امپریال کالج لندن در رشته مطالعات ترجمه و به طور خاص ترجمه دیداری- شنیداری است. او همچنین در زمینه ترجمه فیلم کتاب و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآورده است. دکتر دیاز سینتاس به زبانهای اسپانیولی، انگلیسی و فرانسه آشنایی کامل دارد و مقالات و کتابهای خود را به این زبانها تألیف کرده‌است. او همچنین چندین فرهنگ دو زبانه (اسپانیولی-فرانسه، اسپانیولی-انگلیسی) منتشر کرده و سردبیر مجله تخصصی ترجمه<sup>۱</sup> می‌باشد. این مصاحبه از طریق اینترنت و در تاریخ ۲۵ فوریه، ۲۰۰۸ صورت پذیرفته. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد دکتر دیاز سینتاس می‌توانید به این نشانی مراجعه کنید:



[www.imperial.ac.uk/people/j.diaz-cintas](http://www.imperial.ac.uk/people/j.diaz-cintas)

### مقدمه

همان‌گونه که خانم مهرناز صمیمی در مقاله‌ای با عنوان کلام ما بر لبهای دیگران<sup>۲</sup> به کاستیهای ترجمه فیلم پرداخته و متذکر شده‌اند که تاکنون مقوله ترجمه فیلم به دیده اغماض نگریسته شده است، بر اهل فن نیز پوشیده نیست که قدمت پنجاه ساله ترجمه فیلم در ایران تلاشی بیش و پیش از این را می‌طلبیده است. متأسفانه تاکنون مطلب جامعی در زمینه ترجمه فیلم چاپ نشده و منبع قابل اعتمادی در دسترس علاقه‌مندان به این موضوع وجود ندارد. ترجمه فیلم در هیچ رشته و گرایشی، چه رشته سینما و چه رشته زبانهای خارجی، تدریس نمی‌شود. بنابراین هر چه در عرصه ترجمه فیلم به بازار عرضه می‌شود از دو حالت خارج نیست: یا ترجمه‌ها توسط مترجمان فیلم که عموماً ترجمه را به صورت تجربی فراگرفته‌اند انجام می‌شود یا مترجمان تازه‌کار و بعضاً افرادی با توانایی پایین علمی مبادرت به ترجمه فیلم نموده‌اند که در هر دو صورت علاوه بر علمی نبودن مبنای کار، ایرادات فراوانی هم بر آنها وارد است. توجه به موارد فوق نگارنده را بر آن داشت تا در قدم اول به صورت علمی و با

<sup>۱</sup> Translation

<sup>۲</sup> ماهنامه فیلم، شماره ۲۲۷، ص ۱۰-۸

مراجعه به مرجعی قابل اعتماد که سالها در این زمینه تحقیق و تدریس نموده است، اطلاعاتی در کم و کیف و چند و چون ترجمه فیلم به دست آورد.

**در آغاز تقاضا می‌کنم تعریفی کوتاه و در عین حال جامع و مانع از ترجمه فیلم (یا به عبارتی ترجمه دیداری- شنیداری) ارائه دهید؟**

ترجمه فیلم پدیده‌ای نوظهور در مطالعات ترجمه است که در برگیرنده «فرآیند ترجمه» در رسانه‌های دیداری- شنیداری است. لفظ ترجمه فیلم، واژه‌ای عام است و به ترجمه کلیه تولیدات دیداری- شنیداری که در آنها صورت کلامی با دیگر عناصر رسانه‌ای همراه می‌شوند اطلاق می‌گردد. در مواردی چون آواها و برنامه‌های رادیویی، پیام صرفاً به صورت شنیداری منتقل می‌شود. در موارد دیگری مانند تصاویر فکاهی بدون کلام (نوشتار) که عموماً در مجلات چاپ می‌شوند و یا تبلیغات بدون کلام و موارد مشابه، صرفاً بعد دیداری مد نظر است و کلام در کار نیست. در تولیدات دیگر دیداری- شنیداری مانند فیلم‌های سینمایی، داستانی، مستند و سریالها از هر دو بعد انتقال پیام استفاده می‌شود. زمانی ما از اصطلاح ترجمه فیلم استفاده می‌کنیم که تصویر و صدا و کلام همزمان، موازی هم قرار بگیرند. این همزمانی چندگانه (تصویر، صدا و کلام) از موانع و محدودیت‌های ترجمه فیلم به شمار می‌آید. برخی از انواع ترجمه که به عنوان زیر مجموعه ترجمه فیلم از آنها یاد می‌شود عبارتند از دوبله، صدا روی تصویر، زیرنویس، میان‌نویس، زیرنویس برای ناشنویان و کم شنوایان و توصیف شنیداری برای نابینایان.

**چرا علی‌رغم اهمیت ترجمه دیداری- شنیداری، خصوصاً ترجمه فیلم، در دنیای امروز این نوع ترجمه هنوز در حاشیه است؟**

معتقدم دلایل زیادی سبب در حاشیه بودن و تا حدودی در حاشیه ماندن این نوع ترجمه بوده است. برخی از دلایل عبارتند از:

- ترجمه فیلم تا حد زیادی وابسته به تکنیک و فناوری است و همین مسئله باعث شده بسیاری از اساتید به جهت پیچیدگی آن تمایلی برای ورود به این حوزه نداشته باشند.
- فناوری به سرعت در حال تغییر و توسعه است و باز هم بسیاری از اساتید تمایلی به همراهی و همگامی با این تغییرات سریع و صرف وقت برای به روز شدن ندارند.
- وابستگی این رشته و این نوع ترجمه به فناوری و گران بودن آن سبب شده تا بسیاری از دانشگاهها توانایی مالی دایر کردن این دوره‌ها را نداشته باشند. به عنوان مثال نرم‌افزارهای زیرنویسی حرفه‌ای بسیار گران هستند.
- مطالعات ترجمه از دیرباز بیشتر به انواع ترجمه مکتوب (خصوصاً ترجمه ادبی) توجه نشان داده و همین امر سبب به حاشیه رانده شدن انواع دیگر ترجمه از جمله ترجمه شفاهی و ترجمه فیلم بوده است.
- و نهایتاً، اساتید چه از نظر تئوری و چه عملی برای تدریس این رشته آموزش نمی‌بینند و از آمادگی لازم برخوردار نیستند.

**به نظر شما کدام نظریه در مبحث ترجمه فیلم تأثیرگذار و کارساز بوده است؟**

با توجه به جوان بودن این نوع ترجمه، هنوز از دیدگاه نظریه‌های مختلف ترجمه به آن پرداخته نشده، اگرچه نظریه‌هایی مانند «نظریه نظامگان»<sup>۱</sup> و «مطالعه توصیفی ترجمه»<sup>۲</sup> بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. تأثیر مکتب مطالعات توصیفی بر حوزه ترجمه فیلم مربوط می‌شود به همزمانی پاگرفتن ترجمه فیلم (سالهای ۱۹۹۰- ۱۹۸۰) و تأثیر گسترده این مکتب بر تمامی حوزه‌های ترجمه. در حال حاضر بسیاری از پایان‌نامه‌های دکترا با محوریت ترجمه فیلم و با تأکید بر مباحثی چون هنجارها<sup>۳</sup> یا نظریه نظامگان نوشته می‌شوند.

<sup>۱</sup> Polysystem theory

<sup>۲</sup> Descriptive translation studies

<sup>۳</sup> Norm



چرا برخلاف نیاز روز افزون به ترجمه تولیدات دیداری - شنیداری در هیچ دانشگاهی دوره تخصصی یا گرایشی به نام ترجمه فیلم وجود ندارد؟

البته الان دیگر اینطور نیست که شما می‌فرمایید. حداقل در اروپا شاهد هستیم که بسیاری از دانشگاهها متوجه اهمیت ترجمه فیلم شده‌اند و در برخی از آنها دوره‌های عالی تربیت مترجم دایر گردیده است. به عنوان مثال در انگلستان در دانشگاههای ذیل دوره‌های ترجمه فیلم برقرار می‌باشد:

\_ دانشگاه رهمپتون

[www.roehampton.ac.uk/pg/avt](http://www.roehampton.ac.uk/pg/avt)

\_ دانشگاه لیدز

[www.smlc.leeds.ac.uk/cts/cts\\_content/ma\\_programmes/masts.asp](http://www.smlc.leeds.ac.uk/cts/cts_content/ma_programmes/masts.asp)

\_ دانشگاه شفیلد

[www.shef.ac.uk/mltc/courses/pg/subtitling](http://www.shef.ac.uk/mltc/courses/pg/subtitling)

\_ دانشگاه منچستر

[www.art.man.ac.uk/SML/ctis/MA](http://www.art.man.ac.uk/SML/ctis/MA)

\_ دانشگاه ساری

[www.surrey.ac.uk/postgraduate/arts/taught/audiovisual.htm](http://www.surrey.ac.uk/postgraduate/arts/taught/audiovisual.htm)

همچنین در کشورهای اسپانیا، فرانسه و ایتالیا دوره‌های تخصصی ترجمه فیلم به شرح زیر برگزار می‌گردد:

\_ دانشگاه آتونوما، بارسلون، اسپانیا

[www.fti.uab.es/audiovisual](http://www.fti.uab.es/audiovisual)

\_ دانشگاه مجازی آتونوما، بارسلون، اسپانیا

[www.fti.uab.es/onptav/indexcast.htm](http://www.fti.uab.es/onptav/indexcast.htm)

\_ دانشگاه بولونیا، فورلی، ایتالیا

<http://masterst2008.sitlec.unibo.it/info.htm>

\_ اطلاعات مربوط به دوره تخصصی ترجمه فیلم در فرانسه

<http://membres.lycos.fr/yanonline/filieres.html>

### چه روشی را می‌توان به عنوان بهترین روش تدریس ترجمه فیلم در نظر گرفت؟

فکر نمی‌کنم بشود از یک روش خاص برای تدریس ترجمه فیلم استفاده کرد. درحقیقت، معتقدم ترجمه فیلم دارای ویژگی چند رشته‌ای است و کسانی که علاقه مند به گذراندن دوره‌های آن هستند و می‌خواهند در آینده ترجمه فیلم انجام دهند می‌بایست با علوم مختلفی چون سینما، ارتباطات، مطالعات ترجمه و زبان‌شناسی آشنایی کافی داشته باشند.

آیا ترجمه فیلم مشمول قانون کپی رایت ( حقوق معنوی اثر) است؟ اگر جواب شما مثبت است، پس چرا شرکتهای تولیدکننده، فیلمها را زیرنویس شده وارد بازار نمی‌کنند؟ بسیاری از فیلمهایی که در ایران به دست ما می‌رسد در دبی زیرنویس می‌شوند و اغلب پر از اشتباه هستند!

فیلم هم مثل کتاب مشمول قانون حقوق معنوی اثر است. مسئله این است که شرکتهای تولیدکننده فیلم حقوق معنوی ترجمه فیلم را به شرکتهای و مؤسسات ترجمه فیلم که بعضاً در کشورهای دیگر هستند، واگذار می‌کنند؛ مخصوصاً در زمینه زیرنویسی، شرکتهای چند ملیتی ای هستند که شعبات اصلی آنها در شهرهای لندن و لس‌آنجلس و شعبات فرعی و اقماری آنها در دیگر نقاط دنیا قرار دارند. به همین دلیل گاهی اوقات یک فیلم دو یا چند بار ترجمه یا زیرنویس می‌شود. به عنوان مثال در حالی که بسیاری از فیلمهای موفق آمریکایی در داخل آمریکا یا انگلستان به زبانهای ایتالیایی و عربی زیرنویس شده‌اند، باز در داخل ایتالیا یا مصر به عربی یا ایتالیایی زیرنویس شده و برای نمایش در سینما یا تلویزیون عرضه می‌شوند. بنابر این، ملاحظه

می‌کنید که بعضی فیلمها چند بار زیرنویسی می‌شوند، در مورد فیلمهایی که در ایران توزیع می‌شوند مطمئن نیستیم که آیا این فیلمها در دبی زیرنویسی می‌شوند. اگر این‌طور باشد، ممکن است توسط شعبات شرکتهای اصلی که مسئولیت زیرنویسی و توزیع فیلمها را در خاورمیانه به عهده دارند صورت گرفته باشد.

**به نظر شما چالشهای ترجمه فیلم کدامها هستند؟ می‌گوییم چالشها، چرا که گاهی مواردی پیش می‌آید که مترجم واقعاً با مشکل روبه‌رو می‌شود؟**

اصلی‌ترین دلیل چالشهایی که مترجم فیلم با آنها روبرو می‌شود این است که ارتباط تنگاتنگی بین آنچه گفته می‌شود و آنچه تماشاگر می‌بیند وجود دارد. اجازه دهید با یک مثال ساده این مسئله را توضیح بدهم. اگر در گفتگوی فیلمی شخصی بگوید «اشکالی دارد اگر در را باز کنم؟» دیگری سرش را به علامت نفی تکان دهد و بگوید «نه!» و آن شخص در را باز کند، این حالت خاص تأیید با «نه» گفتن می‌بایست کاملاً در ترجمه نمود پیدا کند. حال اگر همین عبارت در زبان مقصد (مثلاً اسپانیولی) این‌طور ترجمه شود که «می‌شود در را باز کنم؟» یا «می‌توانم در را باز کنم؟» «جوابش مسلماً می‌شود «بله». در اینجا ترجمه از نظر معنایی درست است اما با تصویر همخوانی ندارد! پس این می‌شود یک مثال از چالشهای ترجمه فیلم. گاهی ترجمه برخی فیلمها و کلیپها تقریباً ناممکن می‌شود به عنوان مثال در انیمیشنی با نام *Symphony in slang* به کارگردانی تکس اوری (۱۹۵۱) تقریباً کل داستان بر مبنای طنز موقعیت و برداشتهای لفظی عبارات می‌باشد، مثلاً در جایی گفته می‌شود «بیرون باران شدیدی از سگ و گربه می‌آید!»<sup>۱</sup> و در تصویر از آسمان سگ و گربه می‌افتند پایین! برای مشاهده این کلیپ می‌توانید به سایت‌های زیر مراجعه کنید:

[www.youtube.com/watch?v=invMNZ8leLI](http://www.youtube.com/watch?v=invMNZ8leLI)

[www.metacafe.com/watch/513494/silly\\_symphony\\_symphony\\_in\\_slang](http://www.metacafe.com/watch/513494/silly_symphony_symphony_in_slang)

ترجمه چنین مواردی برای مخاطبانی که با فرهنگ مبدأ (جایی که فیلم در آنجا ساخته شده) آشنایی ندارند تقریباً ناممکن است؛ بنابراین ترجمه طنز یکی دیگر از مشکلات و دردسرهای پیش روی مترجم است، چرا که لطیفه‌ها و بازی کلمات مستقیماً به بافت برون زبانی<sup>۲</sup> و موقعیتی که در آن اتفاق می‌افتند وابسته هستند. از دیگر موارد چالش برانگیز می‌شود به موارد فرهنگ ویژه‌ای (نام فروشگاه، اسامی افراد خاص و مشهور و غذاهای خاص یک فرهنگ) اشاره کرد که برای مخاطب مقصد (خارجی) ناآشنا هستند. ممکن است جستجو برای یافتن معادل مناسب برای چنین مواردی تجربه‌ای جدید برای آشنایی با ملل و فرهنگهای دیگر باشد، اما در عین حال یافتن برابرنهاد (معادل) مناسب برای مترجم مشکل‌آفرین و چالش‌برانگیز است.

**همان‌طور که می‌دانید معمولاً فیلمها را به دو روش ترجمه می‌کنند: یکی با استفاده از متن دیالوگ‌ها و دیگری به روش تماشای فیلم، به نظر شما کدام‌یک از این روشها بهتر است؟**

بدون شک بهترین روش ترجمه فیلم و انواع تولیدات دیداری \_ شنیداری از طریق تماشای آن است. نسخه کتبی گفتگوها برای ارائه ترجمه‌ای قابل قبول کافی نیست و مترجمان می‌بایست به نسخه دیداری \_ شنیداری فیلم هم دسترسی داشته باشند. از همه مهمتر، توجه به کیفیت ترجمه‌هاست. اخیراً متوجه افت استانداردهای کیفی ترجمه فیلم شده‌ام و معتقدم که همگی ما می‌بایست در جهت بالابردن و حفظ استانداردهای کیفی تلاش کنیم.

**آیا مترجم فیلم باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد؟ یا هر فردی که به دو زبان مبدأ و مقصد فیلم آشنایی داشته باشد می‌تواند بالقوه مترجم خوبی باشد؟**

کاملاً واضح است که برای مترجم خوب بودن در هر حوزه‌ای اعم از ترجمه ادبی، هنری، رسانه‌ای، حقوقی، فنی و دیگر متون، صرفاً تسلط بر دو زبان کافی نیست و حتی به جرئت می‌توانم بگویم که حتی شناخت هر دو فرهنگ هم کافی نیست. ترجمه حرفه‌ای است که نیاز به دانش و آموختن روشهای خاص ترجمه متون مختلف دارد. پس از سالها مطالعه و تدریس در حوزه

۱. به این معنی اصطلاحی که باران شدیدی می‌بارد! It's raining cats dogs ترجمه تحت‌اللفظی

2. context

3. culture-specific

ترجمه فیلم و زیر شاخه‌های آن معتقدند که در درجه اول مترجم فیلم بالقوه یک مترجم است و با مترجمان حوزه‌های دیگر تفاوت چندانی ندارد، فردی که علاقه‌مند به ترجمه فیلم است می‌بایست تجربه انواع دیگر ترجمه را نیز داشته باشد. در کل مترجمان فیلم می‌بایست آشنایی و علاقه به کار در سطوح مختلف زبانی (محواره، عامیانه، رسمی و انواع دیگر) را داشته باشند. گفتگوها می‌بایست همان‌گونه باز تولید و ترجمه شوند که گویی از زبان شخصیت اصلی گفته می‌شوند. به طور اخص در زمینه زیرنویسی انتظار من این است که مترجمان کاملاً با تکنیک‌های زیرنویسی و برنامه‌های کامپیوتری زیرنویسی آشنا بوده و علاقه و اشتیاق به یادگیری و سازگاری با این برنامه‌ها را داشته باشند. همچنین مترجمان فیلم می‌بایست تا حدودی با فیلم، دیالوگ‌نویسی و صنعت سینما آشنایی داشته باشند.

#### مترجم تا چه حد می‌تواند در ترجمه فیلم تغییر ایجاد کند یا به تعبیری آن را دست‌کاری کند؟

وقتی فیلمی ترجمه می‌شود (مخصوصاً وقتی زیرنویسی می‌شود) به‌سختی می‌توان تغییری ایجاد کرد که از دید تماشاگر پنهان بماند. مخصوصاً وقتی زبان اصلی فیلم به انگلیسی باشد کار سخت‌تر هم می‌شود، چون معمولاً افراد تا حدی انگلیسی می‌دانند و خیلی سریع متوجه این تغییرات می‌شوند، در دوبله که ما معمولاً گفتار ترجمه را جایگزین گفتار اصلی می‌کنیم و تماشاگر به اصل گفتگوها دسترسی ندارد می‌توان تغییراتی اعمال کرد؛ البته تا زمانی که طول جمله‌های گفته شده توسط دوبلور با حرکت لبهای<sup>۱</sup> بازیگر یا بازیگران فیلم هماهنگی داشته باشد مجاز به تغییر هستیم. نوع دیگر تغییر، حذف و سانسور صحنه‌هایی از فیلم است که توسط مترجمان صورت نمی‌گیرد، این تغییرات معمولاً توسط وزارت فرهنگ کشورها و بر اساس اصول ممیزی جاری در هر کشور انجام می‌پذیرد. در زمان دیکتاتوری فرانکو (1957\_ 1939) در اسپانیا دوبله بسیاری از فیلم‌ها از جمله کازابلانکا و موگامبو دستخوش تغییر و سانسور شده که بیشتر به دلایل سیاسی آن زمان بود.

معمولاً برای تمام علوم و زیرشاخه‌های آنها فرهنگ‌های مختص مترجمان آن رشته‌ها تدوین شده‌است، اما در

#### حوزه ترجمه فیلم فرهنگی به نام فرهنگ ترجمه فیلم نداریم، دلیل این فقدان چیست؟

در هر حال حاضر به کمک اینترنت بسیاری از مشکلات و کاستی‌ها در حال برطرف شدن است، اگر چه می‌پذیریم که سرعت توسعه در این حوزه در مقایسه با دیگر حوزه‌های ترجمه نسبتاً کند بوده است. بسته به اینکه مترجم با چه زبان‌هایی سرو کار دارد می‌توان فرهنگی را در اینترنت جستجو کرد. از میان فرهنگ‌های تک‌زبانه (خصوصاً انگلیسی) بهترین فرهنگ را می‌توان در اینجا یافت:

[http://homepage.newschool.edu/~schlemoj/film\\_courses/glossary\\_of\\_film\\_terms](http://homepage.newschool.edu/~schlemoj/film_courses/glossary_of_film_terms)  
[www.imdb.com/Glossary](http://www.imdb.com/Glossary)

فرهنگ‌های مفید به زبان اسپانیولی:

[http://home.snafu.de/ohei/ofd/moviedict\\_s.html](http://home.snafu.de/ohei/ofd/moviedict_s.html)

و اما اگر مترجمی به فرهنگی نیاز داشته باشد که در برگیرنده ترجمه گفتگوهای فیلم باشد می‌تواند به فرهنگ اینترنتی Urban که شامل جدیدترین مدخل‌های اصطلاحات کوچه بازاری و محاوره‌ای استفاده شده در فیلم‌هاست مراجعه کند:  
[www.urbandictionary.com](http://www.urbandictionary.com)

<sup>1</sup> lip synchronization

به عنوان آخرین سؤال پیش‌بینی شما برای تحولات و پیشرفت‌های آتی (چه در تئوری و چه در عمل) در زمینه ترجمه فیلم چیست؟

امروزه ترجمه فیلم به نوعی در همه جوامع باب شده و به جهت ارتباط ذاتی آن با فناوری و حضور همه جانبه تولیدات دیداری\_ شنیداری در جوامع، پیش‌بینی می‌شود آینده خوبی در انتظار ترجمه فیلم باشد. بدون شک این گونه از ترجمه در سالهای آتی تغییر و تحولات زیادی خواهد داشت. درست است که نمی‌بایست پیشرفتهای این حوزه را نادیده بگیریم اما باید از نظر علمی آمادگی لازم را برای رویارویی با چالش‌های پیش روی مترجمان داشته باشیم. در مورد پیشرفت‌های نظری به آینده این حوزه بسیار خوش‌بین هستم. ترجمه فیلم از پویاترین، جالب‌ترین و پیچیده‌ترین گونه‌های ترجمه به شمار می‌آید که امروزه بسیاری از محققان و دانشجویان جوان را جلب و جذب کرده است و همین امر از آینده خوب این رشته خبر می‌دهد. ترجمه فیلم تجربه توسعه و تبدیل شدن به رشته تحصیلی را از سر گذرانده و پیامد تحولات آن به وجود آمدن انجمن‌هایی چون: ESIST (www.esist.org) و تعدد آثار منتشره در این حوزه و برگزاری سمینارهایی با محوریت ترجمه دیداری\_ شنیداری بوده است.

کنفرانس‌هایی در سال جاری برگزار خواهند شد:

\_ ترجمه فیلم و رویکردهای بین رشته‌ای

مون پوله فرانسه ۲۱۰\_ ۱۹ ژوئن ۲۰۰۸

[http://recherche.univ-montp3.fr/traduction\\_audiovisuelle](http://recherche.univ-montp3.fr/traduction_audiovisuelle)

\_ زبان و رسانه

برلین، آلمان، ۳۱ - ۲۹ اکتبر ۲۰۰۸

[www.languages-media.com](http://www.languages-media.com)

از نظر عملی (کمی) ترجمه فیلم از موقعیت قابل قبولی برخوردار است. با اختراع دی وی دی، زیرنویسی و دوبله چندین برابر رشد داشته است. همه روزه تعداد روزافزونی برنامه و تولیدات دیداری\_ شنیداری تولید و به بازارهای جهانی عرضه می‌شود. اینترنت هم می‌تواند زمینه رشد این نوع ترجمه را فراهم کند، چرا که بسیاری از شرکتها پیامهای تبلیغاتی یا حتی خود تولیدات دیداری- شنیداری را از طریق اینترنت ارائه می‌کنند. مواردی که به نظر من می‌بایست بیشتر مد نظر قرار گیرند استاندارد و کیفیت ترجمه است. همان‌طور که قبلاً هم گفتم تاکنون در این دو مورد غفلت شده است. سرعت زیاد تولید فیلم و نیاز به ترجمه سریع آنها باعث افت کیفیت ترجمه‌ها مخصوصاً زیرنویسی شده است. صاحب‌نظران این رشته با ایجاد تشکلهایی چون انجمن زیرنویسی:

[www.subtitlers.org.uk](http://www.subtitlers.org.uk)

و انجمن مترجمان تولیدات دیداری\_ شنیداری

[www.navio.no/avt](http://www.navio.no/avt)

در صدد رفع مشکلات و موانع هستند. من نیز امیدوارم چشم‌انداز روشنی در انتظار این نوع ترجمه باشد.

بسیار از شما ممنون و سپاسگزارم که در این مصاحبه شرکت کردید.

من نیز از دعوت شما برای مصاحبه و توجهتان به این مقوله تشکر می‌کنم.

## کتابشناسی ترجمه

## کتابشناسی آثار فارسی درباره ترجمه

سید حسین حیدریان

کتابشناسی حاضر مجموعه کامل شده‌ای است از کتابهای معرفی شده در منابعی که در چند سال اخیر از جمله در فصلنامه پل فیروزه (سال چهارم، شماره پانزدهم، بهار ۱۳۸۴) و فصلنامه مطالعات ترجمه (سال اول، شماره دوم) به چاپ رسیده است. در واقع بعداً برخی منابع در دسترس به این فهرستها اضافه شده است. مجله پل فیروزه همچنین مشخصات مقالاتی را که در خصوص ترجمه به چاپ رسیده ذکر کرده است، که با توجه به دلایلی از جمله حجم بالای مقالات چاپ شده در دو سه سال اخیر، که روزبه‌روز نیز افزایش می‌یابد، از نظر عملی کاربردی نداشته است و ما نیز در اینجا آنها را ذکر نکرده‌ایم.

گردآورنده کتابشناسی مجله پل فیروزه معتقد است: «... پژوهش درباره ترجمه طی بیست سال اخیر به راستی شکوفا بوده است». به نظر می‌رسد برپایی دوره‌های تکمیلی ترجمه در ایران طی پنج سال اخیر، نوید نشر آثار بیشتری را درباره ترجمه به جامعه فرهنگی ایران می‌دهد. در هر صورت، تعداد کم کتابهای تألیف و ترجمه شده مرتبط با رشته نوپای مطالعات ترجمه از همین فهرست هویداست.

کتابشناسی حاضر اگرچه ممکن است جدیدترین منبع برای رجوع علاقه‌مندان به ترجمه باشد ولی یقیناً شامل همه آثار به چاپ رسیده در این خصوص نیست.

۱. آذرنوش، آذرتاش. *تاریخچه ترجمه از عربی به فارسی (از آغاز تا عصر صفوی)*: ۱- ترجمه های قرآنی. تهران: سروش، ۱۳۷۵.
۲. افشار، مهدی. *سی سال ترجمه، سی سال تجربه*. تهران: انوار دانش، ۱۳۷۷، ۱۳۸۲ ص.
۳. الهی قمشه‌ای، حسین. *بررسی ترجمه انگلیس متون اسلامی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۲. ۱۶۸ ص. چاپ نهم.
۴. امام، عباس. *از ترجمه (شانزده مقاله در زمینه مسائل نظری و عملی ترجمه)*. اهواز: خالدین، ۱۳۷۸. ۲۵۶ ص.
۵. باشتنی، موسی‌الرضا؛ مهین فضالی جوان و عباس کیهانفر. *فهرست کتابهای فارسی شده چایی از آغاز تا سال ۱۳۷۰*. زیر نظر محسن ناجی نصر آبادی. تهران: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۰. ۴ جلد.
۶. بزرگر، احمد. *شاهکارهای ترجمه فارسی معاصر*. تهران: معرفت، ۱۳۳۹. ۴۲۰ ص.
۷. بزرگمهر، شیرین. *تأثیر ترجمه متون نمایشی بر تئاتر ایران*. تهران: تبیان، ۱۳۷۹. ۵۳۲ ص.
۸. بوستانی خراسانی، مجدالعلای. *طریقه ترجمه*. تهران: ارمغان، ۱۳۱۳. ۱۴۳ ص.

۹. بهرام پور، ابوالفضل. روش ترجمه آسان قرآن کریم، ویژه جوانان. قم: هجرت، ۱۳۸۱. ۱۲۴ص.
۱۰. بینارق، عصمت و خالدان. کتابشناسی جهانی ترجمه‌ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید به شصت و پنج زبان. ترجمه محمد آصف فکرت. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۳. ۳۵۹ص.
۱۱. بازارگادی، علاءالدین. فنون ترجمه پیشرفته فارسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی. تهران: رهنما، ۱۳۷۸. ۲۵۴ص.
۱۲. \_\_\_\_\_ . فن ترجمه انگلیسی. تهران: ابن سینا، ۱۳۵۱. ۳۶۲ص.
۱۳. پورجوادی، نصرالله. درباره ترجمه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵. ۳۳۵ص.
۱۴. تجویدی، غلامرضا. ترجمه متون سیاسی (رشته مترجمی زبان انگلیسی). تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲. ۲۲۰ص چاپ دوم.
۱۵. \_\_\_\_\_ . ترجمه متون علوم انسانی. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲. ۱۹۶ص. چاپ سوم.
۱۶. \_\_\_\_\_ . ترجمه متون مطبوعاتی. ویراستار رضا نیلی پور. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲. جلد اول (چاپ چهارم)؛ جلد دوم (چاپ سوم)
۱۷. توانگر، هوشنگ. ترجمه مکاتبات و اسناد. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲. ۲ جلد چاپ دوم.
۱۸. جعفری گهر، منوچهر. ترجمه متون اقتصادی (رشته مترجمی زبان انگلیسی). تهران: دانشگاه پیام نور. ۱۳۸۲، ۳۲۴ص. چاپ سوم.
۱۹. \_\_\_\_\_ . ترجمه نوار و فیلم. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲. ۴۰۴ص. چاپ دوم.
۲۰. جمشیدی پور، یوسف. انشاء انگلیسی شامل جمله نویسی، پاراگراف نویسی، داستان نویسی، نامه نگاری، مقاله نویسی، فن ترجمه و صدها مقاله و داستان و نامه. تهران: فروغی، ۱۳۴۴. ۵۱۹ص.
۲۱. حسن، محمد عبدالغنی. فن ترجمه در ادبیات عرب. مشهد: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶. ۲۴۶ص.
۲۲. حسینی، صالح. نظری به ترجمه. تهران: نیلوفر، ۱۳۸۲. ۲۱۶ص. چاپ دوم.
۲۳. خزاعی فر، علی. ترجمه فنون ادبی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۲. ۱۹۲ص.
۲۴. \_\_\_\_\_ . مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران. مشهد: بنفشه، ۱۳۸۰. ۴۱۰ص.
۲۵. دانشگاه علامه طباطبایی. جهاد دانشگاهی. مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل ترجمه. تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴. ۱۲۳ص.
۲۶. دانشوری نصرآبادی، رضا. گامهایی نوین در درک و ترجمه متون انگلیسی. کاشان: مرسل، ۱۳۸۰. ۱۴۴ص. چاپ چهارم.
۲۷. رایبسون، داگلاس. مترجم شدن. ترجمه رضی هیرمندی، ویراستار علی اکبر رزدام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰. ۲۸۶ص.
۲۸. رادفر، ابوالقاسم. کتابشناسی ترجمه‌های قرآن به زبانهای خارجی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز)، ۱۳۸۳. ۲۸۰ص.
۲۹. راهی، اختر. ترجمه‌های متون فارسی به زبانهای پاکستانی. لاهور: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۵. ۴۹۶ص.
۳۰. رشیدی، غلامرضا. ترجمه و مترجم: آموزش اصول و قواعد اساسی ترجمه؛ درسنامه ای قابل استفاده برای استادان، مترجمان .... ویراستاران شهره شاهسونی، محمدرضا مصباحی. مشهد: به‌نشر، ۱۳۸۲. ۱۷۸ص. چاپ ششم.

۳۱. سارلی، اراز محمد. ترجمه: عربی به فارسی، فارسی به عربی برای دانشجویان دوره کارشناسی رشته الهیات و معارف اسلامی و ... گنبد کاووس: مختومقلی فراغی، ۱۳۷۸. ۲ جلد.
۳۲. سلمانی زاده، جواد. تاریخ ترجمه قرآن در جهان. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹. ۱۶۷ص.
۳۳. \_\_\_\_\_ . تاریخ سیر ترجمه قرآن در اروپا و آسیا. تهران: ابن سینا، ۱۳۴۲. ۱۲۰ + ۳۰ص.
۳۴. سید کماری، سید نصیر. آموزش و ترجمه قرآن (در چهل جلسه). تهران: فردوس، ۱۳۸۱. ۱۹۲ص.
۳۵. شمس آبادی، حسین. تئوری ترجمه و ترجمه کاربردی از عربی به فارسی. تهران: چاپار، ۱۳۸۰. ۲۲۶ص.
۳۶. صارمی، ابوطالب. راهنمای ترجمه. [بی جا]. چاپخانه شهاب، [بی تا]. صفحه شمار گوناگون.
۳۷. صباغیان، محمد جاوید. فرهنگ ترجمه و قصه‌های قرآن مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری. مشهد: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸. هشت + ۳۳۵ص.
۳۸. صدری افشار، غلامحسین و دیگران. فرهنگ مترجم. تهران: نشر آفتاب، ۱۳۶۳. ۴۸ + ۲۴۰ص.
۳۹. صفارزاده، طاهره. اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد علمی آثار مترجمان. تهران: همراه، ۱۳۸۰. ۱۷۶ص. چاپ هشتم.
۴۰. صفوی، کورش. هفت گفتار درباره ترجمه: مبانی، نسبت، سبک، هم معنایی و چند معنایی. تهران، مرکز کتاب ماد، ۱۳۸۲. ۸۰ ص چاپ نهم.
۴۱. صلح‌جو، علی. گفتمان و ترجمه. تهران: مرکز کتاب ماد، ۱۳۷۷. ۱۲۱ص.
۴۲. عزیدفتری. بهروز. گلبانگ عافیت (۴۲ گفتار) در پهنه ادبیات، زبان، ترجمه و اندیشه های علمی وادبی سمنوویچ ویگوتسکی. تبریز: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۲. ۹۶۲ص.
۴۳. عسگری، مهناز. مترجم. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی. کتاب فلک، ۱۳۸۲. ۱۶ص.
۴۴. عظیم‌پور، عظیم. اختلاف ترجمه‌های قرآن کریم. با مقدمه آذرتاش آذرنوش. تهران: ماه رنگ، ۱۳۸۳. ۲۲۳ص.
۴۵. عقیلی آشتیانی، علی اکبر. بررسی آثار ترجمه شده اسلامی. قم: انصاریان، ۱۳۸۰-۱۳۷۸. ۲ جلد.
۴۶. علیمحمدی، محمود. ترجمه شفاهی (رشته مترجمی زبان انگلیسی). تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲. ۲۱۶ص. چاپ چهارم.
۴۷. غفرانی، محمد؛ خلیل‌الله امینی. درس‌هایی در ترجمه. قم: شهریار، ۱۳۷۸. ۳۱۲ص.
۴۸. فرحزاد، فرزانه. نخستین درسهای ترجمه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹. ۹۶ص.
۴۹. فرحزاد، فرزانه، غلامرضا تجویدی و مزدک بلوری. فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه. شاتلورت و کاوی. تهران: یلدا قلم. ۱۳۸۵.
۵۰. فرزانه، بابک؛ عنایت‌الله فاتحی نژاد. آیین ترجمه: عربی به فارسی - فارسی به عربی. تهران: محبوب، ۱۳۷۸. ۱۹۶ص. چاپ دوم.
۵۱. دلیل، ژان. تحلیل کلام روشی برای ترجمه: نظریه و کاربرد. ترجمه دکتر اسماعیل فقیه، تهران: رهنما، ۱۳۸۱. ۱۹۳ص.
۵۲. قاضی، محمد. سرگذشت ترجمه‌های من. تهران: روایت، ۱۳۷۳. ۶۴۸ص.
۵۳. قشمی، کامبیز. تاریخچه ترجمه زبان فرانسه در ایران و مروری بر علم ترجمه و تحولات آن. ویراستار سحر قشمی. تهران: حکایت، ۱۳۸۰. ۱۳۲ص.
۵۴. قلی‌زاده، حیدر. مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم. تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۸۱. ۲۹۱ص.
۵۵. کبیری، قاسم. اصول و روش ترجمه. تهران: رهنما، ۱۳۸۲. ۱۴۴ص. چاپ سوم.
۵۶. کت‌فورد، جان کانیس. یک نظریه ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی: رساله‌ای در زبان‌شناسی کاربردی. تهران: نشر نی، ۱۳۷۰. ۱۸۸ص.

۵۷. کزازی، جلال الدین. ترجمان و تریزبانی (کندو کاوی در هنر ترجمه). تهران: جامی، ۱۳۷۴. ۱۲۸ص.
۵۸. کنارسی، فاطمه، کتابشناسی رمان و مجموعه‌های داستانی مترجم پیش از مشروطیت تا ۱۳۷۴. زیر نظر مهدی افشار. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۷. ۲ جلد.
۵۹. کوشا، محمد علی. ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد. رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۲. ۲۸۰ص.
۶۰. کیا، فرامرز. کتابهای علوم اجتماعی ترجمه شده در ایران. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مرکز تحقیقات اجتماعی و ارزشیابی برنامه ها، ۱۳۶۲. ۲۲۰ص.
۶۱. گنتزler، ادوین. نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر. ترجمه: علی صلح جو. تهران: هرمس، ۱۳۸۰. ۳۰۸ص.
۶۲. گوتاس، دیمتری. فکر یونانی فرهنگ عربی زمینه‌های اجتماعی-سیاسی نهضت ترجمه در خلافت عباسی (قرن دوم تا چهارم هجری). ترجمه فرهاد مشتاق صفت. تهران: کتاب روز، ۱۳۸۰. ۳۲۲ص.
۶۳. لامنس، هنری. دوره پیشرفته ترجمه، فرانسه-عربی. بیروت: مجلس معارف، ۱۸۹۱م. ۱۲۸ص.
۶۴. لطفی پور ساعدی، کاظم. درآمدی به اصول و روش ترجمه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲. ۲۵۶ص. چاپ پنجم.
۶۵. مشیری، مهشید. ترجمه از حرف تا عمل. تهران: آگاهان ایده، ۱۳۸۰. ۶۶ص.
۶۶. معروف، یحیی. فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰. ۳۳۶+۵۵ص.
۶۷. ملک‌زاده، سیروس. تطبیق ترجمه. تهران: مدرسه عالی ترجمه، [بی تا]. ۱۹۲ص.
۶۸. منافی اناری، سالار. بررسی ترجمه انگلیسی متون اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۸. ۲۳۲ص.
۶۹. مونتی، ونسان. مجموعه مقالات و نوشته‌ها و ترجمه‌های صادق هدایت که در مطبوعات به چاپ رسیده است. ترجمه حسن قائمیان. تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۰. ۱۲۰ص. مصور. چاپ دوم.
۷۰. مهدوی‌نیا، مهدی. گامی به سوی ترجمه متون ساده. تهران: مؤسسه خیریه فرهنگی آموزشی شهید مهدوی، ۱۳۷۸. ۱۶۹ص.
۷۱. میرعمادی، علی. تفویریهای ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب و همزمان. تهران: خانه فرهنگ، ۱۳۷۴. پانزده+۲۴۰ص.
۷۲. میمندی‌نژاد، محمد جواد. اصول ترجمه انگلیسی و فارسی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۸. ۵۲۴ص.
۷۳. نوابی، داود. تاریخچه ترجمه از فرانسه به فارسی در ایران از آغاز تا کنون، [کرمان]: [بی نام]، ۲۸۹ص.
۷۴. نیلی‌پور، رضا. ترجمه متون ساده (رشته مترجمی زبان انگلیسی). تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲. ۱۳۸ص. چاپ پنجم.
۷۵. نیومارک، پیتر. دوره آموزش فنون ترجمه: ویژه مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد. ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان مرادآبادی. تهران: زهنما، ۱۳۸۲. ۳۲۲ص.
۷۶. وبر، ویلهلم کارل. تربیت مترجم مکتوب و شفاهی. ترجمه کامبیز محمودزاده. ویراستار علی بهرامی. تهران: زهنما، ۱۳۷۸. ۹۶ص.
۷۷. وزین‌پور، نادر. بر سمنند سخن / نویسندگی، گزارش نویسی، فن ترجمه، نقد ادبی و سخنوری. تهران: [فروغی]. ۱۳۶۶. ۵۷۹ص.
۷۸. یوسفی‌فر، شهرام. جستاری چند درباره ترجمه: مجموعه مقالات همایش مسایل ترجمه در ایران، بزرگداشت زنده یاد استاد احمد آرام. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۲. ۱۰۲ص.



## فهرست معادله‌های اصطلاحات مطالعات ترجمه

برگرفته از کتاب «فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه» \*  
(بخش نخست)

Absolute translation	ترجمه مطلق	طبق نظر گوادک (۱۹۸۹-۱۹۹۰) یکی از هفت نوع ترجمه‌ای است - که مترجمان حرفه‌ای می‌توانند برای بر آوردن نیازهای مختلف ترجمه که در جریان کار پیش می‌آید - به کار گیرند.
Abstract translation	ترجمه چکیده	یکی از هفت راهبرد پیشنهادی گوادک (۱۹۹۰) برای بر آوردن نیازهای مختلف ترجمه در شرایطی حرفه‌ای پیش می‌آید.
Abusive translation	ترجمه هنجارشکن	اصطلاحی که لوپس (۱۹۸۵) برای رویکردی افراطی و متفاوت در ترجمه ادبی به کار برده است.
Acceptability	پذیرفتگی	اصطلاحی که توری (۱۹۸۰:۱۹۹۵) برای یکی از دو گرایش قابل مشاهده در متون ترجمه به کار برده است.
Accuracy	صحت	اصطلاحی که در ارزشیابی ترجمه به میزان مطابقت ترجمه با متن اصلی اشاره دارد.
Action, translatorial =>	Translatorial action	
Adaptation	اقتباس	۱- این اصطلاح معمولاً به متن مقصدی اشاره می‌کند که برای تولید آن از ترجمه آزاد (Free) استفاده شده باشد. ۲- اصطلاحی که وینی و داربله (۱۹۵۸، ۱۹۵۸/۱۹۹۵) برای یکی از هفت رویه ترجمه‌ای خود به کار برده‌اند.
Adequacy	بسندگی	۱- اصطلاحی که برخی صاحب‌نظران ترجمه به منظور بررسی ماهیت رابطه متن مبدأ و متن مقصد به کار برده‌اند. ۲- طبق نظر توری (۱۹۸۰ و ۱۹۹۵) یکی از دو قطب پیوستاری است که به هنجارهای ترجمه مربوط می‌شود.
Adjustment	انطباق / سازگار کردن	طبق نظر نایدا مجموعه راهکارهایی در ترجمه کتاب مقدس است که هدف از آنها «تولید معادله‌های صحیح» در زبان مقصد (۲۲۶:۱۹۶۴) و در نتیجه دستیابی به تعادل پویا (DYNAMIC EQUIVALENCE) است.
Aesthetic-poetic translation	ترجمه زیبایی‌شناختی-شعری	یکی از انواع چهارگانه ترجمه در تقسیم‌بندی کاساگرانده (۱۹۵۴).
Agent	کارگزار	اصطلاحی است از سیگر برای اشاره به شخصی که «در مقام میانجی بین مترجم و کاربر نهایی ترجمه» (۳۲۱:۱۹۹۴) قرار دارد.
A.I.I.C (Association Internationale des Interpretes de	انجمن بین‌المللی مترجمان شفاهی همایشی	سازمانی که در نوامبر سال ۱۹۵۳ به منظور حمایت از منافع مترجمان شفاهی همایشی تأسیس گردید.

\* فرحزاد، فرزانه، غلامرضا تجویدی و مزدک بلوری. فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه. شاتلورت و کاوی. تهران: یلدا قلم، ۱۳۸۵.  
در این فهرست، معادله‌های پیشنهادی در کتاب مذکور عیناً نقل شده و اولین جمله به کار رفته در شرح واژه نیز جهت توجه بیشتر خوانندگان آمده است.  
در تهیه این فرهنگ از دانشجویان دوره کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی رودهن خصوصاً خانم مهدیه مشهدی علی‌بابایی تشکر می‌شود. - سردبیر

Conference)		
Analogical Form	صورت قیاسی	طبق نظر هولمز (۱۹۸۸ د)، یکی از چهار رویکردی است که مترجم می‌تواند برای ترجمه صورتهای منظوم به کار ببرد.
Analysis	تحلیل	اصطلاحی که نایدا و تیبر (۱۹۸۲/۱۹۶۹) برای توصیف اولین مرحله از مراحل سه‌گانه فرایند ترجمه به کار برده‌اند.
Appeal-focused Texts =>	Operative Texts	
Applied Translation Studies	مطالعه کاربردی ترجمه	حوزه‌ای در مطالعات ترجمه (Translation Studies). هولمز (۱۹۸۸) آن را در تقابل با مطالعات نظری (Theoretical) و مطالعات توصیفی (Descriptive) ترجمه قرار داده است.
Archaism or Archaicism	کهن‌گرایی	اصطلاحی که به کاربرد زبان کهنه (یا نمونه‌ای از کاربرد چنین زبانی) در ترجمه اشاره دارد.
Architranseme or ATR	سرئین ترجمه	اصطلاحی از فن لوون - زوآرت (۱۹۸۹، ۱۹۹۰) برای نامگذاری مفهومی نظری که در مقایسه دقیق زبانی متون ادبی و ترجمه‌هایشان به کار می‌رود.
Area-restricted Theories of Translation	نظریه‌های محدود-به-ناحیه ترجمه	بنا به تعریف هولمز نوعی از نظریه‌های محدود ترجمه (PARTIAL THEORIES OF TRANSLATION) هستند که به لحاظ زبانها و/یا فرهنگهای مورد نظر محدودیت دارند (۱۹۸۸:۷۴).
ATR =>	ARCHITRANSEME	
Audio-medial Texts =>	MULTI-MEDIAL TEXTS	
Auftrag =>	COMMISSION	
Automatic translatorial	MACHNE TRANSLATION	
Autonomy Spectrum	طیف خودگردانی / طیف خودمختاری	مفهومی که رز (۱۹۸۱) به منظور فراهم آوردن چارچوبی برای مقوله‌بندی ترجمه مطرح کرده است.
Autotranslation or Self Translation	خودبرگردان (خویش‌برگردان)	بنا بر تعریف پوپویچ «ترجمه اثری به زبانی دیگر به دست خود نویسنده اثر است» (۱۹۷۶:۱۹).
Babel, Tower of	برج بابل	روایتی در کتاب مقدس که شرح می‌دهد چرا برای انسانها مقدر شده به بسیاری زبانهای مختلف تکلم کنند.
Back-transformation =>	ANALYSIS	
Back-translation	ترجمه معکوس	در این فرایند متنی که پیشتر به زبانی ترجمه شده است، به زبان مبدأ خود ترجمه می‌شود.
Bilateral Interpreting =>	LIAISON INTERPRETING	
Bilingual Corpora	پیکره‌های دو زبانه	۱- نک. PARALLEL CORPORA ۲- اصطلاحی که گاه برای اشاره به پیکره‌های چندزبانه و نیز پیکره‌های موازی به کار می‌رود.
Bi-text	متن دوگانه	اصطلاحی از هریس (۱۹۸۸) برای اشاره به ساختی که مرکب از متن مبدأ و متن مقصد است و به صورت یک واقعیت ذهنی برای مترجم (یا خواننده دو زبانه) نمود پیدا می‌کند.
Blank Spaces =>	VOIDS	
Blank Verse Translation	ترجمه بی‌قافیه	یکی از هفت راهبرد ترجمه شعر که لُفور (۱۹۷۵) مطرح کرده است. مقوله‌بندی لُفور دقیقاً به تحلیل وی از ترجمه‌های انگلیسی یکی از اشعار کاتولوس مربوط است.
Borrowing	وامگیری	یکی از هفت رویه ترجمه که وینی و داربلنه (۱۹۵۸، ۱۹۵۸/۱۹۹۵) توصیف کرده‌اند.
Calque or Loan Translation	گرفته‌برداری (ترجمه قرضی)	این اصطلاح برای اشاره به فرایندی به کار می‌رود که طی آن تک تک ارکان یک عنصر زبان مبدأ (مثلاً تکواژه‌های یک واژه) به منظور فرا آوردن معادلی در متن مقصد به صورت تحت‌اللفظی ترجمه می‌شوند.

CAT (Computer-aided Translation or Computer assisted Translation =>	MACHINE-AIDED TRANSLATION	
Category Shift	تبدیل مقوله	این اصطلاح را کتفرد برای اشاره به یکی از دو گونه اصلی تبدیل (SHIFT) یعنی انحراف «از تناظر صوری در فرایند حرکت از زبان مبدأ به زبان مقصد» (۱۹۶۵:۷۳) به کار برده است.
Chuchotage =>	WHISPERED INTERPRETING	
Class Shift	تبدیل طبقه	نوعی تبدیل مقوله (SHIFT CATEGORY) که مستلزم ترجمه کردن عنصری از زبان مبدأ به عنصری از زبان مقصد است که به طبقه دستوری متفاوتی تعلق دارد.
Close Translation	ترجمه دقیق	اصطلاحی عام که بعضی ترجمه‌پژوهان برای آن دسته از راهبردهای ترجمه به کار برده‌اند که تناظر دقیق واحدهای زبانی مبدأ و مقصد در آنها مهم‌تر از توجه به انتقال معنای کلی یا روح متن مبدأ است.
Coherence	انسجام	انسجام به طور کلی «مطابقت متن یا محیط آن» (بیکر ۱۹۹۳:۲۳۹، بعد از ورمیر ۱۹۸۳) تعریف شده است.
Commission	سفارش	این اصطلاح که ورمیر (۱۹۸۹) در چارچوب عمل ترجمه (TRANSLATION ACTION) مطرح کرده است، به دستورالعملهایی اشاره دارد که مترجم آنها را هنگام فرا آوردن متن مقصد رعایت می‌کند.
Communication Load or Information Load	بار ارتباطی (بار اطلاعاتی)	اصطلاحی که در مدل فرایند ترجمه نایدا (۱۹۶۴) به کار رفته و نایدا و تیبیر آن را «درجه دشواری پیام» (۱۹۸۲/۱۹۶۹:۱۹۸) تعریف کرده‌اند.
Communicative translation	ترجمه ارتباطی	۱- (با رویکرد ارتباطی) این اصطلاح به رویکردهایی اطلاق می‌شود که ترجمه را «فرایندی ارتباطی که در بافت اجتماعی رخ می‌دهد» تلقی می‌کنند (حتیم و میسون ۱۹۹۰:۳). ۲- یکی از دو شیوه ترجمه ای در طبقه بندی نیومارک (نیز نک TRANSLATION SEMANTIC) که طبق آن «مترجم می-کوشد در خوانندگان زبان مقصد همان تأثیری را پدید آورد که متن اصلی در خوانندگان زبان مبدأ ایجاد کرده است» (۱۹۸۸/۱۹۸۱:۲۲)
Community Interpreting or Dialogue Interpreting or Public service Interpreting	ترجمه شفاهی برای اقلیت‌ها (ترجمه شفاهی رو در رو) (ترجمه شفاهی خدمات عمومی)	این اصطلاح را هروی و هیگینز (۱۹۹۲) برای توصیف نوعی از جایجایی فرهنگی (CULTURAL TRANSPOSITION) به کار برده‌اند.
Commutation =>	TEXTUAL EQUIVALENCE 1	نوعی ترجمه شفاهی (INTERPRETING) که بر حسب بافت موقعیتی باز شناخته می‌شود.
Comparable Corpora	پیکره های مقایسه- پذیر/مقایسه‌ای	اصطلاحی که بیکر برای اشاره به «دو مجموعه مجزا از متون موجود در یک زبان» به کار برده است.
Compensation	جبران	این اصطلاح را که چند دهه کاربرد فراوان داشته هروی و هیگینز چنین تعریف کرده-اند: «راهکاری برای جبران کاهش مشخصه‌های مهم متن مبدأ در ترجمه، از طریق نزدیک شدن به تأثیرات آنها در متن مقصد با شیوه‌هایی غیر از آنچه در متن مبدأ به کار گرفته شده است» (۱۹۹۲:۲۴۸).

Competence	توانش	این اصطلاح را توری (۱۹۸۰، ۱۹۹۵) برای بررسی برخی ابعاد عمل ترجمه به کار گرفته است.
Compenential Analysis =>	ANALYSIS	
Computer-aided translation or Computer-assisted translation (CAT) =>	MACHINE-AIDED TRANSLATION	
Concordance =>	VERBAL CONSISTANCY	
Conference Interpreting	ترجمه شفاهی همایشی	این اصطلاح به نوعی از ترجمه شفاهی (INTERPRETING) اشاره دارد که در همایش‌های بین‌المللی و نیز دیگر موقعیت‌های خبرساز همچون سخنرانی، پخش تلویزیونی یا اجلاس سران به کار می‌رود.
Consecutive Interpreting	ترجمه شفاهی پیاپی	این اصطلاح به یکی از دو شیوه اصلی ترجمه شفاهی (INTERPRETING) اشاره دارد (نیز نک INTERPRETING SIMULTANEOUS).
Constitutive Translational Conventions	سنت‌های سازنده ترجمه-ای	طبق تقسیم‌بندی نرد (۱۹۹۱) یکی از دو نوع سنت (CONVENTION) ترجمه-ای است.
Content-derivative Form or Organic Form	صورت مشتق-از-محتوا (صورت اندام‌وار)	در تقسیم‌بندی هولمز (۱۹۸۸) یکی از چهار رویکردی است که مترجم می‌تواند هنگام روباوری با مشکل برگرداندن صورت‌های منظوم به زبان مقصد اتخاذ کند.
Content-focused Texts =>	INFORMATIVE TEXTS	
Contextual Consistency	سازگاری بافتی	اصطلاحی از نایدا و تیبیر برای توصیف «کیفیت حاصل از ترجمه یک واژه زبان مبدأ به لفظی از زبان گیرنده که بیشترین سازگاری را با بافت مورد نظر دارد نه ترجمه آن واژه به یک لفظ واحد در تمامی بافت‌ها» (۱۹۹۰:۱۹۶۹/۱۹۸۲).
Controlled Language	زبان کنترل‌شده	بنا بر تعریف آرنولد و همکارانش «صورت ساده شده یک زبان» است (۲۱۱:۱۹۹۴).
Conventions	سنت‌ها	این اصطلاح را نرد (۱۹۹۱) ب) به کار برده است. وی با استفاده از تعریف عام واژه سنت استدلال می‌کند که ترجمه مانند هر رفتار اجتماعی دیگر الزاماً در چارچوب ضوابطی رخ می‌دهد که از نظر اجتماعی و فرهنگی تثبیت شده هستند.
Corpora (Singular Corpus)	پیکره‌ها	اصطلاحی که معمولاً در مطالعات ترجمه به مجموعه‌های نسبتاً محدودی از متن‌های مختلف اطلاق می‌شود که کل یا بخش‌هایی از آنها برای یافتن نمونه‌هایی از مشخصه‌های مورد نظر بدون استفاده از رایانه بررسی می‌شود.
Correctability	تصحیح‌پذیری	طبق نظر رایس و ورمیر یکی از دو مشخصه‌ای است که باید در هر ترجمه باشد تا بتوان آن ترجمه را نمونه‌ای از اوبرستن (ÜBERSETZEN) یا ترجمه کتبی (TRANSLATION) تلقی کرد نه شکلی از دلمتشن (DOLMETSCHEN) یا ترجمه شفاهی (INTERPRETING).
Correspondence	تناظر	این اصطلاح به رابطه بین عناصر زبان مبدأ و زبان مقصد که از جهاتی همنای یکدیگر محسوب می‌شوند، اشاره دارد.
Correspondences, Hierarchy of =>	HIERCHY OF CORRESPONDENCES	
Court Interpreting	ترجمه شفاهی دادگاهی	نوعی ترجمه شفاهی (INTERPRETING) که بر مبنای بافتی که در آن به کار می‌رود تعریف شده است.
Covert Translation	ترجمه نهان	اصطلاحی که هاوس (۱۹۷۷) برای یکی از دو شیوه ترجمه در طبقه‌بندی خود (نیز نک OVERT TRANSLATION) مطرح کرده است.
Cross-temporal Theorise of Translation =>	TIME-RESTRICTED THEORIES OF TRANSLATION	

Cross-temporal Translation=>	INTERTEMPORAL TRANSLATION	
Cultural Approach=>	CULTURAL TRANSLATION1	
Cultural Borrowing	وامگیری فرهنگی	این اصطلاح را هروی و هیگینز (۱۹۹۲) برای توصیف نوعی از جایجایی فرهنگی (CULTURAL TRANSPOSITION) به کار برده‌اند که در آن، لفظ زبان مبدأ عیناً به زبان مقصد انتقال می‌یابد، زیرا نمی‌توان آن لفظ را به کمک معادلی مناسب در زبان مقصد ترجمه کرد.
Cultural Substitution	جایگزینی فرهنگی	این اصطلاح را بیکنم و کالو (۱۹۷۴) در بافت ترجمه کتاب مقدس به منظور توصیف راهبردی عملی برای پرداختن به آیه‌ها یا رویدادهایی که در فرهنگ مقصد ناشناخته هستند به کار برده‌اند.
Cultural Translation or Cultural Approach	رویکرد (ترجمه فرهنگی فرهنگی)	۱- این اصطلاح به طور غیر رسمی به انواعی از ترجمه اطلاق می‌شود که ابزاری برای پژوهش‌های میان فرهنگی یا مردم‌شناختی هستند. ۲- نایدا و تیبیر این اصطلاح را در بافت ترجمه کتاب مقدس چنین تعریف می‌کنند: « ترجمه‌ای که در آن محتوای پیام برای سازگاری نسبی با فرهنگ گیرنده تغییر می‌کند و یا اطلاعاتی در آن گنجانده می‌شود که از لحاظ زبانی به صورت ضمنی در متن اصلی نیامده است».
Cultural Transplantation	پیوند فرهنگی	اصطلاحی که هروی و هیگینز برای اشاره به بالاترین درجه جایجایی فرهنگی به کار برده‌اند.
Cultural Transposition	جایجایی فرهنگی	اصطلاحی عام از هروی و هیگینز برای توصیف «درجات مختلف گریز از ترجمه تحت-اللفظی که در فرایند انتقال محتوای متن مبدأ به بافت فرهنگ مقصد می‌توان به کار گرفت».
Decision-making, Translation as	ترجمه به منزله تصمیم‌گیری	این اصطلاح در مورد بخشی از فرآیندی که در ترجمه در جریان صورت می‌گیرد، بند می‌شود. بند می‌شود.
Definition of Translation =>	TRANSLATION	
Degree of Differentiation or Degree of Precision	دامنه افتراق (دامنه دقت)	اصطلاحی از هونیک و کاسمال (۱۹۸۲) به منظور اشاره به راهبردی برای ترجمه واژه‌هایی که به عناصر خاص فرهنگ مبدأ (REALIA) دلالت دارند.
Descriptive Translation Studies (DTS)	مطالعات توصیفی ترجمه	این اصطلاح بنا به تعریف هولمز (۱۹۸۸) یکی از زیربخش‌های مطالعات محض ترجمه (PURE TRANSLATION STUDIES) است.
Diagrammatic Translation	ترجمه نموداری	در تقسیم بندی گوادک (۱۹۹۰) یکی از انواع هفتگانه ترجمه (یا فرایندهای شبیه به ترجمه) است که به منظور برآوردن نیازهای مختلف ترجمه در محیط‌های حرفه‌ای به کار گرفته می‌شود.
Dialogue Interpreting =>	COMMUNITY INTERPRETING	
Didactic Fidelity	امانت‌داری تعلیمی	طبق نظر بیکنم و کالو (۱۹۷۴) یکی از دو اصل امانت‌داری است که در ترجمه متون کتاب مقدس به کار می‌رود.
Differentiation, Degree of =>	DEGREE OF DIFFERENTIATION	
Direct Translation	ترجمه مستقیم	۱- اصطلاحی که برخی ترجمه‌پژوهان (مثلاً توری ۱۹۸۰، ۱۹۹۵) برای نوعی ترجمه به کار برده‌اند که متن مقصد آن مستقیماً از متن مبدأ اصلی حاصل می‌شود نه به واسطه ترجمه دیگری که از آن متن در یک زبان دیگر وجود دارد. ۲- بنا به تعریف، نوعی ترجمه است که در آن مترجم به زبان مادری خود (یا زبان

		روزمره خود) ترجمه می‌کند نه از زبان مادری‌اش به زبانی دیگر. ۳- بنا به تعریف گات (۱۹۹۱) یکی از انواع دوگانه ترجمه است.
Direction of Translation or Directionality	جهت ترجمه (جهت‌مندی / سویگی)	این اصطلاح مبین آن است که آیا ترجمه به زبان مادری یا از زبان مادری مترجم (یا زبان روزمره او) انجام می‌شود.
Disambiguation =>	SEMANTIC DISAMBIGUATION	
Discourse-type Restricted Theorise of Translation =>	TEXT-TYPE RESTRICTED THEORISE OF TRANSLATION	
Documentary Translation	ترجمه مستند	یکی از دو نوع ترجمه در تقسیم بندی نرد (۱۹۹۱ الف) که بر اساس نقشی که قرار است متن مقصد در فرهنگ مقصد ایفا کند از نوع دیگر متمایز می‌شود.
Dolmetschen(German) (Interpreting)	دلمتش (ترجمه شفاهی)	این اصطلاح در زبان آلمانی اصطلاح معیار برای مفهوم ترجمه شفاهی است.
Domesticating Translation or Domestication	ترجمه بومی‌ساز(بومی- سازی)	ونوتی (۱۹۹۵) با استفاده از این اصطلاح راهبردی را در ترجمه توصیف می‌کند که در آن سبکی روان و شفاف اتخاذ می‌شود تا غرابت متن خارجی بران خوانندگان مقصد به حداقل برسد.
DTS =>	DESCRIPTIVE TRANSLATION STUDIES	
Dubbing	دوبله (گفتارگردانی)	یکی از دو راهکار اصلی در ترجمه مطالب شنیداری- دیداری همچون فیلم و برنامه‌های تلویزیونی (نیز نک. SUBTITLING).
Dubrovnik Charter	منشور دابروونیک	منشور مترجمان که در سال ۱۹۶۳ در چهارمین همایش بین‌المللی مترجمان در دابروونیک به تصویب انجمن بین‌المللی مترجمان (F.I.T) رسید.
Dynamics =>	DYNAMIC FIDELITY	
Dynamic Equivalence	تعادل پویا	اصطلاحی که ناپیدا در بافت ترجمه کتاب مقدس برای توصیف یکی از دو جهت‌گیری اصلی در ترجمه (نیز نک. FORMAL EQUIVALENCE) مطرح کرده است.
Dynamic Fidelity	امانت‌داری پویا	این اصطلاح را بیکن و کالو برای توصیف نوعی از ترجمه کتاب مقدس به کار برده‌اند که "از نظر ساختاری طبیعی و از نظر محتوا معنادار" (۴۰:۱۹۷۴) است.
Effort Models	مدلهای تلاش	اصطلاحی از ژیل برای مجموعه مدلهای فرایند ترجمه شفاهی (INTERPRETING) که وی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ مطرح کرده است.
Emprunt =>	BORROWING	
Equivalence or Translation Equivalence	تعادل (تعادل ترجمه‌ای)	۱- این اصطلاح، که بسیاری از ترجمه‌پژوهان آن را به کار برده‌اند معرف ماهیت و دامنه روابط میان متنها (یا واحدهای کوچک‌تر) زبان مبدأ و زبان مقصد است. ۲- این اصطلاح را وینی و داربلنه (۱۹۵۸-۱۹۵۸/۱۹۹۵) برای یکی از هفت رویه ترجمه در طبقه‌بندی خویش به کار برده‌اند.
ESIT(Ecole Supérieure d'Interprètes et de Traducteurs)	INTERPRETIVE THEORY OF TRANSLATION	
Ethnographic Translation	ترجمه قوم‌نگاشتی	یکی از انواع چهارگانه ترجمه در طبقه‌بندی کاساگرانده (۱۹۵۴). هدف از ترجمه قوم‌نگاشتی توضیح دادن پس زمینه فرهنگی و اهمیت مردم‌شناختی متن مبدأ و نیز تفاوت‌های معنایی بین "عناصر به ظاهر معادل در پیامهای دو زبان" (۳۳۶:۱۹۵۴)

		(است.
Ethnolinguistic Model of Translation	مدل قومی-زبانی ترجمه	اصطلاحی از نایدا (۱۹۶۴) برای توصیف وضعیتی متداول در ترجمه کتاب مقدس که در آن مترجم از یک زبان اکتسابی به زبان اکتسابی دیگری ترجمه می‌کند، به عبارت دیگر از زبان یونانی یا عبری متن اصلی به یک زبان مدرن و غالباً غیر هندو اروپایی.
Excluded Receiver	گیرنده غیر مخاطب	اصطلاحی از پیم (۱۹۹۲) که به خواننده (یا شنونده) ای اطلاق می‌شود که قادر نیست در پیام متن سهیم شود زیرا مخاطب آن نیست.
Exegetic Translation	ترجمه تأویلی	بنا به تعریف هروی و هیگنز « ترجمه‌ای است که در آن متن مقصد بعضی جزئیات اضافی را که در متن مبدأ به صراحت بیان نشده‌اند بازمی‌نمایاند و توضیح می‌دهد.
Exegetical Fidelity	امانت‌داری تأویلی	به عقیده بیکنم و کالو (۱۹۷۴) این اصطلاح به معنای ترجمه بر اساس درک صحیح پیام مبدأ است.
Exoticism	غریب‌گرایی	این اصطلاح بنا به تعریف هروی و هیگنز (۱۹۹۲) پایین‌ترین درجه جابجایی فرهنگی است.
Expectancy Norms	هنجارهای انتظار	اصطلاحی از چسترمن (۱۹۹۳) که به یکی از انواع دو گانه هنجار (NORM) ترجمه-ای اطلاق می‌شود (نیز نک. PROFESSIONAL NORMS).
Explicitation	تصریح	اصطلاح را وینی و داربلنه (۱۹۵۸-۱۹۵۸/۱۹۹۵) برای مواردی که متن مقصد اطلاعات متن مبدأ را صریح‌تر از خود آن بیان می‌کند.
Expressive Texts	متون بیانی / متون توصیفی	
formerly Form-focused Texts	پیشتر (متون صورت-محور)	اصطلاحی در تقسیم‌بندی رایس (۱۹۸۹/۱۹۷۷) برای یکی از سه نوع اصلی متن (نیز نک. OPERATIVE TEXTS و INFORMATIVE TEXTS).
External Transfer =>	TERANSFER 1.	
Extraneous Form	صورت نامألوف	یکی از چهار راهبرد پیشنهادی هولمز (۱۹۸۸) برای ترجمه صورت‌های منظوم به زبان مقصد.
Faithfulness or Fidelity	وفاداری / امانت‌داری	دو اصطلاح عام برای آنکه بگوییم، طبق ملاکهای معین، متن مقصد تا چه اندازه متن مبدأ را بازمی‌نمایاند.
False Friends or Faux Amis	هم‌ریشه‌های کاذب	اصطلاحی معیار برای توصیف عناصری از زبانهای مبدأ و مقصد که شکلی یکسان یا بسیار مشابه دارند اما معانی متفاوت دارند و در نتیجه موجب دشواریهایی در ترجمه (و بطور کلی در ارتباط بین‌زبانی) می‌شوند.
Faux Amis =>	FALSE FRIENDS	
Fictitious Translation =>	PSEUDOTRANSLATION 1.	
Fidelität =>	COHERENCE.	
Fidelity =>	FAITHFULNESS	
F.I.T. International Federattion of Translators	انجمن بین‌المللی مترجمان	مجمع سازمانهای مترجمان که در سال ۱۹۵۳ در پاریس تأسیس شد.
Foreignizing Translation or Minoritizing Translation	ترجمه بیگانه‌ساز (ترجمه اقلیت‌ساز)	این اصطلاح بنا به تعریف ونوتی (۱۹۹۵) به نوعی ترجمه اطلاق می‌شود که در آن متن مقصد تا حدودی بیگانگی متن اصلی را حفظ می‌کند و از این راه قواعد مقصد را به عمد زیر پا می‌گذارد.
Form-derivative Forms	صورت‌های مشتق -از-صورت	اصطلاحی عام از هولمز (۱۹۸۸) برای دو راهبرد ترجمه صورت‌های منظوم، که خود یکی از آنها را صورت قیاسی (ANALOGICAL FORM) و دیگری را صورت تقلیدی (MIMETIC FORM) می‌نامد.
Form-focused Texts =>	EXPRESSIVE TEXTS	
Formal Correspondence	تناظر صوری	طبق مدل کتفورد، رابطه‌ای صوری است که در شرایط زیر ایجاد می‌شود: وقتی که مقوله مقصدی "دراقتصاد" زبان مقصد "همان" فضایی را اشغال کند "که یک مقوله مبدأ در زبان مبدأ".

Formal Equivalence or Formal Correspondence	تبادل صوری (تناظر صوری)	طبق تعریف ناپیدا یکی از دو نوع متفاوت تبادل است که " به خود پیام، از نظر صورت و نیز محتوا، توجه دارد."
Formal Equivalent	معادل صوری	اصطلاحی از ناپیدا (۱۹۶۴) برای عنصری از زبان مقصد که نزدیکترین همتهای بافت زدوده واژه یا گروهی در زبان مبدأ است.
Forward-Transformation =>	RESTRUCTURING	
Free Translation	ترجمه آزاد	در این نوع ترجمه بیشتر به تولید متون مقصد طبیعی توجه می‌شود تا دست نخورده ماندن عبارت‌بندی متن مبدأ
Full Translation	ترجمه کامل	طبق مدل کتفورد، نوعی ترجمه که در آن تمام متن، به طور کامل ترجمه می‌شود، یا به بیان دیگر " تمام بخشهای متن زبان مبدأ با ماده متنی زبان مقصد جایگزین می‌شود."
Function-oriented Translation Studies Or Function- oriented Descriptive Translation Studies	مطالعات نقش-مدار ترجمه (مطالعات توصیفی نقش-مدار ترجمه)	بر اساس تعریف هولمز (۱۹۸۸) یکی از انواع سه گانه مطالعات توصیفی ترجمه (DESCRIPTIVE TRANSLATION STUDIES) است.
Functional Equivalence	تبادل نقشی	این نوع تبادل در متن مقصدی آشکار می‌شود که برای سازگاری با بافت خاصی که خود در آن یا برای آن تولید شده است، نقش متن اصلی را تعدیل می‌کند.
Functional Equivalent	معادل نقشی	به عقیده ناپیدا (۱۹۶۴) عنصری از زبان مقصد است که برای ترجمه کردن گروه یا واژه‌ای از متن مبدأ انتخاب می‌شود اما علت انتخاب این عنصر شباهت صوری آن به عنصر متن مبدأ نیست، بلکه این است که برای خوانندگان متن مقصد درک روشن-تری از معنای بافتی متن اصلی ایجاد می‌کند.
Games, Translation and the Theory of	ترجمه و نظریه بازی	مفهومی که بر مبنای تشابه فرآیند ترجمه و عمل بازی کردن استوار است و در اصل ویتگنشتاین که "ترجمه از یک زبان به زبان دیگر" را در فهرست بازیهای زبانی می‌گنجانده، آن را مطرح کرده است.
GAPS =>	VOIDS	
Gemeinte, Das (Intended Meaning) =>	TERTIUM COMPARATION IS.	
General Theorise of Translation	نظریه‌های جامع ترجمه	اصطلاحی که هولمز (۱۹۸۸) برای یکی از دو شاخه مطالعات نظری ترجمه به کار برده است.
Generalization or Modulation/ Generalization	تعمیم (مدولاسیون/ تعمیم)	اصطلاحی که در مدل فن لوون-زوارت (۱۹۸۹-۱۹۹۰) برای مقایسه متن ادبی با ترجمه آن به کار رفته است.
Generalizing Translation or Generalization	ترجمه تعمیمی (تعمیم)	اصطلاحی از هروی و هیگینز (۱۹۹۲) برای توصیف وضعیتی که در آن لفظ زبان مبدأ با استفاده از لفظی پُرشمول‌تر و کلی‌تر به زبان مقصد ترجمه می‌شود.
Gist Translation	ترجمه جوهر کلام	اصطلاحی متداول در مباحث ترجمه که هروی و هیگینز برای ترجمه‌ای که در آن متن مقصد نسخه فشرده‌ای از محتوای متن مبدأ را بیان می‌کند.
Gloss Translation	ترجمه لغوی	طبق نظر ناپیدا، نوعی ترجمه است که در آن مترجم می‌کوشد صورت و محتوای متن اصلی را تا سر حد امکان تحت اللفظی و معنی دار بازآفریند.
Glücken =>	SUCCESS	
Goal Language=>	TARGET LANGUAGE	
Grammatical Analysis=>	ANALYSIS	
Grammatical Translation	ترجمه دستوری	طبق تعریف کتفورد نوعی ترجمه محدود است که در آن "عناصر دستوری متن مبدأ با عناصر دستوری معادل در زبان مقصد جایگزین می‌شوند، اما عناصر واژگانی بدون



		تغییر باقی می‌ماند.
Grammatical Transposition	جابجایی دستوری	اصطلاحی از هروی و هیگینز برای "جابجایی یا تقویت برخی اجزای کلام متن مبدأ با اجزای کلام متفاوتی در متن مقصد، هرگاه که تفاوت‌های اساسی موجود در پیکربندی نحوی این دو زبان ایجاب کند."
Graphological Translation	ترجمه خطی/ترجمه نویسه‌ای	طبق نظر کتفورد (۱۹۶۵) یکی از انواع ترجمه محدود (RESTRICTED TRANSLATION) است.
Hermeneutic Motion	حرکت هرمنوتیک	مدلی که استاینر (۱۹۹۲/۱۹۷۵) برای توصیف فرایند ترجمه ادبی ارائه کرده است.
Hierarchy of Correspondences	سلسله مراتب تناظرها	بنا بر تعریف هولمز (۱۹۸۸) ترتیب اولویت‌هایی است که مترجم پی می‌ریزد، زیرا او باید تصمیم بگیرد که کدام یک از ویژگی‌های متن مبدأ را، احتمالاً به بهای از بین بردن سایر ویژگی‌ها، در متن مقصد حفظ کند.
Historical Fidelity	امانت‌داری تاریخی	این اصطلاح را بیکن و کالو (۱۹۷۴) برای اشاره به یکی از دو اصل مکمل وفاداری که باید راهنمای ترجمه متون کتاب مقدس باشند، به کار برده‌اند.
Homophonic Translation =>	PHONEMIC TRANSLATION	
Horizontal Translation	ترجمه افقی	اصطلاحی است بر ساخته فولنا (۱۹۹۱/۱۹۷۳) برای یکی از دو نوع ترجمه‌ای که در قرون وسطی رواج داشته است.
Hyperinformation	اطلاعات اضافی	بنا بر تعریف رایس و ورمیر (۱۹۸۴) اصطلاحی است که مترجم شفاهی اضافه می‌کند تا کمبود احتمالی اطلاعات فرهنگی را - که لازمه درک صحیح پیام است - برای شنونده جبران کند.
IA =>	INFORMATION OFFER	
Identity	همانندی	یکی از مجموعه اصطلاحاتی است که برای اشاره به چگونگی ارتباط معنا و سایر ویژگی‌های متن مبدأ و مقصد به کار می‌رود.
Idiomatic Translation, Idiomatic Approach	ترجمه اصطلاحی (رویکرد اصطلاحی)	این اصطلاح را بیکن و کالو (۱۹۷۴) در حوزه ترجمه کتاب مقدس و نیز لارسن (۱۹۸۴) در حوزه عام‌تر به کار برده‌اند، تا راهبردی را در ترجمه نشان دهند که هدفش رسیدن به متن مقصدی است که تا حد امکان طبیعی باشد.
Idiomacity =>	IDIOMATIC TRANSLATION	
Imitation	تقلید	۱- طبق نظر دراپدن، نویسنده قرن ۱۷ میلادی یکی از سه شیوه ممکن در ترجمه است. ۲- طبق نظر لفور (۱۹۷۵) یکی از دو نوع فرعی یک راهبرد ترجمه‌ای است که او خود آن را برداشت (INTERPRETATION) می‌نامد.

# نشریه‌ها و خبرها

## سخنرانی

پاییز امسال، گروه مترجمی زبان انگلیسی با همکاری انجمن علمی ترجمه‌شناسی چند جلسه سخنرانی، در محل دانشگاه علامه طباطبایی برگزار کرد. سخنرانان هر جلسه به ترتیب تاریخ برگزاری به شرح زیر بودند:



### آقای دکتر خزاعی فر

موضوع: فارسی‌گرایی در ترجمه ادبی، ۸۶/۹/۱۳

### آقای دکتر تمیم داری

موضوع: گستره شعر پارسی در انگلستان و آمریکا، ۸۶/۹/۱۹

### خانم دکتر فرحزاد

موضوع: نقد ترجمه، ۸۶/۹/۲۵

### آقای دکتر بهزاد قادری

موضوع: نمونه عملی کاربرد هرمنوتیک در ترجمه نمایشنامه،

۸۶/۹/۲۷

\*\*\*



گروه ترجمه‌شناسی انجمن زبان‌شناسی ایران با مدیریت خانم دکتر فرحزاد در تاریخ ۱۶ آبان جلسه سخنرانی در دانشگاه علامه طباطبایی برگزار کرد. سخنران این جلسه آقای دکتر سیمونی بود که درباره «تاریخ مراودات ترجمه‌ای بین زبانهای فارسی و ارمنی در قرن بیستم» صحبت کرد. این جلسه در ساعت ۱۶:۳۰ شروع شد و دو ساعت به طول انجامید.

### دکتر حسین ملانظر و مرکز پژوهشهای ترجمه

در یکی از روزهای اوایل پاییز امسال جلسه معرفی و شروع به کار مرکز پژوهشهای ترجمه با تلاش دکتر ملانظر و با همکاری انجمن علمی گروه مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد. در این جلسه دکتر ملانظر اهداف این مرکز را برای اساتید و دانشجویان حاضر در جلسه تشریح کرد. این مرکز با سه هدف تحقیق در ترجمه، آموزش ترجمه از طریق برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت و کارگاههای ترجمه و همچنین ارائه خدمات ترجمه و

ویراستاری ایجاد شده است. مرکز مذکور این اهداف را برای اعضای خود در نظر گرفته است. در کل می‌توان اعضای مرکز را در چهار گروه تقسیم‌بندی کرد: ۱. ترجمه‌آموز: دانشجوی ترجمه یا شرکت‌کننده کلاسهای ترجمه مرکز. ۲. کمک‌مترجم: از دانشجویان رشته کارشناسی مترجمی که می‌بایست دست‌کم ۸۰-۹۰ واحد را گذرانده باشد تا به عنوان کمک‌مترجم شناخته شود. ۳. مترجم: عضوی که مدرک کارشناسی ترجمه دارد یا دانش‌آموخته دوره یک‌ساله آموزش ترجمه در مرکز است. ۴. مترجم ارشد: دانشجویان یا دانش‌آموختگان مراتب بالاتر از کارشناسی و نیز استادان محترم.

دکتر ملانظر هدف از تأسیس چنین مرکزی را در کنار برگزاری کارگاهها و دوره‌ها، تهیه بانک اطلاعاتی ترجمه، تهیه و تدوین کتب درسی و نهایتاً ایجاد نهضت ترجمه بیان کرد. در پایان خانم دکتر فرحزاد نیز در مورد فعالیتهای گروه ترجمه و کتابخانه گروه توضیحاتی ارائه داد.

### شورای عالی ترجمه تشکیل شد

شورای عالی ترجمه با حضور بیش از ۱۰ صاحب‌نظر و مترجم به عنوان اعضای اصلی شورا در خانه کتاب تشکیل شد. قرار بوده است این صاحب‌نظران از مترجمان و کتاب‌شناسان حرفه‌ای باشند. ارائه ملاکهای علمی ترجمه، معرفی آثار فاخر و شایسته ترجمه در حوزه‌ها با تأکید بر حوزه علوم انسانی و تأسیس دبیرخانه شورا از برنامه‌های پیش‌بینی شده این شورا است.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، علی اوجبی، معاون فرهنگی مؤسسه خانه کتاب با اعلام این خبر گفت: پیشنهاد تشکیل این شورا از سوی دفتر طرح و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد. از آنجا که یکی از وظایف این دفتر حمایت از آثار ارزشمند پیش از چاپ است، فزونی متون ترجمه شده به این دفتر باعث شد تا این ایده مطرح شود که بنیادی را به عنوان متولی امر ترجمه در کشور تأسیس کنیم. معاون فرهنگی خانه کتاب تصریح کرد: راه‌اندازی بانکهای اطلاعاتی مترجمان، آثار در دست ترجمه و آثاری که ترجمه و منتشر شده‌اند نیز از دیگر کارهای این شورا است که بخشی از آن انجام شده است. بنا داریم تا در نمایشگاه بیست و یکم، این اطلاعات را به صورت لوح فشرده و کتاب منتشر کنیم.

اوجبی رمز موفقیت در این کار را هم‌بازی و همدلی مترجمان و ارائه اطلاعات دقیق از سوی آنها ذکر کرد و گفت: بانک اطلاعاتی آثار در دست ترجمه، نیاز به فرهنگ‌سازی دارد و تا وقتی که مترجمان به اهمیت کار پی ببرند به موفقیت کامل دست نخواهیم یافت.

وی با تأکید بر اینکه شورای عالی ترجمه تنها سیاست‌گذار خواهد بود، اظهار داشت: شورا قصد دارد بستر مناسبی را برای ترجمه مهیا و ترجمه را جهت‌دهی کند؛ وگرنه متولیان امر ترجمه، مترجمان و ناشران هستند. اوجبی اظهار امیدواری کرد: تشکیل دبیرخانه گام اول است که با حمایت‌های مالی و کمک و همدلی استادان این امر، گامهای بعدی را بلندتر بر می‌داریم تا این شورا را به بنیاد تبدیل کنیم.

اولین جلسه این شورا هفته آینده با حضور اعضا تشکیل می‌شود که متعاقباً اسامی استادان و نتایج جلسه اعلام خواهد شد.

وی افزود: برای این شورا، وظایفی چون ارائه ملاکهای علمی ترجمه، معرفی آثار فاخر و شایسته ترجمه در تمامی حوزه‌ها با تأکید بر حوزه علوم انسانی و تأسیس دبیرخانه شورا، پیش‌بینی شده است.

## شماره دوم فصلنامه آستانه منتشر شد

این فصلنامه انگلیسی‌زبان در بخشهای ذیل و زیربخشهایی از جمله ادبیات، آموزش زبان، و ترجمه منتشر شده است که عناوین برخی از مطالب آن در خصوص ترجمه به شرح ذیل است:

- لزوم بازنگری در برنامه درسی کلاسهای ترجمه/مشایخی
- بیگانه‌سازی در ترجمه و علل پیدایش آن/ خادم نبی
- ترجمه عناصر فرهنگی در دیوان حافظ/ صفدری
- ترجمه و مطالعات ترجمه در جهان
- مصاحبه با دکتر سخنور: جستاری در باب ترجمه و ادبیات کارگاه ترجمه

## همایش فرهنگ و سنتهای ترجمه

### در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات برگزار شد



همایش دو روزه دانشجویی با عنوان «تاریخ و سنت ترجمه در ایران» روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۷ و ۸ اسفند ماه برگزار شد. هدف از برگزاری این همایش که به همت دانشجویان کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی در دانشکده زبان و ادبیات (جنت آباد) برگزار شد، تشویق دانشجویان برای انجام تحقیق و ارائه مقاله، و نیز معرفی زمینه‌های موجود جهت پژوهشهای آتی بوده است.

بدون تردید برگزاری چنین همایشهایی، که در نوع خود بی‌نظیر بوده است، گامی مؤثر در گسترش فرهنگ پژوهش و تحقیق میان دانشجویان رشته مترجمی و رشته‌های مربوطه است.

از مجموع ۲۶ مقاله ارسال شده به همایش، تعداد ۱۹ مقاله برگزیده و ارائه شد. به طور کلی انتخاب مقالات بر اساس محتوا و اطلاعات جدید آنها صورت گرفت. مقالات برگزیده، از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات)، دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه شهید بهشتی بوده است.

این همایش با سخنرانی خانم دکتر فرزانه فرحزاد رسماً آغاز شد. مقالات ارائه شده به طور کلی شامل موضوعهایی همچون تاریخ ترجمه قرآن و متون مذهبی، ترجمه متون نمایشی و فیلم‌نامه، سنت ترجمه از زبان فارسی و به زبان فارسی در دوره سامانیان، نهضت ترجمه در دوره ناصری، ترجمه در دوره صفوی، یک قرن ترجمه و شعر، ترجمه و ادبیات تطبیقی، موسسه ترجمه و نشر کتاب فرانکلین، زنان و ترجمه در ایران، ترجمه و زبان ترکی، ترجمه و زبان کردی و حامیان ترجمه در ایران، بود.

لازم به ذکر است که ارائه مقالات و موضوعات آنها به صورت زیر بوده است:

- تاریخ ترجمه متون مذهبی در ایران / لیلا عسکری و زهرا داورزنی (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات):

این مقاله به ترجمه در دوره قبل و بعد از اسلام، بویژه دوره ساسانی می‌پردازد. مهمترین آثار ترجمه شده این دوره اوستا و عهد عتیق است.

- ترجمه قرآن در ایران / لیلا علی نوری (دانشگاه علامه طباطبایی):  
این مقاله، تاریخ ترجمه قرآن به زبانهای مختلف و نیز تأثیری که این ترجمه‌ها بر مسلمانان غیرعرب داشته‌اند را بررسی می‌کند.
- تاریخ ترجمه نمایشنامه در ایران / فرح مدنی (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات):  
به بررسی تاریخ ترجمه، نمایش‌های سنتی و ترجمه نمایشنامه در ایران می‌پردازد. همچنین تاریخ ترجمه درام یا نمایشنامه را در عصر ناصرالدین شاه و عصر پهلوی بررسی و پیشگامان ترجمه این متون را معرفی می‌کند.
- ترجمه از زبان فارسی و به زبان فارسی در دوره سامانیان / ملیحه قدرتی (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات):  
در این مقاله، تاریخ ترجمه به پیش و پس از اسلام تقسیم شده است. پس از اسلام، عربی زبان رسمی کشور شد و تا مدتها یک قطب ترجمه محسوب می‌شد، بدین معنی که ترجمه‌ها بطور عمده یا از زبان عربی بودند یا به زبان عربی.
- تاریخ ترجمه فیلم‌نامه در ایران. / فرزانه فریدزاده (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات):  
به تاریخ ترجمه فیلم در ایران و نیز تعداد فیلم‌نامه‌های ترجمه شده در سالهای مختلف می‌پردازد. در ادامه به تحول ترجمه فیلم‌نامه پس از انقلاب اسلامی اشاره می‌کند.
- تاریخ ترجمه و نهضت ترجمه در دوره ناصری: رویکرد انتقادی / کمال بلوچی (دانشگاه علامه طباطبایی):  
نیمه دوم قرن ۱۹ از دوره‌های مهم سیاسی و ایدئولوژی در ایران است که به نهضت ترجمه منجر شده است. حرکت به سوی مدرنیسم و آشنایی با علم و دانش و فن‌آوری اروپا را می‌توان از ویژگی‌های مهم این دوره نامید. تأسیس دارالفنون و دارالترجمه نیز از مهمترین تحولات این عصر بوده است.
- مقایسه سنتهای ترجمه در دوره‌های قاجار و پهلوی / شهناز شاه طوسی (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات):  
تحقیق مذکور، سنتهای ادبی ترجمه و مترجمان برجسته این دو دوره را بررسی و معرفی می‌کند. همچنین به روشها و خصوصیات ترجمه متون ادبی در این دو دوره و مشکلات مترجمان می‌پردازد.
- ترجمه در تاریخ: بررسی دوره صفویان. / فرزانه خیرآبادی و افسانه محمدی (دانشگاه علامه طباطبایی):  
به تأثیر چشمگیر دوره صفویان و مذهب تشیع در توسعه و پیشرفت ترجمه در ایران می‌پردازد. بیشتر ترجمه‌های این دوره مربوط به متون مذهبی، بخصوص شیعه، می‌شود.
- پیروزی پارسی اسلام و نقش ترجمه / مهدی مشایخی (دانشگاه شهید بهشتی):  
به حمله اعراب به ایران و سقوط حکومت ساسانیان و مشکلات موجود بر سر راه فرهنگ و زبان ایران و تقابل آن با زبان عربی، و نیز به نقش و تأثیر ایران بر اسلام و همسایگان می‌پردازد.
- ترجمه و نشر فارسی / عفت جلالوندی (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات):  
به تأثیر ترجمه بر نشر فارسی و نیز انواع نشر در دوره‌های مختلف می‌پردازد.
- سیری در ترجمه: مروری بر ترجمه‌های مهم و برجسته از زبان فارسی و تأثیر آنها بر آثار ادبی اروپایی / سلما رضوان جو (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات):  
به معرفی فرهنگ پارسی و ترغیب سایر ملل به آشنایی با این فرهنگ و زبان می‌پردازد. در ادامه، به ترجمه‌های انجام‌شده از زبان فارسی و آثار ادبی کلاسیک پارسی به زبانهای هندی، ارمنی، ترکی، عربی، انگلیسی و سایر زبانها می‌پردازد.
- یک قرن ترجمه و شعر. / محبوبه دهقانی (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات):  
به بررسی یک قرن (نیمه قرن ۱۹ تا نیمه قرن ۲۰) شعر و ترجمه می‌پردازد. تأثیرپذیری ترجمه آزاد از اشعار غربی و ظهور شعر نوین در ایران را نیز بررسی می‌کند.
- برنامه ترجمه کتاب فرانکلین / شیما جزایری و سمانه قرائی (دانشگاه علامه طباطبایی):  
چگونگی تأسیس این برنامه در ایالات متحده و کشورهای خاورمیانه و ایران و اهداف آن را بررسی می‌کند. همچنین به مشکلات این برنامه جهت توسعه زیرساخت‌های چاپ و بهبود کیفیت ترجمه می‌پردازد.
- مروری بر تاریخ ترجمه زنان / سمیه امین (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات):

به معرفی مترجمان زن ایرانی و آثار ترجمه و چاپ شده آنها می‌پردازد و نیز تأثیر جنسیت در انتخاب متون ترجمه شده را بررسی می‌کند.

- ترجمه و زبان ترکی (آذری) / عبدالله کریم‌زاده (دانشگاه علامه طباطبایی):

به تاریخ ترجمه در ایران و ترجمه‌های انجام شده از آذری به فارسی، و نقش ادبیات ترکی در نهضت ترجمه در ایران می‌پردازد.

- تاریخ ترجمه در قرنهای سوم و چهارم بعد از هجرت / مصطفی فاخر (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات):  
به تأثیر اسلام بر بزرگان ترجمه و مدارس ترجمه می‌پردازد.

- تاریخ ترجمه قرآن / یارا صباغان و مریم حسینی (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات):

به ترجمه قرآن در غرب، شرق و کشورهای اسلامی می‌پردازد و استراتژی‌های ترجمه در انتقال فرم و محتوای این کتاب آسمانی را بررسی می‌کند.

- تاریخ ترجمه شفاهی در ایران تا دوره قاجار / زهرا تاجیک (دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات):

این تحقیق مترجمان را تا پیش از قاجار به پنج دسته تقسیم می‌کند: منشی‌ها، سفراء، خارجیان مقیم ایران، افراد عادی که از طریق ارتباط با خارجیان و یا تحصیل، زبان را می‌آموختند و مترجمان سایر کشورها.

- تاریخ ترجمه کردی / فرنگیس قادری و کاوه قادری (دانشگاه های شهید بهشتی و علامه):

به تاریخ ادبیات زبان کردی و تأثیر جنگ جهانی اول بر ادبیات کردی، همچنین تاریخ ترجمه از و به زبان کردی در ایران، سوریه و عراق می‌پردازد.

در راستای اطلاع‌رسانی دقیق‌تر، کمیته برگزاری اقدام به چاپ و انتشار مجموعه چکیده مقالات برگزیده نمود و آنها را در اختیار اساتید و عموم حضار قرار داد.

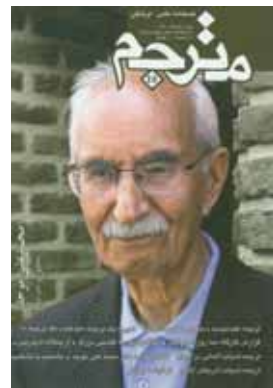
جلسه میزگرد این همایش نیز با حضور و سخنرانی اساتید گرانقدر: استاد علی صلح جو، استاد پروانه فخام‌زاده و دکتر حسین ملانظر، برگزار شد. در این میزگرد، به پرسشهای مختلف دانشجویان در ارتباط با ترجمه و روند آن از ابتدا تا دوره معاصر پاسخ داده شد. در مراسم اختتامیه، خانم دکتر فرح‌زاد پس از سخنرانی تقدیرنامه‌هایی به اساتید مدعو در میزگرد و دانشجویانی که مقالات ایشان پذیرفته شده بود اعطا کردند.

امید است در آینده شاهد برگزاری همایشهای بیشتری در زمینه ترجمه و مطالعات ترجمه در دانشگاه‌های کشورمان باشیم.

## شماره‌های ۴۵ و ۴۶ فصلنامه مترجم منتشر شد

برخی از عنوانهای مطالب شماره ۴۵:

- نکته‌های ترجمه و ویرایش (۶)
- گزارش کارگاه سه روزه ویرایش
- نمونه ترجمه: عقل و احساس / خانه عروسک / عروسکخانه
- آنجا که ما از شاهکارهای ادبیات آمریکای لاتین غافل مانده‌ایم / رضا سید حسینی
- بشکنیم یا نشکنیم / علی صلح جو
- سخنی درباره ترجمه متون قدیمی / عبدالله کوثری
- مترجم بزرگی که مترجم نیست / گفتگو با دکتر محمدعلی موحد
- مترجم هفده ساله شد
- نقد ترجمه



## برخی از عنوانهای مطالب شماره ۴۶:

- دستور نانوشتۀ گفتار
- در باب ترجمۀ یک عنوان
- در جستجوی روح سیال یک اثر: گفتگو با رضا رضایی
- درباره ترجمۀ جین آستین
- مخاطب‌محوری در ترجمه
- درآمدی بر ترجمۀ عهد جدید
- انسان‌شناسی ترجمه
- سیمای یک مترجم (۵): کنستانس گارنت
- جایگاه ادبیات ترجمه‌شده در نظام چندگانۀ ادبی
- تولد معادل فارسی یک اصطلاح غریب
- نکته‌های ترجمه و ویرایش (۷)
- گفتگو با رییس شورای عالی ترجمه
- ترجمه: هنر، حرفه یا علم



مصاحبه اصلی شماره ۴۶ مترجم به رضا رضایی و ترجمه‌های او از جین آستین اختصاص یافته که با نقدی از علی خزاعی فر همراه شده است. بخش سیمای یک مترجم در این شماره به کنستانس گارنت مترجم شهیر انگلیسی می‌پردازد و مقاله دیگری هم درباره این مترجم با عنوان جنگ ترجمه به چاپ رسیده که عبدالله کوثری آن را به فارسی برگردانده است. از دیگر بخشهای این شماره مترجم می‌توان به مصاحبه با رییس شورای عالی ترجمه و ترجمۀ مقاله ترجمه: هنر، حرفه یا علم؟ نوشته آندره لفور اشاره کرد.



## مترجم مسلمان رباعیات مولوی:

## مترجمان آمریکایی واژه‌های مذهبی را از شعر مولانا حذف کرده‌اند

یک روان‌شناس آمریکایی با همکاری نماینده پیشین افغانستان در سازمان ملل متحد، تمامی رباعیات متعلق به مولانا شاعر پارسی‌گوی ایرانی را به انگلیسی ترجمه کرد.

به گزارش ایسنا، ابراهیم گامارد، روان‌شناس مسلمان آمریکایی به همراه روان‌فهادی نماینده پیشین افغانستان در سازمان ملل و استاد ادبیات فارسی پس از ۲۲ سال کار، سرانجام توانستند تمامی رباعیات متعلق به مولانا را به زبان انگلیسی ترجمه کنند. گامارد گفت: برای اولین بار از طریق گروهی از مسلمانان که در سال ۱۹۷۸ به کالیفرنیا سفر کرده بودند، با مولانا آشنا شدم و از آن زمان مشغول مطالعه میراث معنوی او بوده‌ام.

وی اظهار کرد: در سال ۱۹۸۴ به دین اسلام ایمان آوردم، در سال ۱۹۹۹ به زیارت حج رفتم، از سال ۱۹۸۱ آموختن زبان فارسی را آغاز کردم و می‌خواهم با عقاید و اندیشه‌های مولانا آشنا شوم. او با بیان این که عشق واقعی او کار با شعرهای مولاناست، اظهار کرد: در سال ۱۹۸۵ به پروفیسور روان‌فهادی معرفی شدم و از او درخواست کردم تا مرا در ترجمه رباعیات مولانا، که حدود ۲۰۰۰ رباعی است، به زبان انگلیسی به من کمک کند و این آغاز کار ترجمه این کتاب بود.

به گفته گامارد، اگرچه پیش از این شاعران آمریکایی زیادی رباعیات مولانا را به انگلیسی ترجمه شده‌اند، اما آنها متن فارسی را تغییر داده و کلماتی چون نماز، خدا و سجده را حذف کرده‌اند و از آن جایی که در آمریکا به اسلام با ناباوری و شکاکانه می‌نگرند، در کتاب‌های مربوط به مولانا، اثری از کلمات مذهبی دیده نمی‌شود.

او همچنین افزود: ما سعی کردیم تا با جمع‌آوری رباعیات مولانا در کتابی که عمیقاً به ریشه‌های او وفادار بوده باشد، شناخت درستی از مولانا ارائه دهیم و اطمینان داریم پس از چاپ این کتاب، مولانا، بویژه در آمریکا، بیشتر شناخته خواهد شد. می‌دارند. در نتیجه تنها تفکر تاتی فرصت و امکان طرح می‌یابند که خود را با خوانش نهادینه این نهاد حاکم سازگار کنند.